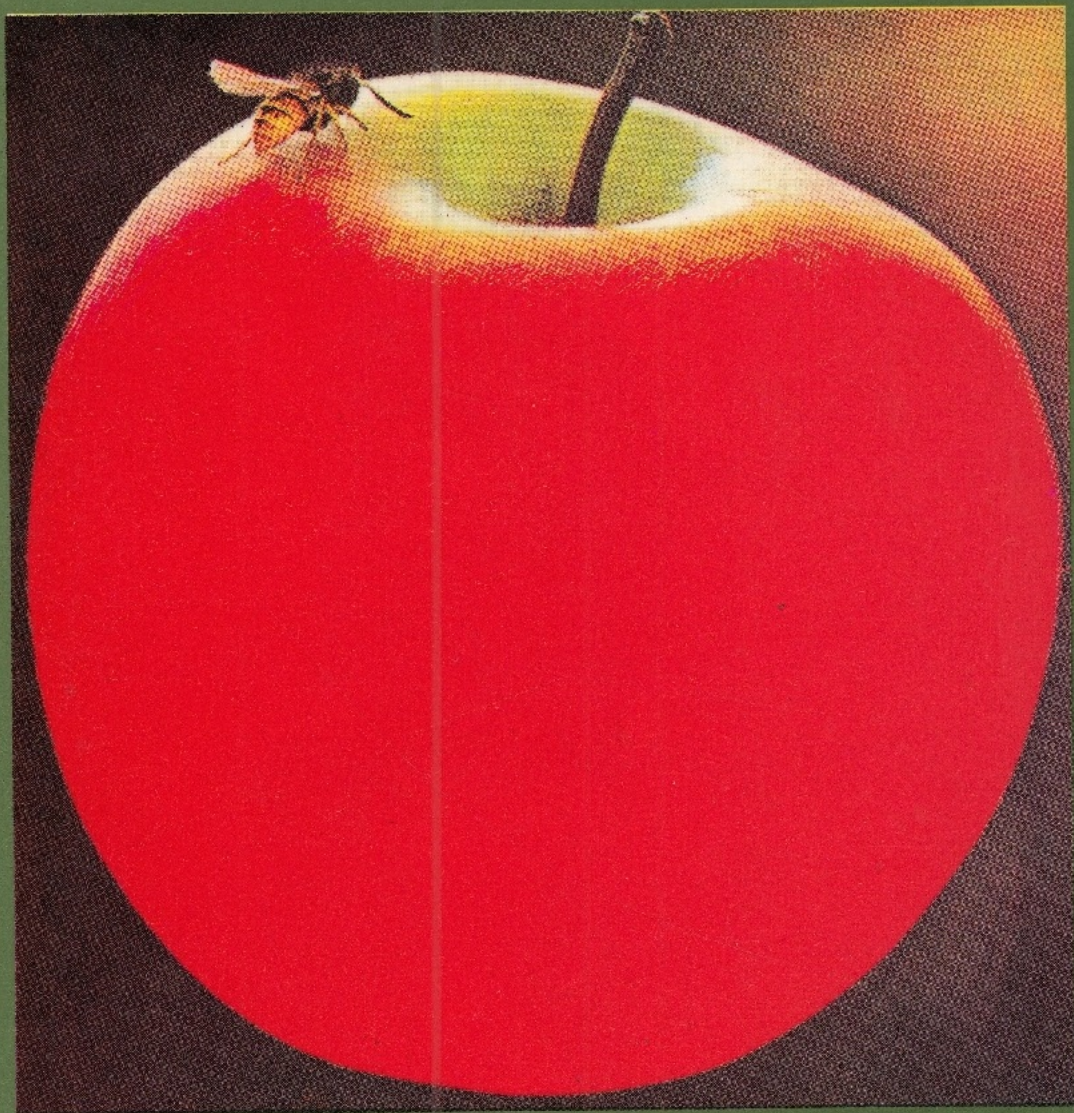


زبان خوراکیها

دکتر غیاث الدین جزایری
جلد سوم



زبان خوراکیها

جلد سوم

دکتر غیاث‌الدین جزایری



مؤسسه انتشارات امیر کبیر

تهران، ۱۳۸۰

جزایری، غیاث‌الدین، - ۱۳۶۳.

زبان خوراکیها / غیاث‌الدین جزایری . - تهران : امیرکبیر، ۱۳۵۱ - ۱۳۵۶.
۳ ج. : مصور، جدول.

ISBN 964-00-0220-8 (دوره ۳ جلدی).

ISBN 964-00-0325-5 (ج. ۱) ISBN 964-00-0326-3 (ج. ۲)

ISBN 964-00-0327-1 (ج. ۳)

جلد ۱ چاپ هفدهم ۱۳۸۰، جلد ۲ چاپ شانزدهم ۱۳۸۰، جلد ۳ چاپ دوازدهم ۱۳۸۰.

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.

۱. مواد غذایی. ۲. تغذیه. ۳. گیاهان دارویی. الف. عنوان.

۶۴۱/۳

TX۳۵۵ / ج ۴ ز ۲

کتابخانه ملی ایران

*م۵۳-۲۱۲۴



زبان خوراکیها (جلد سوم)

تألیف : غیاث‌الدین جزایری

چاپ یازدهم : ۱۳۷۸

چاپ دوازدهم : ۱۳۸۰

چاپ و صحافی : چاپخانه سپهر، تهران

تیراژ : ۲۰۰۰ نسخه

حق چاپ محفوظ است.

ISBN 964 - 00 - 0220 - 8 (3 vol.set)

ISBN 964 - 00 - 0327 - 1 (vol.3)

شابک ۸ - ۰۲۲۰ - ۰۰ - ۹۶۴ (دوره ۳ جلدی)

شابک ۱ - ۰۳۲۷ - ۰۰ - ۹۶۴ (جلد سوم)

مؤسسه انتشارات امیرکبیر تهران، میدان استقلال.

فهرست

صفحه	عنوان
۹	اسم من "بابا آدم" است
۱۲	من "هلیله" هستم
۱۴	اسم من "گل سرخ" است
۲۵	اسم من "نسترن" است
۲۴	من "راج" هستم
۲۷	اسم من "آبنوس" است
۲۹	من "حلیوب" هستم
۳۱	من گیاه "دم اسب" هستم
۳۴	اسم من "جنطیانا" است
۳۸	من "انگور فرنگی" هستم
۴۵	اسم من "ارزن" است
۴۴	اسم من "کاکائو" است
۴۶	من "آش انگور" هستم
۵۵	اسم من "شیدر" است
۵۳	من "کور" هستم
۵۵	اسم من "نیلوفرآبی" است
۵۸	من "وشا" هستم
۶۵	ما "خارهای دارویی" هستیم
۶۵	اسم من "سند روس" است
۶۸	من "اگیرترکی" هستم
۷۱	اسم من "کهربا" است

۷۴ من "ناخنک" هستم
۷۶ اسم من "پرسیاوشان" است
۷۹ من "خون سیاوشان" هستم
۸۱ اسم من "سرخس" است
۸۵ اسم من "خرنوب" است
۸۷ اسم من "چوب چینی" است
۹۰ اسم من "گل طاووسی" است
۹۲ اسم من "سپستان" است
۹۷ من "قدقدک" هستم
۹۹ اسم من "گل شاهپسند" است
۱۰۴ اسم من "فلوس" است
۱۰۷ من "کرچک" هستم
۱۱۰ اسم من "برنج" است
۱۱۵ اسم من "کتان" است
۱۱۹ من "خرمالو" هستم
۱۲۱ اسم من "اوکالیپتوس" است
۱۲۳ من "لاله" سرنگون" هستم
۱۲۶ اسم من "حنا" است
۱۳۰ من "علف سرفه- فرفره" هستم
۱۳۲ اسم من "وسمه" است
۱۳۴ ما "مخلصه" هستیم
۱۳۶ اسم من "سنا" است
۱۳۹ ما "درمنه" هستیم
۱۴۱ اسم من "ماست" است
۱۴۷ اسم من "گل سیکلامن" است
۱۵۱ اسم من "عشقه" است
۱۵۳ ما "پیچک" هستیم
۱۵۶ اسم من "شاهدانه" است

- ۱۶۰ اسم من " خارخسک " است .
- ۱۶۵ ما همانند " چوب چینی " هستیم .
- ۱۷۰ اسم من " علف هزار چشم " است .
- ۱۷۴ من " برگ‌بو " هستم .
- ۱۷۶ اسم من " کتیرا " است .
- ۱۸۰ من " خرس گیاه " هستم .
- ۱۸۲ اسم من " مازریون " است .
- ۱۸۵ من " سریش " هستم .
- ۱۸۷ اسم من " خرزهره " است .
- ۱۹۰ من " هزاربندک " هستم .
- ۱۹۳ اسم من " غافت " است .
- ۱۹۵ من " اسپیره " هستم .
- ۱۹۷ اسم من " درخت مسواک " است .
- ۱۹۹ اسم من " تاجریزی " است .
- ۲۰۴ اسم من " پنبه " است .



اسم من «بابا آدم» است!

ریشه‌ام تصفیه کننده خون است. برای درمان نقرس و رماتیسم اثر فراوان دارم. بیماریهای پوستی را شفا میدهم. اگر به دندان درد مبتلا شدید از من استفاده کنید. آنان که با چاقی مبارزه می‌کنند هیچ دارویی را بهتر از من نخواهند جست. اثری معجزه آسا برای فرونشاندن دانه‌های مخملک و سرخک دارم.

فارسی من گیاه بابا آدم است. اعراب به من رأس الجامه می‌گویند، ولی در کتاب طبی قدیم از من به نامهای آراقیطون، ارقیطون که معرب آرگیتوم است یاد شده است. من همان گیاهی هستم که دارای برگهای بزرگ و پهن بوده و به موجب یک افسانه قدیمی حضرت آدم و حوا پس از آنکه به زمین آمدند؛ از برگ من برای پوشاندن و ستر عورت خود استفاده کردند. میوه من به صورت فندقه است، و دارای سه تا چهار سطح مشخص است. گل‌های من بدون واسطه دمبرگ روی نهنج مشترکی به تعداد سی تا پنجاه گل محصور در تارهای ابریشمی است، و رنگ آنها ارغوانی می‌باشد. در بالای میوه من که به رنگ خاکستری یا حنایی

است، دسته‌ای از تارهای ابریشمی کوتاه به رنگ سفید یا زرد دیده می‌شود. من در اطراف تهران در تمام نواحی البرز، راه چالوس و کوه‌های هراز، ولی‌آباد، رودبار- زیر درختان زیتون، تفرش و کوه‌های خراسان و کرمان می‌رویم، در اروپا به علت مصرف زیادی که ریشه من در صنعت داروسازی پیدا کرده است، مرامی‌کارند، ولی در ایران خودرو هستم. ریشه من دارای اینولین- یک ماده رزینی و چند عامل دارویی- است. از ریشه خشک شده من متجاوز از پنجاه تا هفتاد درصد اینولین می‌گیرند و بعلاوه دارای املاح کربنات دوپتاس و کربنات دوسود هستم. برگ‌های من دارای اکسیدازهای فعال و میوه من دارای هشت درصد روغنی است که زود خشک می‌شود و برای نقاشی مناسب است.

ریشه من تصفیه‌کننده خون، پیشاب‌آور و معرق است و از قدیم برای درمان نقرس، رماتیسم و امراض جلدی تجویز شده، و اخیراً برای معالجه سفلیس به کار برده می‌شود. ریشه من برای درمان چاقی، ورم عمومی بدن که در اثر خرابی کلیه و سنگ مثانه می‌باشد مفید است برای بیماری‌های پوستی و جوش غرور جوانی نافع است. برای تب‌های دانه‌ای مانند سرخک و مخلک سبب آسان شدن بروز دانه‌ها می‌گردد. مضمضه جوشانده بیخ من مسکن درد دندان است، ولته را محکم می‌کند و جهت امراض دهان، دندان و سینه مفید بوده، و از خونریزی جلوگیری می‌کند. برای درد مفاصل، عرق‌النساء و ترک پوست و زخم سرانگشتان که به علت شدت سرما به هم رسیده باشد سودمند است و همچنین برای سوختگی آتش و زخم‌های بیخ ناخن مفید است و روی هم رفته برای معالجه زخم‌های مزمن- اولس‌رزانو- التهابات مخاط دهان و گلو و آب آوردن انساج شایان دارد. برای معالجه جرب و اگزمای خشک می‌توان از ریشه تازه له شده یا جوشانده غلیظ آن استفاده کرد. مالیدن جوشانده غلیظ ریشه من بر روی موی سر مقوی موبوده، و از ریزش آن جلوگیری می‌کند. مخصوصاً اگر صدگرم آن را با صد گرم ریشه گزنه در نیم لیتر آب بجوشانند، ضمد ریشه من مسکن درد مفاصل و التهاب بواسیر است. ریشه من بهترین پادزهر مار و سایر حشرات گزنده است، و برای این کار می‌توان از ضمد له شده ریشه من استفاده کرد.

نوشیدن جوشانده یا دمکرده برگ من برای پایین آوردن قند خون اثر فوری دارد. اثر ریشه و برگ تازه من در معالجات بهتر از خشک شده آنهاست. برای تصفیه خون معمولاً سی گرم ریشه مرا با سی گرم شیرین بیان و سی گرم تاجریزی در یک لیتر آب به مدت بیست دقیقه جوشانده، نصف آن را در روز به بیمار بدهید. درد امپزشکی از جوشانده پنجاه در هزار من برای معالجه جرب و ریزش مو و خارش بدن سگها استفاده می کنند. برای معالجه سرفه گوسفندان ریشه مرا قطعه قطعه کرده وارد غذای آنها می نمایند.

من «هليلة» هستم!

فارسی من هليلة است، اعراب آنرا معرب کرده اهلیج گویند. من دارای انواع واقسام به نامهای هليلة زرد، هليلة سیاه، هليلة کابلی و هليلة چینی هستم. هليلة کابلی محصول هندوستان است و چون سابقاً آن را از راه کابل به ایران آورده‌اند، به کابلی معروف شده است. میوه انواع ما موقعی که تازه است، بیضی یا گلابی شکل است که پس از خشک شدن سخت و ناهموار می‌گردد و دارای مواد صمغی، تانن فراوان و مواد خلط‌آور و چند نوع قند است. در کتاب طب الاثمه از قول حضرت رضا روایت کرده‌اند که روزی جمعی از پزشکان در محضر ایشان از خواص چندین دارو توصیف می‌کردند، آنحضرت فرمودند

که شما از این ادویه تعریف می‌کنید، ولی نمی‌دانم چرا هلیله و رازیانه را فراموش کرده‌اید؟

هر کس در روز یک هلیله کابلی را در دهان گذاشته و بمکد، موی سر او سیاه نشود. . .

این خاصیت در انواع دیگر ما هلیله‌ها نیز موجود است، انواع ما هلیله‌ها برای تقویت معده، حافظه، ذهن و حواس ظاهری و باطنی مفید میباشند برای سردرد، مالیخولیا و رفع وسواس و امراض روحی سود فراوان داریم. استعمال ما در موقع داشتن تب چه از راه خوردن و چه از راه تنقیه جایز نیست. برای رفع نسیان دارویی مؤثرتر از هلیله کابلی نمی‌باشد. هلیله پرورده و مرئی هلیله مقوی کبد و حواس پنجگانه است، و پاشیدن سوخته هلیله خون بواسیر را بند می‌آورد، و برای تقویت دندان و لثه مجرب است.

خوردن خیسانده و جوشانده من بهتر از جرم من است. سابقاً" مرا برای معالجه جذام هم تجویز می‌کردند و با اینکه خوردن و تنقیه جوشانده مرا برای کسانی که تب دارند منع کرده‌اند، در مورد سرسام (مننژیت) افزودن آن را به تنقیه تجویز نموده‌اند. مقدار خوراک من دو مثقال و در جوشانده تا هفت مثقال است.



اسم من « گل سرخ » است!

گل من مقوی روح، نشاط آور، ضد عفونی کننده و مسهل بسیار خوبی است. چکاندن عصاره من در بینی، سردرد را درمان می کند. گلبرهای خشک شده من، التیام دهنده زخم است. برای پایین آوردن تب می توانید از من استفاده کنید. مسلولین، می توانند داروی درمان خویش را در گلبرگهای من جستجو کنند.

با اینکه اکثر گیاهان برای تولید مثل دارای گلی مخصوص هستند، معذک در فارسی و ادبیات وقتی صحبت از گل می شود، مراد گل سرخ است که به عربی آن را "ورد الاحمر" و به زبان فرنگی "رز" گویند. من همان گل درختی خوشبویی هستم که در ادبیات فارسی همه جا مرا هم نشین خاریا بلبل دانسته و به علت فراوانی انواع من در ایران، این کشور با عظمت باستانی را کشور گل و بلبل لقب داده اند و با اینکه اسم من گل سرخ است معذک گونه های مختلف من به رنگهای گوناگون: سفید، زرد، صورتی، تا سرخ آتشین دیده می شود، ولی

هر قدر گل من سرخ تر باشد، نانن آن بیشتر بوده، و خواص دارویی آن بیشتر است. گل چای که دارای گل‌های نارنجی رنگ پرپر است، نوعی از من می باشد که در اثر پیوند چند گونه به عمل آمده و وجه تسمیه آن به گل چای، به مناسبت شباهت رنگ آن با گل بوته چای می باشد. گل خارگونه‌ای از من است که رنگ گل آن صورتی مایل به کبودی است، گل بداغ گونه‌ای از من است که رنگ گلبرگ‌های آن سفید بوده و بوی آن چندان مطبوع نیست و به آن گل سفید هم می گویند. گل دو آتشه گونه‌ای از من است که به نام گل دو روی و گل دو رنگ معروف است. گل رشتی یکی از گونه‌های من است که در چهار فصل سال گل می دهد و گل‌های آن پرپر است و به آن گل همیشه بهار می گویند، گل زرد یکی از گونه‌های من است که رنگ گلبرگ‌های آن زرد بوده، و اصل آن ایرانی است و بوی خوشی ندارد. اعراب به آن "وردالاصفر" و "وردمنتن" گویند و مراد از زردگل همین درخت گل است.

گل سرخ فرنگی گلی است که از پیوند چند گونه گل سرخ به عمل آمده و به آن گل سرخ پیوندی و گل سرخ حوحم می گویند. گل سرخ صد پر گونه‌ای از من است که اصل آن ایرانی است و دارای گل‌های پرپر بوده و یکی از زیباترین گل‌های سرخ است و اعراب به آن گل کثیره الورق گویند. گل گلاب یکی از خوشبوترین انواع من بوده و به آن گل سرخ عطری، گل محمدی، و گل سوری هم می گویند. گل دنبه همان گل سرخ سفید ایرانی است.

عربی من "وردالاحمر و عاظ" است، ولی عده‌ای گل را معرب کرده، "جل" نوشته‌اند، بر روی ساقه‌های من دو نوع خار یکی خمیده و نسبتاً "بزرگ و نک تیز و یک نوع خار کوچک ظریف وجود دارد. قسمت مورد استفاده من غنچه های رسیده ناشکفته بدون کاسه گل آن است، چیدن غنچه‌های گل من بایستی موقعی باشد که غنچه رسیده و در شرف باز شدن است. پس از چیدن، گلبرگ‌ها را سوا کنید و در سایه خشک کنید و بعد آن را در شیشه سربسته نگاهداری نمایید و نگذارید حشرات در روی آنها رخنه کرده و تخم گذاری کنند. بهترین گل سرخ آن است که گلبرگ آن پس از خشک شدن کاملاً قرمز بوده و طعم قابض، بوی خوش آن و خاصیت ضد عفونی کننده‌ی آن است و به همین جهت برای

مسلولین داروی ارزنده‌ای می‌باشد. گلبرگهای من برای درمان اسهالهای مزمن، رفع ترشحات زنانه، اخلاط خونین و خونریزیهای عادی تجویز می‌شود. . . .
گل من مقوی روح، نشاط‌آور، ضد عفونی‌کننده، مسهل و مسکن صفرا و بلغم است و چون سی‌گرم گلبرگ تازه‌مرا بخورند، مسهل خوبی است، و چنانچه گفته شد گلبرگهای خشک شده قابض بوده و این خاصیت در غنچه‌های آن زیادتر است. چکاندن عصاره آب من در بینی در درمان دردسر و درد گوش مؤثر است. بوئیدن گل من مقوی قلب و دماغ بوده و خوردن آن جهت قلب و ریه و معده، جگر، کلیه، روده‌ها و رحم مفید بوده و مخصوصاً برای درمان خونریزی سینه نافع است. خوردن شش‌گرم آن تب را پایین می‌آورد و برای درمان تب ربع مفید است. پاشیدن گلبرگهای خشک من روی زخم، آنهاراضد - عفونی کرده و و التیام می‌دهد. ضماد آن را جهت درمان زگیل و لکه‌های جلدی و روئیدن گوشت تازه و تحلیل ورمها توصیه کرده‌اند. حمول گرد خشک گلبرگهای من ترشحات رحم را از بین برده و بوی بد رحم را از بین می‌برد. مالیدن گل من در حمام بر بدن جهت رفع بوی بد عرق سودمند است. ضماد تازه گلبرگهای من جهت خارج ساختن خار و پیکان از بدن و زخم زیر بغل و کشاله ران و رفع بوی دهان نافع می‌باشد.

خوردن کوبیده میوه من با آب جهت خونریزی سینه و درمان اسهال تجویز می‌شود. مقدار خوراک من یک فنجان دم‌کرده، ده تا بیست در هزار از گلبرگهای من قبل از غذاست و شربت من از ۳۰ تا ۶۰ گرم گلبرگ و مقداری قند در یک لیتر آب به دست می‌آید.

برای استعمال خارجی می‌توان از جوشانده غلیظ من جهت مضمضه و غرغره و شستن زخمها استفاده کرد.

برای شستشوی چشم بایستی از جوشانده من در آب مقطر استفاده کرد. ضماد برگ درخت گل سرخ جهت ورم نشیمنگاه مفید می‌باشد.

گلنگبین - گل‌قند

از سرشتن برگ گل تازه من با هم وزن آن عسل، گلنگبین و با قند و

با شکر گل‌قند به دست می‌آید و چنانچه برگ گل کمتر و شکر زیادتر باشد، آن را گل شگری نامیده‌اند، گنگبین و گل‌قند هر دو مقوی دماغ و معده می‌باشد. خوردن گنگبین بعد از غذا جهت سرد مزاجان و پیران و اشخاص فالج و مبتلایان به درد مفاصل و نقرس و سنگ کلیه و سختی ادرار مفید است و مخصوصاً در زمستان خوردن آن منافع بیشتری دارد، گل‌قند جهت اشخاص گرم مزاج و جوانان و جلوگیری از وسواس جنون سودمند است. شیخ‌الرئیس ابوعلی سینا در کتاب قانون در قسمت سل می‌نویسد: بانویی مبتلا به مرض سل بوده و من او را با خوردن گل‌قند معالجه نمودم و او مدتی آن را به مقدار زیاد بیش از آن مقدار که من دستور داده بودم می‌خورد، تا بکلی شفا یافت. مقدار خوراک آن تا چهار مثقال است.

گلاب

چون که گل رفت و گلستان شد خراب بوی گل را از چه جوییم، از گلاب من آب مقطر گل گلاب می‌باشم، طبق مدارک موجود که از منابع اروپایی در دست است، نخستین ملتی که مبتکر گرفتن گلاب بوده و اصولاً "قرع و انبیق" را اختراع کرد و عمل تقطیر مایعات و اسانس‌کشی را معمول داشت، ملت ایران است.

حکمای قدیم یونان از صنعت گلاب‌کشی و تقطیر مایعات اطلاعی نداشتند، و تنها از عصاره مایع گلبرگهای گل سرخ و جوشانده آن در روغن استفاده می‌نمودند و چون سهم اعظم علوم شیمیایی امروز وابسته به تقطیر است، به همین جهت ایرانیان سهم بزرگی در راه پیشرفت این علم دارند و "جابر بن حیان صوفی" را به حق پدر شیمی لقب داده‌اند.

من از تقطیر آبی که گلبرگهای گل سوری را در آن خیس کرده باشند به دست می‌آیم. من با صفرا و بلغم هر دو می‌جنگم، من مقوی دماغ و دهانه معده هستم، اگر مرا نیم گرم کرده بنوشید بهترین درمان برای خونریزی سینه و گلو هستم، و سینه را نرم می‌کنم. عوارض نزله را از بین می‌برم و درد معده و روده و دل‌پیچه را معالجه می‌نمایم، نوشیدن سرد من آتش دل را از بین

می برد و بدن را تقویت می کند. بوئیدن من برای تقویت قلب و رفع غشی و بیهوشی و تقویت دماغ و حواس باطنی سود فراوان دارد. برای معالجه اشخاص گرما زده بهترین راه خوراندن گلاب همراه با یخ است، بقدری که تولید قی نموده صفرا را خارج نماید. نوشیدن و بوئیدن من مسکن درد سر می باشد، مخصوصاً سردردی که در اثر استنشاق هوای کثیف و شنیدن جارو جنجال باشد و به همین جهت می توانیم بگوییم که مقصود خاقانی از این بیت از قصیده مداین:

از ناله جغد الحق، ماییم به درد سر از دیده گلابی کن درد سرما بنشان
 آب گل که از آب و خاک درست می شود، نیست بلکه مقصودش گلاب به
 ضم گاف می باشد و شاعر دیگری در مرزبان نامه چنین می گوید:
 گل در میان کوزه بسی درد سر کشید تا بهر درد سر ما گلاب شد
 برای گل که از مخلوط آب و خاک به دست می آید چنین خاصیتی ذکر
 نشده است، و تنها بوئیدن کاهگل خشک که به آن آب زده باشند، برای به
 هوش آوردن مبتلایان به مرض غش و تقویت دل تجویز شده است.

جلاب

جلاب با ضم جیم و تشدید لام، یکی از شربت های قدیمی است که از ساخته های داروسازان سنتی ایران جهت تقویت قلب و درمان خفقان و توحش و مالیخولیا و امثال آنها ترتیب می دادند و دستور ساختن آن چنین بود. یک من نبات سفید با شکر را گرفته، با سه من گلاب روی آتشی ملایم می جوشانند و کف آن را می گرفتند تا میزان آن به نصف برسد. بعد دو گرم زعفران را در کمی گلاب ساییده و در آن می ریختند و بعد آن را در یک شیشه سربسته ریخته نگاهداری می کردند و در موقع مصرف آن را با یکی از عرقهای بیدمشک یا عرق کاسنی مخلوط کرده و در آن تخم شربتی، یا تخم ریحان یا اسفرزه ریخته می نوشیدند.

عطر گل سرخ

همزمان با گرفتن گلاب در ایران قدیم، گرفتن عطر آن نیز به روش قدیمی معمول گردید، ولی تهیه اسانس گل سرخ در اروپا در قرن پانزدهم شروع شد. بوی این اسانس خیلی قوی است ولی پس از رقیق شدن مطبوع تر می گردد. اسانس گل سرخ مصرف درمانی ندارد، ولی به علت داشتن بوی خوش در ساختن ترکیبات آرایشی مخلوط می گردد.



اسم من «نسترن» است!

قسمت گوشتدار و میوه‌سان من دارای مقدار زیادی ویتامین " ث " است . از رقت خون جلوگیری می‌کنم . ورمهای کلیوی را رفع می‌کنم . خوردن تارهای من کرم معده را دفع می‌کند . اگر از جوشاندهٔ ریشهٔ من استفاده کنید رفع کنندهٔ مرض هاری هستم . اثری آرامبخش دارم .

نسترن لؤلؤ بیضا دارد اندر مرسله

ارغوان لعل بدخشان دارد اندر گوشوار

فارسی من نسترن است، به من نسترن، نسترون و گاهی به غلط نسرین گویند. عربی من وردبری است. به من گلاسانه، بنگل، شجره العلیق، آیت - مورنی و گلبک هم می‌گویند. من یکی از انواع بیابانی گل سرخ می‌باشم که معمولاً "مراپایه" پیوند برای انواع گل سرخ قرار می‌دهند. من انواع اقسام رنگهای سفید، زرد، قرمزپرپر و کم پر دارم. گل‌های من به صورت منفرد و مجتمع هر دو دیده می‌شود، میوهٔ من کوزه‌ای است که پس از خشک شدن سخت می‌شود، و

رنگ آن قهوه‌ای یا سرخ می‌گردد. بوی آن ضعیف و طعم آن کمی شیرین است. قسمت گوشتدار میوه من دارای ترشیه‌های مختلف، نظیر ترشی سیب و جوهر لیمو است. مقداری قند، مقداری تانن و به مقدار زیاد ویتامین ث دارد و به همین جهت ضد رقت خون، قابض و پیشاب‌آور است و بیشتر برای معالجه اسهال مسلولین تجویز می‌شود و برای مبتلایان به اخلاط خونی - ورم کلیه و دردهای کلیوی که نتیجه سنگ باشد توصیه شده است. جوشانده میوه من به شرط آنکه بیشتر از ده دقیقه نجوشیده باشد، برای رفع عوارض کمبود ویتامین "ث" به کار می‌رود، و با قسمت‌های گوشتدار میوه من کمپوت - مارمالاد و شیرینی درست می‌کنند، تارهای درون کوزه گل من مانند تارهای گل سرخ عطسه‌آور بوده و خوردن آنها دافع کرم معده است. بر روی شاخه‌های بعضی از انواع من بر اثر گزش حشره‌ای مخصوص، برجستگی‌هایی پیدا می‌شود. این برجستگیها مقوی بوده برای رفع عرق کردن مسلولین به کار می‌رود و خوردن آنها باعث کم شدن آلبومین ادرار می‌گردد. اثر آرامبخش نیز دارد. از جوشانده ریشه من سابقاً برای معالجه مرض هاری استفاده می‌شد، تارهای گلین من التیام‌دهنده جراحات است.

اگر مقداری براده آهن یا زاج سبز یا املاح دیگر آهن در پای درخت من به عنوان کود بریزند، گل‌های من بیشتر و با دوام‌تر می‌شوند و همچنین موقعی که انواع رز را روی پایه من پیوند می‌زنند برای آنها ترکیبات آهن لازم است، ولی گاهی در اثر دادن آهن ساقه‌های خود من هم رشد می‌کند و در اینجا باغبانان آن را که معمولاً "تیغ می‌گویند می‌چینند تا گل پیوندی را ضعیف نمایم.

نسرین

عده‌ای مرا نسترن خوشبومی دانند، ولی حقیقت چیز دیگری است. من از خانواده گل نرگس می‌باشم ولی گل من شبیه گل سرخ و از آن کوچکتر می‌باشد و بیشتر به رنگ سفید و مایل به زرد دیده می‌شوند. گل من پرپر است، عطر گل من فرارتر از گل گلاب است و به همین جهت گلاب من بوئی ندارد.

درختچه من هم شبیه درخت گل سرخ است، ولی کوچکتر از آن می باشد. من در جنگلها و نقاط مرطوب به حالت وحشی می رویم، و در مازندران فراوان می باشم. طاقت من، در برابر سرما زیاد است، بطوری که در زمستان می توانم زیر برف باقی بمانم، و در عطرسازی نیز از من می توان استفاده کرد.

به من نرگس زرد، گل عنبرین، گل مشکین و دراصفهان مشکینچه گویند. عربی من وردالصین است. بوئیدن گل من مقوی قلب و دماغ است، و برای زکام و آبریزش بینی بسیار نافع بوده و از ابتلا به نزله جلوگیری می کند، و دماغ را باز کرده و گاهی تولید عطسه می نماید. اگر جوشانده گل مرا که در روغن جوشیده باشد در گوش بچکانید، چرک آن را از بین می برم. و برای رفع صدا کردن گوش بسیار مفید می باشم. جویدن و مالیدن گل من بردندان لثه را محکم و درد آن را ساکت می کند.

خوردن پنج گرم من سینه را پاک می کند و ورم لثه، گلو و لوزتین را از بین می برد. مقوی معده و کبد بوده، و از سسکه قوی جلوگیری می کنم و درمان خوبی برای یرقان هستم. یک گرم و نیم گل من با شش گرم برگ من مسهل قوی است، "محمد بن زکریای رازی" طبیب عالی قدر ایرانی می نویسد که در خراسان دیدم گل نسترن را یک گرم و نیم تا پنج گرم می دادند. مسهل و پیشاب آور خوبی بود، مربای گل آن نیز مسهل خوبی است. ضماد گل نسرين مسقط دانه بواسیر و دافع ورم مفاصل است.

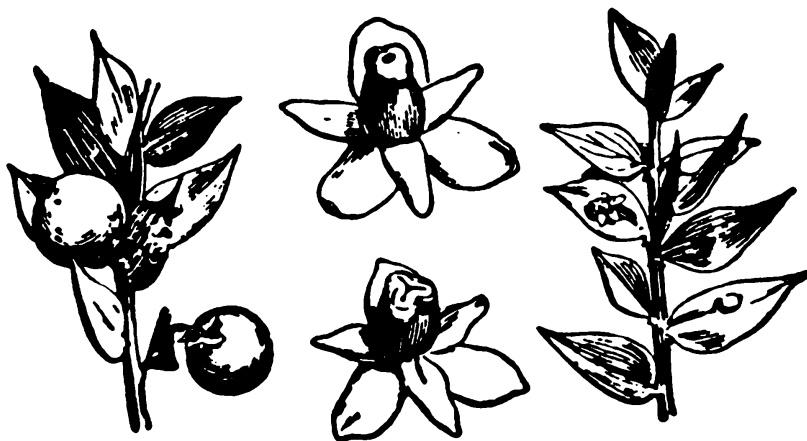
ضماد گل من با حنا جهت تقویت مو و مالیدن آن در حمام بر بدن، بدبوئی عرق را از بین برده و آن را خوشبو می نماید. مالیدن گل من کک مک را از بین می برد، و خوردن مرتب گل خشک شده من، مانع سفید شدن مو است و "انطاکی" برای جلوگیری از سفید شدن مو دستور داده است همه روزه دو مثقال مربای مرا بخورند. این مربا چنانچه گفته شد مسهل است.

گل رعنازیبا

فارسی من گل رعناست، در شیراز به من گل قحبه می گویند، عربی من "وردالحماق" است. گل من کمی بدبوست و در دسته گلهای بدبو قرار دارد.

در کتب قدیم داروسازی ایران به نوع خوشبوی من هم اشاره شده است، گل من مصرفی ندارد و بیشتر از میوه من استفاده می‌کنند که قوی‌تر از میوه گل سرخ است، و ویتامین "ث" آن زیاد است. خوردن ۱۵ گرم دانه‌هایی که در وسط‌گل من قرار دارند، خونریزی را بند می‌آورد.

در ایران انواع نسترن و نسرين زياد است، و بطورکلی گلبرگ تمام آنها خوراکی است "به استثناء گل رعنا" و با آنها مربایی به نام گل‌قند می‌سازند که طرز تهیه آن را در گل‌سرخ شرح خواهیم داد. میوه همه آنها به شرحی که داده شد، قابل استفاده است و نباید آنها را دور ریخت. مخصوصاً میوه نسترن وحشی که در اطراف تهران به آن تیغ می‌گویند، و این همان شاخه‌های پر خار است که پایه پیوند گل‌های زینتی می‌باشد.



من «راج» هستم!

فارسی من راج است، ولی در اطراف رشت به من خج و خچ، در آستارا هس، در دیلمان خاس و خاش، در شهسوار کنگه می‌گویند. عربی من شرابه طیم و عودالخیر است، میوه من به اندازه آلبالو و قرمز رنگ می‌باشد و دارای سه تا پنج هسته است و طعم تندی دارد، از بافت‌های زیر پوست من پس از سائیدن نوعی چسب به دست می‌آید که مانند سریش است. برگ‌های من همیشه سبز بوده، و خزان نمی‌کنم. گل‌های درشت من به صورت مجتمع سفید یا صورتی است. از مشخصات برگ‌های من خاردار بودن و نک‌تیز آنهاست - برگ من دارای جوهر مازو (تانن)، کمی قند، صمغ و کمی موم است. برگ‌های من به علت

داشتن جوهر مازو و یک ماده دارویی پیشاب‌آور، ملین، مقوی و تب‌براست و در معالجه تب و لرز تجویز می‌شود. میوه درخت من قی‌آور و مسهل است و چنانچه به وسیله اطفال بلع شود، خطرناک می‌باشد. مقدار خوراک برگ من یک فنجان تا سه فنجان از دم‌کرده سی تا شصت در هزار است. گردبرگ خشک من به مقدار ۴ تا ۱۵ گرم بطور جوشانده یا محلول داده می‌شود.

راج اربو

من نوعی راج هستم که در فارسی به من بارانک می‌گویند. درخت من خاردار بوده، دارای گل‌های سفید و قرمز است. میوه من قرمز رنگ، کوچک و تلخ است. من دارای گونه‌های زیادی هستم که در سرتاسر جنگل‌های شمال و همچنین در اهر و ارسباران می‌رویم و در طولش به من میانز می‌گویند. میوه درخت من دارای تانن، مواد قندی و ترشیه‌های مختلف است. از میوه من برای معالجه اسهال ساده و خونی استفاده می‌کنند. فرنگیها به آن سوربیه ضد اسهال خونی گویند (آنتی‌دیزانتری).

دیوآلبالو

در اطراف کرج به من دیوآلبالو و در قوشخانه سوختال گویند. من در اطراف کرج، پس‌قلعه، ارتفاعات البرزوارسباران می‌رویم. قسمت مورد استفاده من میوه من است که عده‌ای آن را آلبالوی وحشی می‌دانند. میوه من ترش و کمی گس بوده، و دارای تانن و ترشیه‌های مختلف بوده، ضد اسهال و ضد سرفه است. ایران مانند شیروان، از گیاه من برای تیزابی کردن کشمش استفاده میکنند. گیاه من بارتفاع ۳۰ تا ۵۰ سانتیمتر و گاهی بیشتر است. من دارای ساقه‌ای بندبند، بی‌کرک، سخت و چوبی میباشم. قسمت‌های هوایی گیاه من دارای چند عامل دارویی است مهمترین آنها (آنا‌بازین) نام دارد که پس از ترکیب با جوهر گوگرد بصورت سولفات درآمده، و یکی از حشره‌کش‌های قوی میباشند و از همین جهت است که آنرا برای تیزابی کردن انگور و از بین بردن انگل‌های

گیاهی بکار میبرند. در کشور روسیه و اتازونی از محلول ۴۰% مواد عامله‌ی
من بمنظور مبارزه با انگلهای گیاهی استفاده میشود.
ما از مطلعین شیروان و سایر شهرهائیکه از این گیاه جهت تیزابی کردن کشمش
استفاده میکنند، تقاضا داریم اسامی محلی این گیاه را برای مابنویسند.



اسم من «آبنوس» است!

من درختی هستم از تیره‌ی پروانه‌داران که در جزیره‌ی موریس، هندوستان و ماداگاسکار، میرویم. چوب من سیاه سخت و قیمتی است، و سنگینی آن بحدی است که زیر آب می‌رود. درخت من شبیه درخت عناب و به بزرگی درخت گردو است، و میوه‌ی آن شبیه انگور زرد متمایل بسرخ‌ی شیرین و کمی گس بوده، در اوایل پاییز می‌رسد. برگ درخت من مانند برگ صنوبر و از آن عریض‌تر است. تخم و گل درخت من شبیه حنا می‌باشد. چوب درخت من هنگام بریدن کمرنگ می‌باشد، ولی چون آنرا مدتی در آب بیاندازند سیاه و براق می‌گردد. چوب درخت من هنگام سوختن بوی خوش می‌دهد و این بهترین وسیله برای تشخیص

نوع اصلی از انواع بدلی آن است. چنانچه چوب درخت مرا با آب بارهنگ سوده ببویند و قدری از آنرا برپیشانی بمالند، خون دماغ را بند می‌آورد. سرمه خاکاره نرم من بعلت داشتن ویتامین (A) برای درمان شب‌کوری بهترین دارو است، و برای بسیاری از امراض چشم مانند روم ملتحمه، ناخنه، چشم درد و آب‌ریزش مفید بوده و مزه را تقویت میکند. پاشیدن خاکاره چوب من روی زخم خون را بند می‌آورد، و باعث التیام جراحات میشود. برای درمان سوختگی بهتر آنست که ابتدا سفیده‌ی تخم مرغ بمالند، و بعد خاکاره‌ی مرا بپاشند تا از تاول زدن جلوگیری کند.

آبنس‌های بدلی:

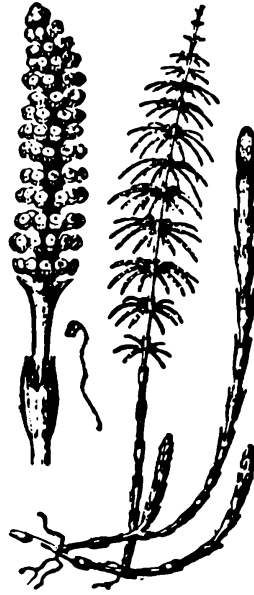
علاوه بر نوع اصلی، درختان دیگری در تیره پروانه‌داران وجود دارد که چوب آنها سیاه و شبیه آبنوس است، به آنها آبنوس دروغی، «شجره النحل» و قصاص و قطیس میگویند. بهترین راه تشخیص بوی بد آنها هنگام سوختن است. الوار آبنوس اصلی بیش از یک وجب نمیشود، ولی بعضی از انواع بدلی وسعت بیشتری دارند.



من «حلبوب» هستم!

فارسی و عربی من حلبوب است، اعراب بمن طفره هم میگویند، گیاه من بطول یک وجب است. من در شمال غربی ایران، آذربایجان، قره داغ، جنگلهای حسن بگلو و همچنین در گیلان - ایسپیلی و بیلاق میرویم. نوع دیگری از من در نواحی مختلف جبال البرز عمل میاید که ارتفاع آن تا یک متر میرسد. برگهای آن علاوه بر قاعده ساقه، در طول ساقه نیز میروید. در صورتیکه برگهای من در سطح زمین قرار گرفته و از پهلوی آنها ساقه های خزنده بیرون آمده پیش میروند، و در محلهای مناسب تولید ریشه در زمین کرده، گیاه جداگانه ای تولید میکنند. برگهای من پوشیده از تارهای پنبه ای است که از وسط آنها پایه گل بالا میروند. گل های من بدون دمگل بوده، بر روی نهنج آنها گل های زبانه ای منظره قشنگی را بوجود میآورند. میوه من باندازه یک تخم مرغ بوده و به یک دسته

تار ظریف منتهی میشود. گیاه من در فاصله بین اردیبهشت تا شهریور گل میدهد، و بیشتر در چمنزارهای خشک و ماسه‌های لب دریا و سنگلاخها حتی نزدیک قلل کوه‌هاییکه برف دائمی دارند بعمل می‌ایم، قسمت مورد استفاده من تمام اندامهای تازه من است، و چون خشک شوم تمام خواص خود را از دست میدهم. من دارای یک ماده تلخ - جوهر مازو - مواد قندی - مواد سفیده‌ای - مواد زینتی و صمغی بوده، در خاکستر گیاه من مقدار زیادی املاح منگنز وجود دارد و مالیدن این خاکستر بر سر موهای سفید آن را مشکی می‌نماید. جویدن ساقه تازه گیاه من ترشح بزاق را زیاد میکند. دمکرده گل‌های تازه من برای کبد مفید بوده، خستگی عمومی بدن را کاهش میدهد و بعلاوه ادرار را زیاد کرده، حجم آنرا دوبرابر و گاهی سه‌برابر میکند. معذک هیچگونه اثر سوئی بر روی کلیه ندارد، بهمین جهت آنرا در بیشتر امراض کلیوی مانند پیداشدن آلبومین در ادرار، سنگ مثانه، استسقا، خیز عمومی بدن و نقرس تجویز مینمایند و همچنین برای تنگ‌نفس و گریپ مفید میباشد. اندامهای مختلف گیاه من بعلت داشتن جوهر مازو برای معالجه اسهال ساده، اسهال خونی و خونروی‌های بیجا در فواصل قاعدگی سودمند میباشد. ضماد برگ‌های تازه و له شده من بر روی زخم‌های کهنه مفید میباشد. گیاه من دارای شیرابه‌ای است که ابتدا سفید بوده و بعد بعلت غلیظ شدن قهوه‌ای میگردد. این شیرابه جراحات را التیام میدهد و چنانچه با تجویز چشم‌پزشک از سرمه آن استفاده شود، قوه‌ی بینائی را تقویت کرده التهاب و ورم چشم را برطرف مینماید. بهترین دستور استفاده از من آنست که صدگرم از گیاه ریشه‌دار بقطعات کوچک خرد کرده در یک‌لیتر آب جوش بمدت نیم ساعت دمکرده بعد با عسل شیرین کرده، سه تا چهار فنجان از آنرا در روز در فواصل غذاها میل نمایند. در داروسازی جدید دوتا: چهارگرم عصاره روان مرا در نیم‌لیتر آب مخلوط کرده، بدفعات در ۲۴ ساعت مینوشند. گونه بلند من که در ارتفاعات البرز میروید، اشته‌آور و تب‌بر بوده، سرفه را برطرف میکند. من دارای چندین نوع دیگر هم میباشم که در ایران روئیده نمیشود و بیشتر در اروپا در دامنه‌ی کوه‌های آلپ و منطقه مدیترانه بعمل می‌ایند.



من گیاه «دم اسب» هستم!

فارسی من دم اسب است، اعراب بمن ذنب الخیل و آسوخ گویند، و در شام مرا ذنب انفرس نامند. من از گیاهان بی گل بوده، و در عوض دو نوع شاخه دارم. شاخه های زاینده و شاخه های نازا. شاخه های زاینده من بندبند و پرگره بوده، و در اول بهار ظاهر میشوند. رنگ آن قرمز بوده، و سبزینه ندارند، ولی ساقه های نازا، در اردیبهشت و خرداد ظاهر شده و رنگ سبز داشته، باریکتر و بلندتر از شاخه های زاینده اند. من در شمال ایران، گرگان، بندرگز، پیربازار و اطراف تبریز بعمل میایم و نوع دیگری از من در کردستان میروید. برگ های من در محل بندهای نازا بفواصل متوالی بصورت دسته هایی

که شبیه دم است، درمیایند و باین جهت به گیاه من که علفی است دم اسب میگویند. من دارای یک ساقه‌ی زیرزمینی هستم که بطور افقی دو متر در خاک نفوذ مینماید و بهمین جهت خارج کردن من با ساقه زیرزمینی بطور کامل مقدور نیست، در بالای ساقه‌های زاینده‌ی من سنبله‌ای پراز دانه، مرکب از قطعات فلس مانند در چند ردیف ظاهر میشود و بطوری این فلس‌ها بهم فشرده‌اند که یکپارچه بنظر میرسند. قسمت مورد استفاده از گیاه من شاخه‌های ناز میباشد که رنگ آنها سبز است. آنها را در فصول مساعد سال چیده، در آفتاب یا دستگاه‌های خشک‌کننده خشک کرده، بصورت شاخه یا گرد نگاهداری مینمایند. خاکستر گیاه من دارای مقدار ۶۴ تا ۷۰ درصد سیلیس آزاد، ولی در گیاه خشک مقدار سیلیس در حدود هفت درصد میباشد. مقدار آن در گیاه‌های مسن زیادتر است. در گیاه جوان سیلیس بصورت اسید محلول میباشد، و بعلت وجود همین املاح سیلیس است که من خون را بند میآورم یکی از داروهای ضد خونریزی میباشم. داروسازان سنتی ایران بدون آنکه از وجود سیلیس در من آگاه باشند، مرا بهترین دارو برای معالجه سل و خونریزی سینه و خونریزی زنان میدانستند و از ضماد من جهت التیام جراحات و زخم‌های سخت استفاده میکردند، و در جراحی پس از قطع عضو یا عصب آنرا برای التیام بکار میبردند. من جهت سرفه مزمن و اخلاط خونی، استسقا، ورم کبد، بند آوردن انواع اسهال بدون تب توصیه شده‌ام. شیر و عصاره‌ی من خون دماغ را بند میآورد، برای درمان زخم معده و روده نوشیدن جوشانده این گیاه معجزه میکند. ضماد نوع کردستانی من با سرکه جهت جراحات پلید و خوردن جوشانده‌ی آن جهت اورام مقعد، کبد و استسقا نافع میباشد.

جوشانده‌ی ۳۰ تا ۵۰ گرم گیاه خشک من در یک لیتر آب پیشاب‌آوری قوی است. خون را بند میآورد و کمبود مواد معدنی را در بدن جبران مینماید، و بهمین علت است که بهترین دارو برای درمان سل شناخته شده است. در استعمال خارجی جوشانده من اثر ضد عفونی کننده و التیام دهنده زخم‌ها را دارد. جوشانده‌ی گیاه من مقدار ادرار را زیاد میکند و بهترین دارو برای درمان استسقا است. بعلت داشتن اثر مقوی در بیماریهای کلیه مانند عدم

دفع ادرار، ورم مثانه، سنگ کلیه و قولنج‌های کلیوی اثر قاطع دارم و خون را
تصفیه میکنم و برای تنگ‌نفس مفید میباشم. من بعلت داشتن سیلیس، قوه‌ی
ارتجاعی پوست را زیاد میکنم و آنرا نرم مینمایم، بهمین علت موقعیکه دست
و پا کبره میبندد، میتوان از من جهت از بین بردن آنها استفاده کرد.



اسم من «جنطیانا» است!

فارسی من کوشاد و عربی من کف الذئب - دواء الخیه و قبطنی الملک است .
در کتب طب سنتی بمن جنطیانا که معرب زانسیانای لاتینی است گفته‌اند،
و چنانچه میگویند این نام منسوب به پادشاهی است بنام جنطین که برای
اولین بار با استفاده از من شفا یافت.

من بیش از ششصد نوع دارم، نوع معروف آن جنطیانیای رومی است
که در ایران نمیروید، ولی نوعی شبیه به آن در شمال ایران مخصوصاً شمال
غربی آذربایجان - قره داغ - حسن بگلو - کالیبار و کوه‌های اهر میروید و در
کتب سنتی آنرا جرمغانی خوانده‌اند. نوع ایرانی من گیاهی است علفی پایا
که ارتفاع آن ۱۰ تا ۱۵ سانتی متر است، ساقه آن بصورت استوانه‌ای ضخیم
میباشد. علاوه بر ایران در اروپا و قفقاز نیز میروید و به آن جنطیانیای صلیبی

و یا صلیب (صلیب کوچک) میگویند - برگهای من دراز - نک تیز بوده پنج رگبرگ متمایز دارد. گل‌های من زیبا، آبی‌رنگ مایل به خاکستری بصورت مجتمع در کنار برگها ظاهر میشود. مرا بعلت زیبایی گل‌هایم پرورش میدهند. قسمت مورد استفاده‌ی من بیشتر ریشه گیاه من است که تب‌بر بوده، و سابقاً از آن برای معالجه‌ی هاری استفاده میکردند.

محمد بن زکریای رازی و شاگردان او بنوع ایرانی من عقیده‌ی زیادی داشته، و آنرا داروی بسیار مفیدی می‌دانستند و در بسیاری از امراض استفاده‌ی آنرا توصیه کرده‌اند، و در ساختن پادزهرها از آن و عصاره آن استفاده مینمودند. نوع رومی من از داروهای مقوی تلخ بوده، و اشتهای آواراست و با این که مسهل نیست دفع را تسهیل می‌نماید، و آنرا برای معالجه‌ی مالاریا و دفع کرمک اطفال تجویز مینمایند.

ریشه من قابض بوده، و پاک‌کننده معده است و گرفتگی روده‌ها را باز میکند و قلب را از زیان سموم حفظ مینماید. پیشاب‌آور و مخرج حنین است. پادزهر حشرات است، و از دوستان کبد بوده، ورم آنرا برطرف میکند، خوردن یک مثقال عصاره‌ی ریشه‌ی من جهت تسکین درد پهلوی و شکم و پیچیدگی اعصاب مفید میباشد. ضماد ریشه‌ی من با سرکه جهت از بین بردن لکه‌های جلدی سودمند میباشد، و گویند مالیدن آن با حنا در کف دست قاطع خون قاعدگی است. داروسازان سنتی ایران عصاره‌ی ریشه‌ی مرا در شیافهای مسکن خود وارد کرده و اثر آنرا برابر با تریاک سیاه میدانستند، تریاک سیاه چنانچه قبلاً خود را در کتاب زبان خوراکیها معرفی کرده است، شیره‌ی نوعی شقایق است که در دامنه‌ی کوه‌های البرز بعمل آمده و بعلت داشتن تبائین یکی از مسکن‌های بسیار قوی است، و با آن میتوان ترکیباتی ساخت که هزار برابر مرفین قدرت تسکین دهنده داشته باشد.

ربیع اخوین در کتاب راهنمای دانشجویان پزشکی که نخستین کتاب طبی بزبان فارسی است و در قرن چهارم هجری نوشته شده است، نسخه‌هایی جهت معالجه امراض سنگ‌کلیه - سیاتیک - ورم طحال و چند بیماری دیگر تجویز کرده که در همه‌ی آنها جنطیپانا وارد شده است.

قنطوریون باریک

دارو سازان سنتی ایران به گل‌گندم قنطور یون بزرگ و بمن که از خانواده‌ی جنطیانا میباشم قنطور یون کوچک و قنطور یون باریک میگویند. عربی من مرارة - الحنش میباشد. در زبان فرنگی بمن سانتوری کوچک می‌گویند. من در آذربایجان - میشوداغ - یام سر دره - شن زارهای شمال ایران - اطراف رشت و سنگر - شرق و غرب ایران میرویم و یک نوع من در اصفهان - کرمان - رازمان - شمال ایران تا رضائیه و اطراف کرج میروید. در خارج از ایران میتوانید انواع مرا در شمال افریقا و الجزیره پیدا کنید.

در بعضی از کشورهای اروپا مرا پرورش میدهند - برگهای زیرین من بیضی نکتیز بوده، و دارای پنج تا هفت رگبرگ است، ولی برگهای قسمت بالای ساقه‌ی من کوچک و متقابل است. رگبرگهای من سبز مایل بزرده، گل‌های من زیبا و قرمز است، و بیشتر در انتهای ساقه در یک سطح میروید، و در ماه‌های تیر و مرداد گل‌های من ظاهر میشوند. قسمت مورد استفاده‌ی من کلیه اندام‌های هوایی من است، ولی ریشه‌ی من چندان مصرف ندارد، برای مصرف داروئی بهتر آنست که ساقه‌های هوایی مخصوصاً " سرشاخه‌های گلدار مرا هنگامی که هنوز گل‌دار است قطع کرده، و قسمت‌های نازک آنرا همراه با سرشاخه‌های گلدار در حرارت آفتاب خشک کرد. من اشتها آور - مقوی معده - صفرابر - تب‌بر و بطور خفیف ملین میباشم، خوردن اعضاء هوایی من ضعف مزمن معده را از بین میبرد، و بیبوست را معالجه میکند. حرکات دودی و ترشحات معدی را تقویت مینماید، و درد شکم را که در نتیجه‌ی سوءهاضمه و نفخ معده باشد، تسکین داده و از تخمیر غذا جلوگیری میکند. من برای درمان ناراحتی‌های کبد و کلیه مفید میباشم. کم‌خونی دختران و زردی رخسار آنها را معالجه میکنم، و برای اورام مفاصل - نقرس و مرض قند توصیه شده‌ام.

ضمد له شده گیاه و گل‌های تازه من جراحات را التیام میدهد - سرمه شیره گیاه تازه من همراه با عسل نور چشم را زیاد و تاریکی آنرا بر طرف مینماید. یک نوع ایرانی من که نزدیک برکه‌ها و کنار جویبارها میروید مفیدتر بوده و

چنانچه دو مثقال آنرا با هفتاد مثقال آب بجوشانند تا مقدار آب آن نصف شود و بعد با شکر یا عسل شیرین کرده ینوشند سودا، صفرا و بلغم را دفع کرده پادزهر سموم حشرات مخصوصا عقرب است، برای هیستری- قولنج و درد مفاصل مفید است. گرفتگی جگر و سختی طحال را برطرف میکند. ضماد تازه آن برای جراحات چشم نافع است و با پیه جهت التیام زخم های تازه و کهنه مفید میباشد. عصاره آن با جوشانده ی شنبلیله جهت امراض سینه سودمند است، مالیدن عصاره آن یا سرکه جهت تسکین سر دردی که در اثر آفتاب بهم رسیده باشد مفید میباشد، و چون موی سر را بانوره از بین برند، و عصاره مرا با سرکه بمالند جهت درمان زخم سر و رویدن مو نافع میباشد. مالیدن عصاره ی آن با عسل جهت دفع شپش و رشک مفید است، مالیدن عصاره آن با آب کاکنج جهت ورم چشم سودمند بوده برای تراخم نافع است، و نیز برای رفع دردهای کهنه چشم و آثار قرنیه و مو در آوردن پلک چشم مفید میباشد، و برای تراخم و جرب پلک چشم دستور داده اند که پلک را برگردانند. و به آن عصاره قنطوریون باریک و آب انار بمالند تا بغوری برطرف شود. چکاندن این عصاره با روغن در گوش جهت ضربات گوش و با آب شفتالو جهت کرم گوش و با آب ترب جهت رفع سنگینی گوش سود فراوان دارد. مالیدن این عصاره با روغن نرگس و خردل و سرکه جهت فرو نشاندن ورم پشت گوش مفید است. چکاندن این عصاره با سرکه و آب پیاز عنصل در بینی، زخم آنرا برطرف کرده و از خون دماغ جلوگیری میکند، مخصوصا "اگر مقدار کمی زاج و کافور به آن بیافزایند، مزه عصاره من یا گلاب بوی بد دهان را از بین میرد، و جوش های دهان را برطرف میکند و غرغره آن با آب یار هتگ و تاجریزی جهت ورم لوزتین نافع می باشد، و با جوشانده ی میوه سرو جهت دندان درد مفید است، حمول این عصاره قاعده آور بوده و بخور آن از کزاز جلوگیری مینماید.



من «انگور فرنگی» هستم!

در گیلان به من گالش انگور و در مازندران دیو انگوری می‌گویند، و با اینکه از قدیم در شمال ایران مخصوصاً "نور و کجور، رودسر، دره چالوس و نواحی البرز روئیده‌ام، معذک این روزها به من انگور فرنگی لقب داده‌اند، دلیل این امر آن است که ایرانیان مرا به صورت یک میوه حتی در مازندران که زیاد به عمل می‌آیم نگاه نمی‌کنند، در صورتی که در بازارهای اروپا همیشه مرا در ردیف سایر میوه‌ها می‌گذارند. گل‌های درخت من نوش فراوان داشته، زنبور عسل به آن رغبت فراوان دارد. میوه من که به صورت انگوری کوچک است، طعمی میخوش دارد و دارای ویتامینهای آ، ب و ث بوده، و سرشار از

آهن و املاح معدنی است. غوره میوه من ترشی فراوان دارد، و به همین جهت خوردن آن دندانها را کند می‌کند و کمتر بطور خام مصرف می‌شود، ولی رسیده میوه من شیرین است و خام می‌توان آن را خورد. خوردن میوه من مسرت آور و ملین است، مخصوصاً نیم‌رس آن خاصیت نرم‌کننده بیشتری دارد، و پس از رسیدن نیز به علت داشتن مواد صمغی و دانه‌های ریز حرکات دودی روده‌ها را تقویت کرده، و ضد یبوست می‌باشد و خوردن آن بعد از غذا سبب تحلیل آن می‌گردد. بهترین خاصیت قابل توجه من آن است که میوه من ضد اختناق کبد است و خوردن آن از جمع شدن خون در جگر جلوگیری می‌کند. زیاده روی در خوردن میوه من جایز نیست با میوه من مربا، شربت، کمپوت و ژله درست می‌کنند که خوردن آنها مفرح است. از میوه من مانند انگور می‌توان سرکه درست کرد. میوه من ادرار را زیاد می‌کند. برای مبتلایان به رماتیسم، نقرس و امراض جلدی و آب آوردن انساج و سنگ کلیه مفید است. شربت من عطش را تسکین می‌دهد، و ژله میوه من طعم خوشی دارد. دمکرده برگ درخت من به نسبت پنجاه گرم در لیتر، چنانچه دو فنجان در روز بنوشند، اسید - اوریک را کم می‌کند، ولی مبتلایان به زیادی اسید اوریک بهتر آن است که روزی پنج گرم برگ مرا در صد گرم آب دمکرده و ناشتا بنوشند. من انواع سیاه و قرمز نیز دارم، ولی تا کنون در ایران دیده نشده است و به همین جهت اجازه معرفی به آنها داده نمی‌شود.



اسم من «ارزن» است!

دانه‌هایم ، درمان کنندهٔ بیماریهای سینه است . تب‌بر هستم و دل‌درد را نیز برطرف می‌کنم . زیاده‌روی در خوردن من تولید سنگ مثانه می‌کند برای تصفیهٔ خون ، از من استفاده کنید . با شیر و روغن ، مزاج را لینت می‌دهم . نفخ شکم و دل‌پیچه را می‌توانید با من درمان کنید . . .

فارسی من ارزن است ، اعراب به من دخن گویند . در آذربایجان به من دری بر وزن قری (قوری) و در فارس الم گویند . برادری دارم که در فارسی به آن گاورس ، در شیراز به آن گال گویند . اعراب آن را معرب کرده جاورس گویند و در تهران به ارزن آتنی معروف است . من و گاورس انواع مختلف داریم ، من بیشتر در آذربایجان ، بادغیس و بلوچستان بطور خودرو به عمل می‌آیم و در اکثر زمینهای کم‌قوت و شنی کاشته می‌شوم ، و برادرم گاورس در آذربایجان ، یزد ، بلوچستان و مازندران کاشته می‌شود . من و برادرم گونه‌های مختلف داریم

ومن بیشتر به مصرف غذای پرندگان می‌رسم، قدرت غذایی من کمتر از گاورس و فواید طبی من بیشتر از آن است و از قدیم خواص دارویی من مورد توجه بوده است. چنانچه یکی از رجال عرب می‌نویسد: من در مدینه دچار اسهال سخت شدم، حضرت صادق به من دستور دادند که ارزن را با کمی زیره به صورت قاووت در آورده میل نمایم. من به این دستور عمل کردم و معالجه گردیدم.

دانه‌های من درشت و پوست آنها سخت‌تر از دانه‌های گاورس است. کارخانه‌های داروسازی آلمان چندین داروی اختصاصی از دانه‌های من جهت درمان بیماری‌های سینه، اسهال و تب می‌سازند، در روسیه نوعی الکل از من می‌گیرند. دانه‌های گاورس چون پوستشان نرم‌تر است، در بعضی از شهرهای ایران به مصرف تهیه نان می‌رسد و در اروپا از آن نوعی آجوبه نام "دوئو" و نوعی نوشابه به نام "گوسکو" می‌سازند. دانه‌های مقشر من شکم‌روش را بند می‌آورد و پیشاب را زیاد می‌کند، ولی چون دارای پوستی سخت و سلولز زیاد هستند برای تهیه نان صلاحیت ندارند. مقشر من با شیر و روغن تازه لینت می‌دهد، و شهوت را زیاد می‌کند. پزشکان سنتی ایران عقیده داشتند که زیاده‌روی در خوردن ارزن تولید سنگ مثانه می‌نماید. چنانچه آرد ارزن یا گاورس را در روغن پخته و آن را در حمامی گرم بر شکم بمالند و بنشینند تا عرق کنند و یا آنکه پارچه‌ای را در این روغن گرم آغشته و آن را گرم‌گرم بر شکم ببندید، نفخ شکم و دل پیچه و دل‌درد را برطرف می‌کند. مالیدن این روغن برای درمان بواسیر و نواسیر مفید است، اگر گاورس را با شیر بپزند تا حلیم شود، خوردن آن خون را تصفیه می‌کند.

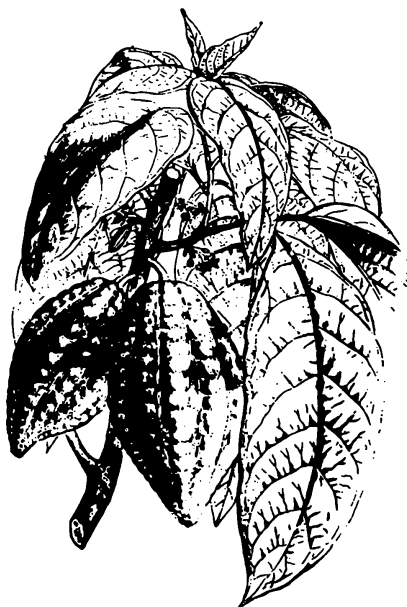
بد نیست بدانید که ارزن و گاورس با اینکه به هم شباهت زیاد دارند، و اکثر مردم آنها را یکی می‌دانند، از نظر ترکیبات غذایی یکسان نیستند و نوع نشاسته آنها با هم فرق دارد. نسبت نشاسته در گاورس بیشتر و نسبت سلولز در ارزن زیادتر است، روغن دانه‌های گاورس سبکتر از روغن موجود در دانه‌های ارزن است، مواد معدنی ارزن بیشتر از مواد معدنی گاورس می‌باشد، این نکته قابل توجه است که در دهات بین یزد و کاشان - بین یزد و کرمان

که نان خود را با آرد گاورس درست می‌کنند اشخاص سالمند که سن آنها از صد سال بیشتر بوده و غالباً "تندرست و با نشاط می‌باشند، خیلی زیاد دیده می‌شوند. نویسنده کتاب زبان خوراکیها که روی علل طولانی شدن عمر آنها مطالعه کرده است، چنین می‌نویسد: اینها با اینکه جزو طبقات زحمتکش بوده و کار و کوشش را تا آخر عمر ادامه می‌دهند، معذالک غذایی بسیار ساده و کم قوت دارند. نان آنها بیشتر با آرد گاورس تهیه می‌شود و گوشت و چربی خیلی کم و به ندرت مصرف می‌کند و در عوض از لبنیات و سبزیهای گوناگون مخصوصاً "سبزیهای صحرائی و خودرو زیاد استفاده می‌کنند. نان گاورس قدرت غذایی زیادی ندارد، و حرارت بدن را بالا نمی‌برد و دیر هضم می‌باشد، کسی که نان گاورس می‌خورد باید حتماً کار و فعالیت داشته باشد تا غذایش هضم شود و چون اشتها را سد می‌نماید، میل به خوردن غذاهای دیگر ندارد. خوشبختانه نان گاورس نه تنها برای معده مضر نیست، بلکه پیوسته راهم معالجه می‌کند و چون این غله در معده زیاد می‌ماند. و به تدریج جذب بدن شده و نیروی لازم را می‌دهد، چیزی از آن ذخیره نمی‌شود، و به همین جهت است که اینها همگی قلمی و لاغر اندام می‌باشند و استخوانی محکم دارند. فشار خونشان زیاد نیست، و حرارت بدنشان از ۳۷ درجه کمتر است. ضربان قلب آنها کندتر از اشخاص دیگر است. هرگز دچار زیادی چربی خون، تصلب شرائین نمی‌شوند و بطوری که می‌گویند در بین آنها کسی به سرطان مبتلا نشده است.

درختچه ارژن

نباید لغت ارژن را با ارژن که نوعی بادام کوهی است اشتباه کرد. گونه‌های مختلف این گیاه در زمینهای خشک و کوهستانی اطراف تهران و کرج مخصوصاً در ارتفاعات و گونه دیگری از آن در کوههای بختیاری و دشت ارژن بطور خودرو به عمل می‌آید. به این گیاه اعراب ارجن و ارجان گویند و در شیرازه نوعی از آن بخرک و به عربی نورالبربر گویند و ارژن نوع بزرگ خاردار آن است که از آن روغن می‌گیرند که شیرین و خوشبو است داروسازان سنتی

ایران روغن ارژن را قائم مقام زیت‌السودان می‌دانستند و معتقد بودند که این روغن خونساز و مولد خون پاک است، اخلاط را نرم می‌کند و جهت امراض سوداوی، جنون و وسواس نافع است، مالیدن روغن آن بر بدن فالج و عضلات بیحس سودمند بوده و ورمها را فرو می‌نشاند.



اسم من « کاکائو » است!

در میوهام به قدر کافی نشاسته موجود است . از مواد معدنی نیز بی بهره نیستم . انواع روغنهای طبی را از من می‌گیرند . روغن من برای ترکهای پوستی و نیز ترک پاشنه پا اثر معجزه‌آسا دارد . از پوست دانه‌های من نوشابه‌ای بسیار مقوی می‌توان ساخت . گرد میوه من بهترین فراورده غذایی جهت تقویت قوای جسمانی است .

اسم من کاکائو است، اعراب به من لوزهندی گویند، زادگاه اولیه من امریکای مرکزی و مکزیک است، ولی امروزه در اکثر نواحی مستعد به عمل می‌آیم، و با این که بلوچستان و جزایر جنوب ایران مستعد برای پرورش من می‌باشند، تا کنون نسبت به کشت من در ایران اقدام نشده است، ارتفاع درخت من به ده متر می‌رسد. میوه درخت من به اندازه یک خیار است که در آن ۳۰ تا ۴۰ دانه وجود دارد. برای استفاده از دانه‌های من میوه را چیده می‌گذارند بیوسد تا دانه‌ها از آن جدا گردند. دانه‌های من دارای پنجاه درصد روغن هستند

که به نام کره کاکائو معروف است. میوه من دارای هشت تا ده درصد نشاسته، یازده تا هجده درصد مواد سفیده‌ای، و دو تا سه درصد کافئین، یک تا سه درصد تثوبرومین، و چهار درصد مواد معدنی است و به همین جهت است که گرد میوه من یکی از مواد مقوی به حساب می‌آید. با گرد میوه من شکلات و فراورده‌های غذایی و دارویی می‌سازند. کره دانه‌های من در صنعت داروسازی جهت ساختن شیاف "اوول" و روغنهای طبی به کار می‌رود، و برای معالجه ترک پوست مخصوصاً "ترک پاشنه" یا روغنی مناسبتر از روغن من نیست. از پوست دانه‌های من در صنعت داروسازی تثوبرومین استخراج می‌کنند که یکی از داروهای پیشاب‌آور است. از پوست دانه‌های من نوشابه‌های مقوی می‌سازند.



من «آش انگور» هستم!

فارسی من آش انگور است، به من خوشه سیاه و سیاه درخت هم می‌گویند. درکلاردشت به من خرز در نورکجور کلی‌کک، درگرگان اشنگور، در دیلمان شر، و درخلخال الجاره گویند. درفرانسه مرا "نرپرن" خطاب می‌کنند. عربی من عوسج است، من درختچه‌ای هستم از خانوادهٔ عناب به اندازه درخت انار، پرازخار و به ارتفاع شش تا هشت متر، به همین جهت به من خاردرخت هم گفته‌اند. شاخه‌های نامنظم و کج و معوج من که به طور متقابل قرار دارند، بهترین وسیلهٔ تشخیص من هستند. برگهای شاخه‌های جوان من دندانه‌دار، با گل‌های کوچک زرد مایل به سبزی است، میوهٔ من به اندازهٔ یک‌نخود که در

داخل آن شیرهای به رنگ قرمز مایل به سبز یا مایل به بنفش همراه با دو تا چهاردانه دیده می‌شود. شیرۀ درخت من کمی تلخ و بدبو است.

شیرۀ میوه من مسهلی است بسیار قوی، که معمولا "آن را با شربت قند مصرف می‌کنند. برای به دست آوردن این شیرۀ میوه‌های تازه را ۳ تا ۴ روز پس از چیدن می‌گذارند تا تخمیر شود. بعد آنها را له کرده از الک یا پارچه‌ای می‌گذرانند تا کمی از مواد رنگی آن گرفته شود، و شیرهای به رنگ سبز مایل به بنفش درآید. مقدار خوراک این شیرۀ پنج گرم بوده، و در صنعت داروسازی شربتی از آن می‌سازند و به نام شربت "نرپرن" معروف بوده، و مقدار خوراک آن ده تا پنجاه گرم در ۲۴ ساعت برای اشخاص بالغ است. مقدار خوراک این شربت برای اطفال دو گرم ضرب در سن آنها است، میوه من در جمیع احوال دارای خواص برگ من است که شرح آن داده خواهد شد.

چکاندن آب برگ من در چشم هفت روزی در پی جهت رفع سفیدک چشم خواه تازه باشد خواه کهنه مجرب است و چون میوه مرا بکوبند و آب آن را گرفته، و صاف کرده و خشک نمایند و در موقع لزوم مقدار یک گرم آن را با سفیدۀ تخم مرغ و شیرسوده در چشم بچکانند، جهت رفع سفیدی و درد چشم نافع است. مالیدن ضماد برگ من بر پیشانی از چشم درد جلوگیری می‌کند، و پرورده آن بهترین توتیاست و چون برگ مرا بجوشانند تا عصارۀ آن گرفته شود، بعد صاف نموده بجوشانند تا غلیظ گردد، جهت رفع لکه سفیدی چشم مؤثر است. جویدن برگ درخت من جهت جوشهای دهان سودمند می‌باشد. ضماد برگ تازه من جهت باد سرخ نافع است. خوردن عصارۀ برگ من جهت جرب و تسکین التهاب صفرا سود فراوان دارد، یکی از طرق معالجه جذام در طب سنتی ایران چنین بود که بیخ درخت مرا گرفته، ریزریز کرده، هر روز ۷/۵ مثقال آن را با یک لیتر آب می‌جوشانیدند تا مقدار آن یک سوم شود، سپس صاف کرده می‌نوشیدند. تا چهارپنج بار عمل کند و دفع سودای سوخته نماید، معمولا "دو روزی در پی به بیمار جذامی قلیه گوشت با اسفناج می‌دادند و روز سوم جوشانده فوق را می‌نوشیدند و روز بعد به حمام می‌رفت و از روز بعد دوباره این عمل را تکرار می‌کردند.

"آنطاکی" این جوشانده را جهت معالجهٔ جرب و خارش مفید می‌داند، پوست درخت و دانه‌های میوهٔ من هم اثر ملین و مسهلی دارند. معمولاً "خوراک دانه‌های میوهٔ من چهار گرم است. برای درمان یبوستهای مزمن می‌توان از جوشاندهٔ پوست ساقه‌های قدیمی من یک فنجان قبل از غذا نوشید.

سیاه توسکا



فارسی من «سیاه توسه» است، به من "سیاه توسکا" هم می‌گویند. عربی من "عوسج اسود" است و عده‌ای از اعراب به من "شجر حب الشوم" می‌گویند، درخت من شبیه درخت آشانگور ولی بدون خار است، من در جنگلهای شمال ایران و جنگلهای مرکزی و شمالی اروپا و جنگلهای سبیری می‌رویم. پوست ساقه‌های من صاف تیره‌رنگ و دارای لکه‌های مخصوص به صورت راه‌راه است، گل‌های من کوچک به رنگ سبز مایل به قرمز می‌باشند. میوهٔ من از عناب کوچکتر بوده، و پس از رسیدن سیاه‌رنگ می‌شود.

پوست درخت من دارای اثر مسهلی است. پرورش گیاه من به صورت یک گیاه زینتی اخیراً معمول شده و قسمت مورد استفادهٔ من پوست ساقه و سرشاخه‌های من است که در ماه‌های خرداد تا مرداد باید آنها را چید و پوست ساقه‌های آنها را به صورت نوار بریده و خشک کرد. این نوارها دارای بویی ضعیف و طعمی

لعابی است که بعداً رفع می‌شود. ساقه‌های سه‌تا چهارساله دارای حداکثر خاصیت است. پوست درخت من به مقدار زیاد مسهل و به مقدار کم ملین است و معمولاً آن را به جای "سنا" به کار می‌برند، اثر آن در درمان بیوستهای مزمن انکارناپذیر و قابل توجه است. جوشانده غلیظ پوست من در استعمال خارجی برای معالجه کچلی، جرب، سودا و اولسرها مفید است. مقدار خوراک گردپوست من یک تا سه گرم به صورت کاشه و جوشانده دو تا چهار گرم درصد گرم آب آن را می‌توان قبل از خواب نوشید، مشروط بر اینکه زیاد نجوشد، و پس از جوشیدن دوازده ساعت در جای خنک گذاشته شود، امروزه از پوست گیاه من در کارخانه‌های بزرگ داروسازی داروهای اختصاصی زیادی درست می‌کنند و می‌توان آن را به مقدار زیادی صادر کرد.



اسم من «شبدر» است!

اگر از عصاره من سرمه تهیه کنید، برای چشم بسیار نافع هستم. بذر من را برای از بین بردن کک مک صورت تجویز کنید. ضد تشنج هستم و شکوفه‌هایم تنگ نفس را درمان می‌کند. اگر از سگته قلبی می‌ترسید، از من استفاده کنید...

فارسی من شبدراست، درمازندران به من شرویت گویند. به نوع بیابانی و وحشی من در فارسی (دیواسپست) صحرایی و به شیرازی "ادقوقو" نامند. عربی بستانی من دزق و بیابانی آن حباقا می‌باشد و در کتب قدیم به نام حندقوقی یاد شده‌ام، من دارای گونه سفید و گونه قرمز می‌باشم و این نامگذاری به اعتبار رنگ گل‌های ما است، ذوثلاث‌الوان و ذوحمس‌الوان هم از گونه‌های مختلف ما می‌باشد و روی هم تا کنون پانزده گونه از ما دیده شده است که همه آنها علوفه حیوانات می‌باشد، ولی شبدر وحشی شباهت زیاد به شنبلیله داشته و برگ‌های آن را مانند سبزیهای خوراکی می‌توان خورد و در داروسازی

جدید از شبدر گل قرمز زیاد تعریف می شود، ولی داروسازان سنتی ایران شبدر گل سفید را مفیدتر می دانند. سرمه عصاره نوع بستانی من جهت درمان زخم چشم و سفیدک آن مفید است، نوشیدن آب ساقه گیاه من با شراب جهت استسقا و یرقان توصیه شده است برای رفع قولنج- دل پیچه و دمل نافع است. کمی ملین و اشتها آور است؛ خوردن برگ پخته من که با کمی روغن بریان شده باشد و آب مقطر برگ من برای استسقا تجویز می شود. اگر برگ مرا در روغن زیتون بجوشانید این روغن برای درد ورم مفاصل و ورم بیضه سودمند می باشد. بذر گیاه من مهیج باه و مالیدن آن جهت پاک کردن کک مک به کار می رود، مقدار خوراک بذر من پنج گرم است.

شبدر گل قرمز که آن را شبدر کوهی می گویند، دارای برگ بزرگتر و بدطعم است. قسمت مورد استفاده آن گل و شکوفه های خشک شده آن می باشد که بوی خوشی دارند. این شبدر فقط در زمینهای قوی به عمل می آید، و باید به آن کودهای پتاسمی و فسفوری داد، ولی احتیاجی به کودهای ازتی ندارد، زیرا خود سازنده آن می باشد و اجازه فرمایید خودش را معرفی کند.

من دارای ترکیبات شیمیایی زیاد و قابل توجه می باشم، برگهای من دارای مواد سفیده ای زیاد است. دارای روغن، قند و املاح معدنی مانند کلسیم، منیزی، پتاس، سرب، فسفر، گوگرد، سیلیس، سدیم، آهن، آلومینیوم، منگنز، روی، مس، سرب، نیکل و کوبالت می باشم برگهای من کلسیم زیادتری دارند، ولی پس از رسیدن فسفر آن کم می شود. من دارای ویتامینهای "ب ۱" و "ای" و ویتامین "کا" هستم. وجود اسید سالسیلیک و یک ماده دارویی ضد قارچ در برگهای من قابل توجه است. خاصیت گیاه من جهت جلوگیری از انفاکتوس (سکته قلبی) و طول عمر اهمیت زیاد دارد. در رنگرزی نیز از مواد رنگی من جهت رنگ کردن پشم و پنبه استفاده می نمایند، جوشانده- شربت و عصاره شکوفه گل های من ضد تشنج و خلط آور بوده، برای درمان سیاه سرفه، برنشیت تجویز می شوند. از عصاره گیاه من به صورت ضماد برای التیام زخمها بهره مند می شوند. دمکرده شکوفه های من ضد تنگ نفس می باشد. خلاصه می توان گفت من به علت داشتن ویتامینهای گوناگون و املاح مختلف زیاد، اهمیت به-

سزایی دارم.

چکاندن آب ساقه من در بینی جهت هیستری و جنون و مالیدن آن بر محل نیش عقرب، جهت سرعت حرکت اطفال و شستشوی آب آن جهت باز شدن بشره مفید است، بذر شبدر قرمز شهوت را زیاد می‌کند، و مالیدن آن بر صورت برای رفع کک‌مک مؤثرتر از نوع بستانی و سفید است. در کتاب دستور-الاطباء نوشته شده است که چون ریشه شبدر را در سایه خشک کرده، و آن را با آب و گلاب بسایند و در چشم کنند، جهت در آمدن موی مزگان ریخته و آبریزش چشم و تراخم مفید است.



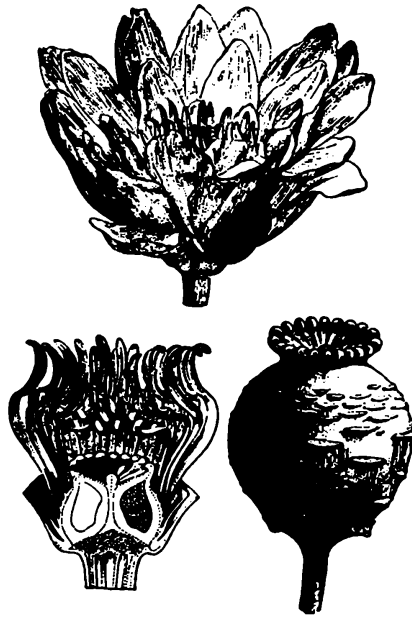
من «کور» هستم!

فارسی من "کور" بر وزن سفر می‌باشد. به من "کورک" هم می‌گویند. اعراب مرا معرب کرده "کبر" خطاب می‌کنند. من در دامنه البرز و کوه‌های فارس و بلوچستان می‌رویم. زادگاه اصلی من ایران و بعضی از کشورهای همسایه است. ولی امروزه به علت داشتن گل‌های قشنگ و منافع دارویی مرا در سایر قاره‌ها نیز پرورش داده‌اند. برگ‌های من دارای دو زائده خار مانند است. گل‌های درشت من به رنگ سفید مایل به گلی می‌باشد و پس از شکفتن منظره‌ای زیبا به وجود می‌آورند. در وسط گل من تعدادی پرچم بلند دیده می‌شود، میوه من به قدر خیار کوچکی است و به آن خیارکشیر گویند. این میوه پس از رسیدن قرمز رنگ می‌شود و اهالی خوزستان به آن لگجی می‌گویند. قسمت مورد استفاده من جوانه‌های مولد گل است که بایستی آنها را قبل

از گل کردن چید و سه ماه در سرکه نگاه داشت و یا مدتی در آب نمک انداخته و پرورده نمود تا سفید و شیررس شود و بعلاوه در طب سنتی ایران از ریشه و پوست ریشه من استفاده می نمودند.

پوست ریشه من جهت کبد و طحال مفید است، و از آن به عنوان پیشاب آور قابض و مقوی استفاده می کنند - در موارد آب آوردن انساج - کم خونی و رنگ پریدگی دختران جوان - ضعف اعصاب و هیستری تجویز می شود و اثر آن در باز کردن عادت ماهانه دختران جوان در موارد قطع قاعدگی به تجربه رسیده است. جوانه ناشکفته من پیشاب آور قوی است، و در الجزیره برای درمان نقرس جوشانده آن را تجویز می کنند.

ریشه من قوی تر از سایر اعضای من می باشد، و در امراض سرد دماغی مانند قولنج، هیستری، بیحسی اعضا و دردهای مفاصل، نقرس و سیاتیک نافع است. جویدن پوست ریشه من رطوبات دماغ را از بین می برد، و مضمضه جوشانده آن مسکن درد دندان است. عصاره ریشه من اگر در گوش چکانده شود، درد آن را ساکت می کند. شستن سر با آب جوشانده من مانع کچلی است و جوشانده ریشه من همراه با ادویه خوشبو مانند سنبل الطیب و اسطوخودوس محلل بلغم سینه و خلط آورا است، نمک پرورده ریشه من جهت ریه مفید بوده و باز کننده طحال و مسهل و اخلاط خام است. کرم معده و روده ها را می کشد و عادت ماهانه زنان و دختران را باز می کند و زیاد کننده شهوت مردان است. خوردن نمک پرورده آن پیش از غذا محلل خوبی است و بهترین دوا برای سپرز است. نوشیدن آب برگ من نیز کشنده اقسام کرم معده و روده است و شیرین نکرده آن برای زیاد شدن شهوت بهتر از نمک پرورده آن است - ضماد پوست ریشه من جهت درمان خنازیر و ورمهای سخت و با سرکه جهت تومورهای سخت و بدخیم سودمند می باشد. جوشانده آن تریاق اکثر سموم است. مقدار خوراک برگ من دوازده گرم و مقدار خوراک ریشه من تا هفت مثقال است.



اسم من «نیلوفر آبی» است!

بوئیدن گل من تقویت کننده قلب است. برای یک خواب راحت گل مرا ببوئید و نتیجه اش را ببینید. اگر از زخم روده رنج می‌برید، از گل و ریشه ام استفا ده برید. عرق گل من تسکین دهنده سردرد است. از دانه های من برای جلوگیری از خونریزی مثانه و درد آن سود برید.

این روزها در زبان فارسی به من نیلوفر آبی می‌گویند، ولی در زبان فارسی نیلوفر فقط به من اطلاق می‌شود و گیاهی که این روزها به نام گل نیلوفر معروف است، نیلوفر بیابانی بوده است. عربی من کرنب الماء و حشيشة السمک می‌باشد. من در مردابها و استخرها و حوضها و تالابهای راکد می‌رویم و بطور خودرو از قدیم در آبهای راکد شمال ایران، مخصوصاً اطراف رشت و پهلوی به عمل می‌آمدم.

ساقه من نرم، توخالی و به اندازه عمق آب است، و تا چهار متر می‌رسد.

برگ من پهن بوده و بر سطح آب فرش می‌شود. گل من خارج از آب به رنگهای سفید، سرخ، آبی، ارغوانی، زرد و نیلی دیده می‌شود و بعد از ریختن گلبرگها تبدیل به میوه‌ای به اندازه یک سیب می‌شود که دارای دانه‌هایی است که داروسازان سنتی ایران به آن "حب العروس" می‌گفتند و درهند آنها را پخته و می‌خورند.

من دارای انواع و اقسام می‌باشم که عموماً آبی می‌باشند. ساقه‌های انواع من که برکف حوضها و برکه‌ها و استخرها می‌خزند، در مداوا به عنوان قابض به کار می‌روند، از دانه‌های من جهت جلوگیری از ازدیاد شهوت استفاده می‌کنند. یک نوع من گل‌آب نامیده می‌شود که دارای گل‌های رنگارنگ است. نوع دیگر من نیلوفر بزرگ است که پهنای برگ آن به دو متر می‌رسد و چون لبه‌های آن بالا می‌آید، به شکل قایق کوچکی می‌شود که می‌توان یک بچه را در وسط آن خوابانید. گل‌های این نوع نیز بزرگ است - میوه این نوع کروی و خاردار می‌باشد و دانه‌های آن که به ذرت آبی معروف است، دارای نشاسته بوده و خوراکی است. نیلوفر آبی سفید که اعراب به آن حشیشه‌السمک (گیاه ماهی) گویند، دارای گل‌های سفید است. نوع هندی من مانند نیلوفر آبی معمولی است. با این فرق که برگها و ساقه‌های آن به اندازه‌ی یک متر از سطح آب بالا می‌آید و دانه‌های آن دارای نشاسته بوده و به باقلای مصری معروف است، ولی اعراب به آن "الغول مصری" گویند.

تمام قسمتهای انواع گیاه من دارای جوهر مازو است. در دانه‌ها و جوانه‌های گل من عوامل دارویی زیاد است که یک نوع آن از سموم قلبی است و عضلات قلب را منقبض می‌کند. بیخ گیاه من دارای اثر ضد تشنج می‌باشد، بوئیدن گل من مقوی قلب و دماغ است و کمی مسکن و خواب‌آور می‌باشد. سردرد را ساکت می‌کند و خوردن آن برای درمان سرفه، نزله و سختی سینه نافع است. نگاه داشتن کمی از بیخ من در دهان، محلل ورم گلو است. ضماد گل من بر سر مسکن حرارت آن است. خوردن گل و ریشه من شکم را بند می‌آورد و برای زخم‌روده مفید است، سیلان منی را بند می‌آورد و آن را خشک می‌کند و مسکن شهوت و مانع احتلام است. خوردن گل و گلاب من جهت حصبه بعد از بروز

دانه‌ها مفید است، ولی خوردن آن قبل از بروز دانه‌ها جایز نیست چون مانع بیرون آمدن آنها است، ضماد بیخ من با آب جهت برص و لکه‌های سیاه پوست مخصوصاً "بیخ سیاه من نافع است، و با عسل جهت داء الثعلب تجویز شده است. دانه‌های من مضعف و منجمدکننده ترشحات جنسی است، و خوردن آن جهت رفع ترشحات رحم و ضماد آن مانع خونریزی و دردمثانه و درد قاعدگی می‌باشد. شربت نیلوفر آبی جهت سردرد و تبهای صفراوی و سرفه و ذات‌الجنب و ذات‌الریه و خشونت سینه تجویز می‌شود و دستور ساختن آن چنین است: گل نیلوفرتازه را در چهار برابر وزن آن بخیسانید و بجوشانید، و بعد از صاف کردن با مقداری قند به قوام آورید و اگر گل تازه نباشد، گل خشک را در هشت برابر آب خیس کنید. عرق گل من مسکن سردرد و تبهای صفراوی و تبهای شدید و ذات‌الجنب است. برای تهیه آن گل مرا در چهار برابر آب خیس کنید، و بعد تقطیر نمایید.



من «وشا» هستم!

من صمغ گیاهی هستم که به فارسی به آن اشهاشک و کندل گویند. عربی من اشق معرب اشه می باشد. فرنگیها به من "گم امونیاک" گویند و همچنین مرا از گیاه دیگری که در بادقیس به کمای اسب معروف است، می گیرند ولی معلوم نیست خواص ما یکی باشد.

من در "ایزدخاست اصفهان"، کوه کهرود، نواحی کوهستانی کرمان و زرنندکرمان، نواکوه و بلوچستان می رویم و کمای است در بادقیس، کوه الوند، اطراف اصفهان، کهکیلویه، کوه دنا و اشتران کوه می روید.

من همان صمغی هستم که معمولا در ایران مرا همراه با اسفند دود می کنند و بوی آن را برای رفع چشم زخم مفید می دانند.

من در اثر شکاف طبیعی یا مصنوعی که در ساقه ها و یقه گیاه به وجود

آید بیرون می‌آیم و بهتر است با ابزارهای مخصوص شکافهای متعددی بر ساقه های من ایجاد کنند تا صمغ بیشتری بگیرند، ولی این عمل تیغ زدن بایستی حتماً قبل از گل دادن گیاه من صورت گیرد و چون مقدار صمغ در ریشه من زیاد است، در یقه گیاه من (قسمتی که ریشه از ساقه جدا می‌شود) همیشه مقدار زیادی صمغ توده می‌شود، ولی چون با خس و خاشاک مخلوط است، به مرغوبی صمغهای اشکی که از شکاف شاخه‌ها می‌چکد نیست. صمغ من کمی معطر بوده و در اثر گرمای هوانرم می‌شود و با آب ممزوج می‌گردد. من مقوی، قاعده‌آور، خلط‌آور بوده، و برای رفع حساسیت اثر قطعی دارم، و در صنعت داروسازی از من فراورده‌های بسیاری جهت جلوگیری و درمان حساسیت، برنشیت مزمن، تنگی نفس (آسم) و امراض ریوی می‌سازند که در داروخانه‌ها به اسامی مختلف مشهور می‌باشند.

در طب قدیم درماهیت من اختلاف کرده و فواید زیادی را به من نسبت داده‌اند، و چون علت اصلی بسیاری از بیماریها حساسیت است، برای بیماریهایی که ناشی از حساسیت می‌باشند سود فراوانی دارم و روی هم رفته، برای رفع کهیر دارویی مؤثرتر از جوشانده من نیست، و از راه نوشیدن و شستشوی بدن هردو مؤثر می‌باشد. نوشیدن آب و خوردن من گرم روده را می‌کشد، و رطوبت معده را از بین می‌برد.

خوردن آن با سرکه جهت سپرز و جوشانده جوجهت تنگ نفس و امراض ریوی و با عسل جهت صرع (هیستری) و زهکشی رطوبات سینه نافع است، خوردن من به مقدار کم بعد از داروهای مسهل، بر طرف کننده مضار آنها می‌باشد. من مسکن درد کمر و عرق النساء (سیاتیک) می‌باشم و ضمد من با سرکه مفاصل را نرم می‌کند، و کک مک و آثار سیاهی پوست را از بین می‌برد. اگر سرشما شوره می‌زند، مرا با کمی حنا مخلوط کرده و به سر بمالید تا برطرف شود. سرمه کردن صمغ من برای رفع رطوبت چشم و جوش پلک مفید است، مرهم من جهت از بین بردن گوشت زیادی و رویاندن گوشت تازه سودمند می‌باشد. مقدار خوراک من از نیم مثقال تا یک مثقال است، و زیادی آن برای معده و کلیه ضرر دارد.



ما «خارهای دارویی» هستیم!

شش شاخ : اشتها را زیاد می‌کنم - پاد زهر سموم هستم . برای نفخ معده مفیدم .

خار مزرعه : برای معالجه هاری مفیدم ورم چشم را برطرف می‌کنم . ریشه ام بسیار قوی است .

گنگر بزرگ : در درمان ذات‌الجنب اثر فراوان دارم . مرا برای معالجه سرطان مفید می‌دانند . برای خونریزی معده از من استفاده کنید .

خارمهک : ضد تشنج هستم . حرارت بدن را زیاد می‌کنم . اثر زهر را از بین می‌برم .

شش شاخ

فارسی من شش شاخ است، در مازندران به من "رولنگ" و در شهمسوار "ششاک" گویند که در واقع شش شاخ است. عربی من "قرصنة مسدس" است. در داروسازی سنتی ایران به بسیاری از خارهای دارویی که تعداد آنها از ده

گونه بیشتر است، قرصه می‌گویند، ولی مراد از مطلق آن من می‌باشم. گیاه من خاردار و از تیره چتریان است، دارای برگهای بزرگ با بریدگیهای عمیق می‌باشد. لبه برگهای من مژرس و هرلبه به خاری منتهی می‌شود و بعلاوه تمام قسمت‌های گیاه من حتی گل آن خاردار است. برگهای من چرمی گوشتدار و خشن است. ریشه آن خاردار است. برگهای من قهوه‌ای‌رنگ و کله قندی بوده، بوی هویج می‌دهد و در بعضی از انواع بیابانی من تا عمق دو متری در زمین فرو می‌رود. گل‌های من با اینکه نوش فراوان دارد، مورد استفاده زنبور عسل نیست. قسمت‌های هوایی گیاه مراهنگامی که تر و تازه است، می‌توان پخته و خورد و بهترین سبزی خورشتی است. تمام قسمت‌های گیاه من پیشاب‌آور و ملین بوده، و اشتها را زیاد می‌کند و عادت ماهانه بانوان را باز می‌نمایند. خوردن بیخ من اشتها و شهوت را زیاد می‌کند و پادرزهر سموم است، و جوشانده آن مسکن درد پهلوی است. آشامیدن جوشانده بیخ من با شکر، بادشکن بوده و جهت از بین بردن نفخ و درد پهلوی مفید است. ادرار، شیرو عرق را زیاد می‌کند و سنگ کلیه و مثانه را می‌ریزند و برای دلپیچه نافع است. مر بای بیخ تازه من خوشبو کننده شکم و محرک باه است. عصاره بیخ من باز کننده حیض است، ضماد بیخ من با آرد جو و برگ کاسنی نرم کننده ورم‌های سخت می‌باشد.

خاره زرعه

فارسی من خارمزرعه و عربی من "شوكة البواسیر" است. به من علف دوالی هم می‌گویند. گیاه من به طول ۴/۵ تا ۱/۵ متر است که غالباً در کنار جاده‌ها و اماکن بایر می‌رویم. پیدا شدن من در کشتزارها زیان‌آور است، زیرا قطعات ریشه من می‌توانند تبدیل به گیاه جدید شده، تمام سطح مزرعه را بگیرد. برگهای من دارای بریدگیهای عمیق است که بریدگیهای آن به یک تیغ سوزنی منتهی می‌شود. مجموعه گل‌های من مانند تاجی کوچک از گل‌های لوله‌ای ارغوانی رنگ تشکیل می‌شود، فرق من با "کنگر خر" در آرایش گل بوده و برگها به صورت زائده‌ای بال مانند نیست. گل‌های من به دو صورت متفاوت است، بعضی

دارای پرچم و بعضی دارای مادگی است، و زیرمجموعه و گل‌های من زائده‌هایی قهوه‌ای رنگ بیضی مانند دیده می‌شود که در نصف قسمت آزاد آنها، یک خط برجسته دیده می‌شود، و همین امر می‌تواند باعث تشخیص من شود و یکی دیگر از نشانه‌های تشخیص من آن است که انشعابات ساقه گیاه من در قسمت بالای ساقه است. زنبور عسل به نوش گل‌های من علاقه زیاد دارد. من در کرج، اطراف تهران، اراضی سنگلاخ اراک، اصفهان، ازن، لرستان و مغرب ایران می‌رویم. سابقاً از من جهت معالجه هاری زیاد استفاده می‌کردند. ریشه من مقوی و پیشاب‌آور است، اشتها را زیاد می‌کند و برای معالجه بیماری‌های پوستی تجویز می‌شود. سرمه آبی که در محل گودی محل اتصال برگ‌های من جمع می‌شود، ورم چشم را از بین می‌برد و مالیدن آن پوست را نرم و لطیف می‌کند.

کنگر بزرگ



من کنگر بزرگ هستم که کنگر معمولی در معرفی خود به من اشاره کرد. در فارسی به من چرچه و در بعضی از شهرها "کنگر خر" می‌گویند. خرد در فارسی به معنی بزرگ است، ولی فرنگیها بدون توجه به این موضوع کنگر خر را ترجمه کرده و نامی روی من گذاشته‌اند که "خارخران" معنی می‌دهد عربی من "شکاعی" و طوبه و شوک الحمار است. من در شمال غربی ایران، تبریز، رضائیه، نواحی مختلف البرز مثل گچسر، دماوند و کوه‌های کردستان می‌رویم. ساقه گیاه من یک تا دو متر قد می‌کشد و پوشیده از تارهای پنبه‌ای سفید است که ظاهراً آن را کاملاً مشخص می‌نماید. ساقه گیاه من انشعاب کم دارد. و دارای کناره‌های

بال مانند است که همه خاردار می باشند. برگهای منبزرگ بوده و دارای کنگره های بال مانند است که همه خاردار و نوک تیز است. مجموعه گل های منبزرگ بوده از گل های لوله ای قرمز تشکیل شده و دارای تار های پنبه ای است که به نوکی دراز و خمیده منتهی می شود. میوه من سفت، خاکستری و با لکه های سیاه است، و یک دسته تار های خرما بی رنگ بر سر آن قرار دارد. مرابه علت قشنگی و داشتن گل های بزرگ و ظاهری سفید، در باغچه ها پرورش می دهند. و زنبوران عسل از نوش من بهره برداری زیاد می نمایند. دانه های من ۲۵ درصد روغن قابل استخراج دارند. جوشانده ریشه من پیشاب آور، مقوی معده و اشتها آور بوده و برای درمان ذات الجنب مفید است. شیر گیاه و برگ های تازه له شده من برای درمان زخم های جلدی و کچلی تجویز می شوند، و برای جرب و اولسره های ناحیه صورت مفید می باشد.

عده ای مرا جهت معالجه سرطان مفید می دانند. قوت قبض ریشه من زیادتر از "بارآورد" می باشد. بیخ و میوه من جهت جلوگیری از خونریزی سینه به کار می رود. جوشانده آنها جهت معالجه امراض کبد و تب های کهنه، مخصوصاً در اطفال نافع است. جهت معالجه رعشه و فلج نیز توصیه شده است. برای معالجه جذام، برص و لکه های سیاه جلدی و قطع ترشحات زنانه می توانید از جوشانده قسمت های هوایی و بیخ من استفاده کنید.

خارمهک



من نوعی کنگر خرمی باشم که در جنوب ایران، مخصوصاً سیستان و بلوچستان روئیده و به زبان شیرازی به من خارمهک می گویند. عربی من، "رأس الشیخ"

است ولی درکتب داروسازی قدیم "افسون" ذکر کرده‌اند. گل و برگ من شبیه به "بارآورد" ولی ساق من کوتاه‌تر است و هنگام تری آن را پوست کنده و می‌خورند. گل من پرخار و خارهای دوطرف برگ من مانند سوزن و تخم میوه من زرد و ریزاست، و چون بیخ مرا بچوند احساس گرمی زیاد می‌شود. خوردن یک مثقال از برگ من جهت درمان کزاز و تشنج امتلائی مفید است، ضماد برگ من جهت نرم کردن اورام گردن و بیخ ران به کار می‌رود. مقدار خوراک بذر من سه گرم و برگ من هشت گرم می‌باشد.

اسم من «سندروس» است!

از خونریزی معده جلوگیری می‌کنم . دشمن کرم کدو هستم . اگر مرا با سنگجبین بخورید از چاق شدن تن جلوگیری می‌کنم . سرمهء من با عسل تراخم را مداوا می‌کند . ضد شبکوری هستم .

فارسی و عربی من سندروس است . ولی عوام اشتباهاً " مرا نوعی کهربا می‌دانند. در صورتی که من صمغ نوعی سرو کوهی هستم که در مراکش و اطراف اقیانوس اطلس زیاد است و کسانی که مرا معدنی تصور کرده و نوشته‌اند که من در وسط دریا از زمین می‌جو شم صحیح نیست. گیاه من در اسپانیا هم می‌روید ولی صمغ نمی‌دهد علاوه بر مصرف دارویی و صنعتی با صمغ من دانه‌های تسبیح، گردن‌بند و سایر قطعات زینتی می‌سازند. صمغ من در روغن محلول است، مخصوصاً اگر آن را بجوشانند. سابقاً" مرا در روغن بزرک حل کرده و روغنی به نام روغن کمان می‌ساختند که از آن برای چرب کردن کمانها استفاده

می‌شد و هنوز هم برای کمان حلاجی مصرف می‌شود. در هند مرا در روغن کنجد حل کرده و در نقاشی به کار می‌برند و بر پارچه حریر می‌مالند و با آن موم جامه می‌سازند. داروسازان سنتی ایران با من روغنی می‌ساختند به نام دهن-الصوانی که نسخه آن در قرابادین نوشته شده است. صمغ من خشک، شکننده، شفاف به رنگ زرد لیمویی است و شبیه مصطکی می‌باشد. بو و طعم آن رزینی است و دارای یک درصد اسانس می‌باشد. کهربا ضمن معرفی خود اختلاف ظاهری خود را با من شرح داد و به همین جهت در اینجا تکرار نمی‌نمایم. گاهی در قطعات من اجساد کرم و پشه دیده می‌شود. زیرا این حشرات وقتی من از درخت مترشح می‌شوم روی من نشسته و می‌چسبند.

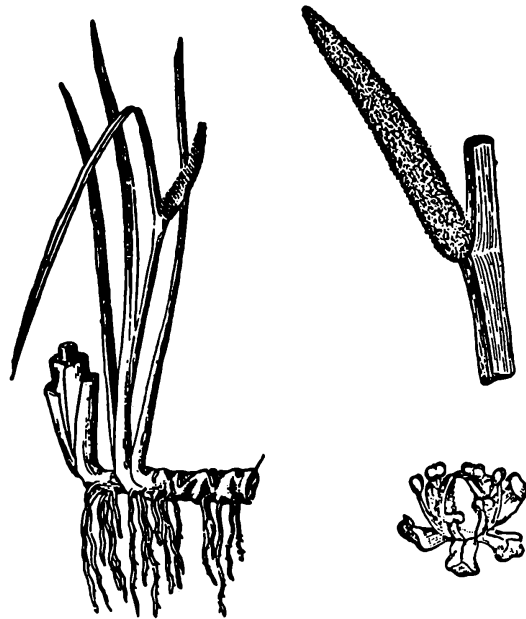
من از خونریزی سینه و معده جلوگیری می‌کنم، و درمان اسهال خونی می‌باشم. بلغم معده و روده را از بین می‌برم. کرم روده و کرم کدو را می‌کشم و قاعده زنان را باز می‌نمایم. برای درمان خفقان، تنگ‌نفس و بواسیر مزمن مرا تجویز کرده‌اند. خوردن من با کمی سنگجبین جهت رفع چاقی مفید است، و با سرکه جهت اسقاط جنین مرده توصیه کرده‌اند. سرمه من با عسل جهت سفیدی و زخم چشم و تراخم مجرب است. برای درمان شبکوری کمی از مراروی جگر گوسفند یا حیوان دیگر بپاشید و آن را بر روی آتش بریان کنید و آن که از آن خارج می‌شود گرفته، در چشم بکشید. چکاندن آن در گوش برای تسکین درد و ناشنوایی آن مفید می‌باشد. صمغ من برای التیام جراحات مخصوصاً محلول در روغن زیتون به کار می‌رود. بخور من با "عود" یا به تنهایی جهت رفع سردرد و معالجه زکام و جلوگیری از سرماخوردگی نافع است، برای ساختن خمیر دندانهای طبی که برای جلوگیری از خونریزی به کار می‌رود، صمغ مرا داخل می‌نمایند. محلول من در روغن بادام جهت ترک پوست و شقاق مقعد مفید می‌باشد. فرزجه آن جهت اسقاط جنین مرده مجرب است.

در صنعت از صمغ من در ساختن ورنیه‌های مختلف استفاده می‌شود.

صمغ ناشتار

درخت من در بلوچستان، اطراف تخت سلیمان می‌روید. درخت من

پنجاه متر طول و یک متری قطر دارد و بیش از پانصد سال عمر می‌کند، و زبان محلی به آن ناشتار می‌گویند. با ایجاد شکافی در تنه درخت من صمغی از آن خارج می‌شود که در صنعت داروسازی با آن مشمع می‌سازند و چون در اثر گرما روان می‌شود آن را مخلوط با موم می‌نمایند. صمغ من معطر و نیمه‌روان است، ولی پس از خارج شدن از درخت به سرعت منجمد می‌شود و بوی قوی و مخصوص پیدا می‌کند.



من «اگیر ترکی» هستم!

فارسی من سوسن زرد و سوسن باتلاقی است، ولی بیشتر به من اگیر-
 اگیر ترکی و اکسیر ترکی می‌گویند. علت نسبت من به ترکی برای آن است که
 سابقاً" مرا از تاتارستان که زبان آنها ترکی است می‌آوردند، ولی بهترین نوع
 من در بلوچستان به عمل می‌آید. مخصوصاً" در تپه‌های یوب و جلوان که به
 زبان محلی به آن کول می‌گویند. عربی من قصب‌الذریره، ترکی من بچه و به
 زبان فرنگی آکور می‌باشد. در کتب قدیم به من وج، عودالوج، باش، آلواو
 اشباطه خطاب کرده‌اند. گیاه من شباهت زیادی به زنبق دارد، گل‌های آن
 زردرنگ بوده و در انتهای ساقه قرار دارند. قسمت مورد استفاده من ساقه

زیرزمینی من است که آن را به غلط ریشه می‌گویند، و ما به پیروی از داروسازان سنتی ایران آن را بیخ خطاب می‌نماییم، چه آنها به کلیه ساقه‌های زیرزمینی بیخ می‌گفتند. بیخ من سفید - خوشبو و گره‌دار است. عطر آن را در بازار به نام عطر سوسن زرد می‌فروشند. طعم بیخ من ابتدا گرم و سوزان و بعد تند و تلخ می‌شود. بیخ من دارای صمغ و لعاب بوده و چندین عامل مؤثر دارویی دارد. محرک و مقوی باه و معده بوده، برای رفع نزله مفید است. برای سوءهاضمه که منشأ اصلی نارسایی اعمال معده باشد، داروی بسیار خوبی است. برای درمان روماتیسم، نقرس، لنفاویسم تجویز می‌شود. جوشانده من برای رفع خون دماغ و خونریزی رحمی مفید است و برای کبد سودمند می‌باشد.

بیخ من دافع بلغم، ضد عفونی کننده، بادشکن و پادزهر سموم است. خوردن من با مصطکی جهت زهکشی دماغ و همچنین جهت فلج، بی‌حسی اعضاء، استسقا و لکنت زبان نافع می‌باشد. جویدن و در دهان نگاه داشتن آن سبب زود به حرف آمدن اطفال می‌شود، و برای این کار بهتر است که آن را ریز ریز کرده، اندک‌اندک در دهان کودکان گذاشت و خورانید، این عمل برای تسکین درد دندان نیز مفید می‌باشد. سرمه آن برای برطرف کردن لکه سفیدی چشم و غلظت قرنیه و جلای چشم و دفع تاری و ظلمت آن تجویز می‌شود، و برای این کار بهتر است از عصاره تازه آن استفاده شود. خوردن آن جهت تقویت حافظه و کم شدن رطوبات دماغ و معده و زهکشی شکم و تصفیه خون و صفرا و درد سینه، درد پهلوی و سرفه سود فراوان دارد. نفخ معده را از بین می‌برد و کبد را تقویت می‌کند و برای طحال نافع است، همچنین برای دل پیچه، درد معده. قطره قطره آمدن ادرار، سنگ کلیه و مثانه سودمند است. ادرار و حیض را بازمی‌کند. ضماد آن جهت درمان فلج، رعشه، درد مفاصل توصیه شده است. فرج آن یا شیرمادیان و زعفران جهت آسان شدن زایمان مؤثر است. خوردن آن پادزهر سموم خوراکی و ضما د آن بر جای نیش حشرات مسکن درد آن است. نوشیدن دمکرده بیست در هزار من به مقدار سه فنجان در روز، رنگ رخسار را باز می‌کند. ضماد بیخ من جهت از بین بردن لکه‌های جلدی و برص نافع است. مر برای من جهت فلج، هیستری، قراقرشکم و قولنج مفید می‌باشد. معجون آن

که دستورتهیه آن درقربادین نوشته شده است، جهت جلوگیری از آبریزش چشم و پیشگیری از آب آوردن و رفع خیالات باطله و تقویت معده توصیه می شود. مقدارخوراک بیخ من به صورت پودر یک تا چهارگرم، و حداکثر یک مثقال است. در داروسازی جدید بیشتر از عصاره الکلی من استفاده می نمایند. استفاده از نوع ایرانی من که در بلوچستان و احتمالاً کرمان می روید، نقش مهمی در احیای داروهای سنتی ایران خواهد داشت، زیرا چنانچه قبلاً اشاره شد از بهترین انواع بوده و فواید و منافع زیاد مخصوصاً در باز شدن لکنت زبان دارد. موقع برداشت محصول آن شهریورماه می باشد.

اسم من «کهربا» است!

بوئیدن من برای مبتلایان به خون دماغ نافع است . دود من ضد تشنج است . اگر زنان آبستن از من استفاده کنند ، از سقط جنین آنان جلوگیری می‌کنم . ضد تاول هستم و اشتها را تحریک می‌کنم . .

فارسی من کهرباست . به من کاه‌با هم می‌گویند و چنانچه می‌دانید اگر مرا روی پارچهٔ پشمی مالش دهید نیروی الکتریسته پیدا کرده و ذرات ریز کاغذ را به خود جذب می‌نمایم . به من حجرالکهربا و بیجاده هم می‌گویند . من صمغ فسیل شدهٔ نوعی کاج هستم که در دوران سوم زمین‌شناسی در روی زمین زیاد بوده و به همین جهت مراد طبقات زمینهای دوران سوم ، در اطراف دریای بالتیک می‌توان یافت ، و به مقدار زیاد همراه با فسیل درختان کاج استخراج می‌شوم . در وسط من علاوه بر فسیل گیاهان ، حشرات مختلف و سنگریزه هم دیده می‌شود . چنانچه حکیم مؤمن در کتاب تحفه نوشته است ، با چشم

خود فسیل یک مگس را در میان کهربا دیده است و از این بالاتر چنانچه در کتب قدیم نوشته‌اند، در خزانه‌های یکی از پادشاهان هند، تکه بزرگی کهربا وجود داشت که در وسط آن فسیل بچه میمونی دیده می‌شد. قطعات من زرد رنگ، شکننده و شفاف می‌باشند. و انواع قرمز رنگ هم دارم. چنانچه قطعات مرا مالش دهید، علاوه بر قوه کهربایی، بوی معطری شبیه لیماوز من استشمام می‌شود. من شباهت زیادی با سندروس دارم، با این فرق که سندروس با مختصر مالشی تولید نیروی الکتریکی کرده، جذب گاه و ذرات کاغذ را می‌نماید، در صورتی که من احتیاج بیشتری به اصطکاک دارم.

سندروس نرم بوده و بوی لیماوز نمی‌دهد و جلا نمی‌پذیرد و قابل حکاکی نیست، در صورتی که من بوی لیماوز می‌دهم و جلای بسیار پیدا می‌کنم و اگر مرا بسوزانید، از من بوی خوش مصطکی استشمام می‌شود. در صورتی که سندروس هنگام سوختن بدبو بوده، بوی کریه می‌دهد. در صنعت باتکه‌های من دانه‌های تسبیح، گردنبند و قطعات زینتی می‌سازند. من مفرح و مقوی قلب بوده و از خونروی از سینه و خون دماغ جلوگیری می‌کنم. خوردن نیم مثقال من با ادویه مناسب دیگر مانع خونریزی سینه است، حتی اگر این خونریزی مربوط به پاره شدن یکی از رگهای سینه باشد. خوردن من با گلاب برای رفع خفقان نافع است. اسهال خونی را بند می‌آورم. مرا برای جلوگیری از خونریزی از سوزش ادرار و سنگ مثانه تجویز کرده‌اند. من برای یرقان نیز مفید می‌باشم. مالیدن کهربا با صبر زرد برای جلوگیری از خونریزی بواسیر و افتادن دانه‌های آن سودمند می‌باشد. اگر آن را به محل سوخته شده با آتش بمالند، از تاول زدن جلوگیری می‌کند و برای رفع کوفتگی و شکستگی مفید است. بوئیدن من برای مبتلایان به خون دماغ نافع بوده و در هوای وبایی یعنی هنگام شیوع وبا، اثر بوئیدن لیماوز را دارد. من حافظ جنین از سقوط بوده و مقدار خوراک من نیم مثقال است.

در طب و داروسازی جدید بیشتر از دود من استفاده می‌کنند. برای جلوگیری از خونریزی گرد مرا با توتون مخلوط کرده، مانند سیگار می‌کشند. کشیدن دود من اشتها را زیاد می‌کند و ضد تشنج است. در داروسازی جدید

با من تنتور و شربت کهربا نیز درست می‌کنند. برای اطفال از خمیر چشمی من به طور سرمه استفاده می‌نمایند. در علم شیمی از تقطیر من در قرع و انبیق، چندین ترکیب شیمیایی که هر یک خواص جداگانه دارد می‌سازند و املاح مختلفی نیز از ترکیب من با فلزات و شبه فلزات به دست می‌آید.

کهربای سفید

ماده‌ای است که از روغن عنبر ماهی (کاشالوت) استخراج می‌شود و در داروسازی جدید به نام بلان دوبالن خوانده می‌شود، و ارتباطی به کهربا ندارد.

کهربای سیاه

کهربای سیاه که به آن شبق هم می‌گویند، نوعی سنگ است که از تراکم ذرات زغال و پاره‌های تغییرات شیمیایی به دست آمده است و قابل استعمال می‌باشد. شبق معرب شبه فارسی است.



من «ناخنك» هستم!

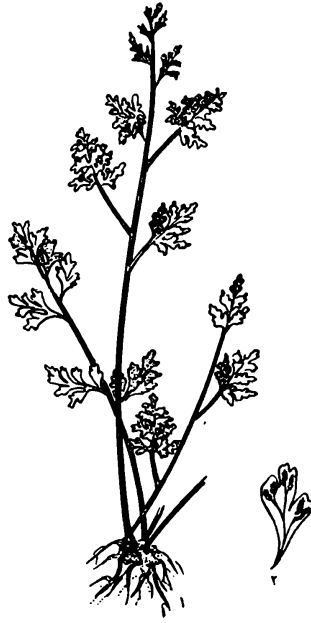
فارسی من ناخنک است، به من ناخنه و "شبدرعطری" هم می‌گویند. عربی من نفل است، ولی در کتاب دائرةالمعارف داروسازی فرانسه (درولت) عربی مرا اشتباهاً، "اکلیل‌الملک" نوشته وعده‌ای از مترجمان و لغت‌نویسان اشتباه او را تکرار کرده‌اند. در حالی که اکلیل‌الملک نوعی لاله سرنگون است که به آن شاه‌افسر و گیاه قیصر می‌گویند و با گل‌های زیبای خود شایسته این اسم می‌باشد. گیاه من در اطراف تهران، قلهک، جاجرود، آبگرم لاریجان، آذربایجان، بلوچستان می‌روید و یک نوع دیگر من که گل‌های سفید مجتمع دارد، در هفت حوض درکه، کرج، اطراف رشت و کردستان فراوان است، و به علاوه در عربستان

مخصوصاً اطراف مدینه و طائف کثیرالوجود است و عطاران حجاز آن را به نام نفل می‌فروشند. روزی از یکی از عطاران مکه پرسیده شد که آیا نفل نام دیگری هم دارد یا نه. جواب منفی داد و چون پرسیده شد که آیا راست است که عده‌ای به این اکلیل‌الملک هم می‌گویند؟ صاحب دکان که پیرمردی شوخ و بذله‌گو بود، خندید و گفت هیچ ملکی بی‌سلیقه نیست که این را تاج خود قرار دهد. شباهت آن بتاج باعث شده است که آنرا عطاران اکلیل‌گویند.

گیاه من شبیه یونجه و بسیار معطر است، میوه من هلالی و شبیه سرناخن چیده شده می‌باشد، و به همین جهت به آن ناخنک‌گویند. قسمت مورد استفاده من سرشاخه‌های گلدار و میوه من می‌باشد و بهتر است که سرشاخه‌های گلدار را قبل از باز شدن گلها چید و خشک کرد. من دارای چندین نوع عوامل مؤثر دارویی از جمله کومارین می‌باشم و بعلاوه دارای عطری هستم که هنوز ترکیب شیمیایی آن مشخص نشده است. داروسازان سنتی ایران سرشاخه‌های گلدار را قوی‌تر از میوه من می‌دانند. میوه من دارای کمی روغن است و کومارین کمتر دارد. سرشاخه‌های گلدار من آرامبخش و پیشاب‌آور بوده، برای هضم غذا و نرم کردن سینه نافع می‌باشد. برای رفع تحریکات عصبی و بی‌خوابی نافع است، مخصوصاً در مورد بی‌خوابی اطفال سود فراوان دارد. برای سردرد، یکطرفه، دردهای عصبی و مفاصل، ورم کلیه و قولنج کبدی تجویز می‌شود. برای تسکین درد مفاصل مشمع‌ی با من می‌سازند که نسخه آن به شرح زیر است:

سرشاخه‌های گلدار ناخنک ۲۵۰ گرم - افسنطین ۱۶ گرم - گرد با بونه و برگ بو ۱۶ گرم از هر یک - روغن زیتون ۹۰ گرم - وشا ۹۰ گرم - صمغ کاج ۹۰ گرم - موم یک کیلو.

"وشا" و کاج را در اسانس تربانتین حل کرده مواد دیگر را در آن حل کنید و با حرارت ملایم مخلوط نموده به صورت مشمع درآورید و هنگام مصرف کمی آن را گرم کرده، به موضع دردناک بچسبانید تا درد را تسکین دهد.



اسم من «پرسیاوشان» است!

درمان کننده تنگ نفس هستم . اگر به سنگ کلیه دچارید ، مرامصرف کنید .
 با سردرد دشمنم و استنشاقم برای برطرف کردن زکام اثر فراوان دارد .
 تقویت کنندهٔ مو هستم . زخمهای چرکین را مداوا می‌کنم . یکی دیگر از
 خواص من درمان سرفه و نرم کنندهٔ سینه است . . .

فارسی من پرسیاوشان است. به من پرسیاوش- سنبل- پرسیاوشان هم
 می‌گویند. شعرالجبالی- شعرالجبالی- شعرالارض- شعرالجن- شعرالخنزیر-
 شعرالکلاب- شعرالغول- کربزةالبئر- کرنةالقنا- جعدةالقنا- ساقالاسود-
 ایوصیف از القاب من می‌باشد. ترکان به من "بالدیری قره" می‌گویند، من از
 خانوادهٔ سرخسها می‌باشم. گیاه زیبای من در جاهای مرطوب و دیوارچاهها
 و اماکن نمناک در اطراف تهران، پسقلعه، اطراف شهرری، مازندران گیلان،
 گرگان مخصوصاً "بندرگز، بلوچستان و خوزستان می‌روید. یک نوع من به

پرسیاوشان سیاه معروف است و به آن سرخس بلوط و به ترکی "قره بالدیری قره" می‌گویند. نوع قرمز من برای طحال مصرف زیاد دارد. در نواحی البرز و اطراف دریای مازندران زیاد می‌روید و اعراب به آن لحاء الغول، شعر الغول، پرسیاوشان احمر و به ترکی "قیرمیزی بالدیری قره" می‌گویند. یک نوع مرغوب من پرسیاوشان کانادایی است که ترکی آن "قانادا بالدیری قره" می‌باشد، یک نوع مکزیکی هم دارم که اعراب به آن کر بزة البئر مکسیکیه می‌گویند. گیاه من پایاست، یعنی ریشه آن در زمین می‌ماند و سال بعد ساقه تازه می‌دهد، از ساقه‌های زیرزمینی من همه ساله شاخه‌های سبز به درازای ۱۵ تا ۲۰ سانتی متر، با دمبرگی صاف به رنگ قهوه‌ای تیره خارج می‌شود. قسمت مورد استفاده من بیشتر برگهای دراز من است که دارای بویی ضعیف و طعمی گس است و دارای صمغ، مواد قندی، تانن، تری مازویی و یک ماده تلخ و کمی اسانس می‌باشد. مصرف من بیشتر برای نرم کردن سینه و درمان سرفه است و به همین جهت عده‌ای به من دواء الصدر هم گفته‌اند. سینه را نرم کرده و اخلاط آن را از بین می‌برم. مسهل سودا، بلغم و صفرا می‌وجود در معده و روده‌ها هستم. تنگ نفس را درمان می‌کنم. سینه را زهکشی می‌نمایم. برای ریه، طحال و سنگ کلیه مفید می‌باشم. ادرار و عادت ماهانه زنان را باز می‌کنم و خون نفاس را بند می‌آورم و به همین جهت مرا برای اخراج مشیمه تجویز کرده‌اند. استنشاق جوشانده من جهت باز شدن بینی و زکام مفید است، ضماد پخته من جهت سردرد و پخته آن با روغن جهت گری و خنازیر و بواسیر و دنبیل سودمند است. خوردن گرد خشک من برای اسهال مفید می‌باشد، ضماد پخته آن ورم بیضه را فرو می‌برد، و ضماد تازه آن برای زخمهای پلید و چرکین و داء الثعلب مفید می‌باشد، مشروط بر اینکه آن را خوب و به سختی بر محل ریزش مو بمالند، ضماد سوخته من جهت جلوگیری از ریزش مو و رویاندن آن سود فراوان دارد - مالیدن و پاشیدن سوخته ساقه‌های من روی زخمهای چرکین و خوره‌ای نافع است. از دم کرده دو تا سه درصد برگ من که با قند یا عسل شیرین شده باشد، به مقدار سه فنجان در روز - برای گریب - نزله و برنشیت توصیه شده است. معمولاً کمی شیر هم به آن اضافه می‌نمایند. و عده‌ای توصیه کرده‌اند که آن را با شربت شقایق

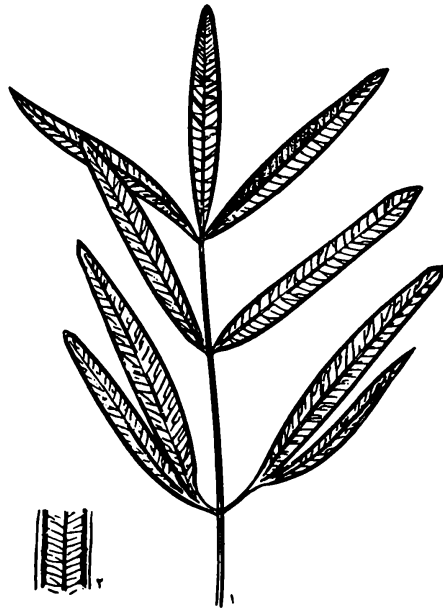
یا افیون کاهو (شیرخشک شده ساق کاهو) مصرف نمایند.

من «خون سیاوشان» هستم!

فارسی من خون سیاوشان است. عربی من "دم الاخوین" یعنی خون دو برادر است، ولی عطاران مکه و مدینه مرا "خاطر الزجاجی" گویند. ترکی من "ایکی قارداش قانی" می باشد که آن هم به معنی خون دو برادر می باشد. به من دم التنین - دم الشعبان و قاطرالدم نیز می گویند. سیاوش به معنی اسب سیاه نر است و نام فرزند کیکاوس پادشاه کیانی بوده. در افسانه ها آمده است که سودابه زن کیکاوس عاشق پسر شوهر خود شد و امر را بر شوهر مشتبه ساخت. کیکاوس برای آزمایش پسر را امر داد که از میان شعله های آتش بگذرد. او چنین کرد و از میان شعله های فراوان آتش سالم بیرون آمد، و به توران زمین رفت و

در آنجا با فرنگیس دختر افراسیاب ازدواج کرد. ثمره این زناشویی پسری به نام کیخسرو بود که بعدها پادشاه ایران شد. گرسیوز برادر افراسیاب حسادت کرد و به تحریک اوسیاوش کشته و خون او به ناحق بر زمین ریخت و از قطرات خون او درختی از زمین رویید که نام آن را خون سیاوشان گذاشتند. آنچه گفته شد، افسانه‌ای بیش نبود و مانند بسیاری از افسانه‌ها حقیقت ندارد. مخصوصاً "اینکه می‌دانیم سیاوش در توران زمین کشته شد و درخت خون سیاوشان بومی جزایر برنثو و سوماترا و در خاور دور متعلق به اندونزی می‌باشد. من صمغی به رنگ خون هستم که از درخت خون سیاوشان تراوش می‌کنم و چون بلور و شیشه را با من رنگ کنند، صاف رنگین‌تر از عقیق می‌شود. در صنعت آن را برای رنگ کردن ورنیها به کار می‌برند.

صمغ من غالباً مخلوط با برگ و چوب است و سه نوع در بازار عرضه می‌شود: چکیده، چوبی و حاکی... و بهترین آن چکیده بدون برگ و چوب است. صمغ من بی‌بو، بی‌طعم، سخت شکننده و قابل سوختن است، و هنگام سوختن بوی یلسانی مطبوعی از آن خارج می‌شود. صمغ من قابض و ضد خونریزی است، و برای لثه و دندان مفید می‌باشد. سابقاً در جنگهای پودر مرا به محل زخم شمشیر می‌پاشیدند تا زودتر التیام یابد. خوردن من از خونریزی معده و سینه‌جلوگیری می‌کند و برای اسهال، دل‌پیچه و شقاق مقعد، با تخم مرغ جهت زخم روده مفید می‌باشد، سرمه من جهت تقویت لثه و پاشیدن گرد من جهت بند آمدن خون سودمند است. مقدار خوراک من یک تا پنج گرم است و می‌توان آن را با زرده تخم مرغ جهت بند آوردن خون از جمیع اعضاء بدن و گوشت نو آوردن زخمها، و برای کم شدن حرارت کبد و تقویت معده خورد.



اسم من «سرخس» است!

مربای من با عسل، از حاملگی جلوگیری می‌کند. برای دفع انواع انگل‌های بدن از من استفاده کنید. ساقه‌های من اثر لینت دارد. مبتلایان به مالیخولیا می‌توانند از من سود بسیار ببرند. برای جذامیان مفیدم و اگر به دل‌درد کهنه گرفتارید مرا به کار برید...

فارسی ما سرخس است. به ما بطاریس و دیشار هم می‌گویند. ما دارای انواع و اقسام نرو ماده تیغی و آبی هستیم و روی هم رفته نوع نر ما در دفع کرم کدو اثر بیشتری دارد. در دوران اول پیدایش زمین، انواع ما رشد بیشتری داشت، ولی امروزه انواع بزرگ ما از بین رفته است.

سرخس نر

در فارسی به من سرخس نر می‌گویند. در گیلان و مازندران به من جماز و کلیدارو می‌گویند. در بعضی از نقاط بسوره و شرده هم گفته‌اند. در

داروخانه‌ها اسم فرنگی من که فوژرمال می‌باشد بیشتر مشهور است. گیاه من بی‌ساق بدون میوه و بدون گل است. از بیخ من برگ بزرگی می‌روید که نیم-متر تا ۱/۵ متر طول دارد و منقسم به برگچه‌های کوچکی می‌شود که بریدگی آنها دو طرفه است، منظره قشنگی داشته و تقریباً "شبه‌پرمرغان می‌باشد. من در سواحل مازندران بین درختان خالودشت بین قزوین و لنگرود، در آذربایجان بین حسن بگلو و قره‌داغ می‌رویم.

قسمت مورد استفاده من بیخ من است که در حقیقت یک شاخه زیرزمینی است و انواع کوهی من که بین سنگلاخها می‌رویند، بهترین نوع می‌باشند. بهترین موقع برداشت محصول من شهریورماه است که ماده مؤثره آن زیاد است و در ایران تا ۱۹ درصد دیده شده است. من بهترین دارو برای انداختن کرمهای کبد، معده، و روده، مخصوصاً "کرم کدو و کرمهای دراز معده هستم، و علاوه کرم کبد را هم ساقط می‌نمایم. داروسازان سنتی ایران دستور داده‌اند که قبل از خوردن من بهتر است مقداری سیر خشک میل شود و بهتر است مرا با خریق سیاه یا سفید و صمغ محموده (سقمونیا) میل نمایند، ولی در طب جدید دستور می‌دهند که دو ساعت بعد از خوردن بیخ من، یک مسهل غیر روغنی خورده شود تا کرمهای فلج شده با زیادی دارو دفع گردد. خوردن مسلهای روغنی مثل روغن کرچک جایز نیست. برای اسقاط کرم کدو پس از خوردن مسهل بیمار بایستی در روی طشتی که در آن آب جوش ریخته باشند بنشیند، تا کرمهای کدو پشت سرهم نوار مانند در آن بیفتند. برای من با عسل مانع آبستنی و باعث سقط جنین است، و به همین جهت نباید از بیخ من بدون تجویز پزشک استفاده شود، چه من برای مبتلایان به امراض قلبی و کبدی خطرناک می‌باشم و چنانچه زیادتر از مقدار خوراک خورده شوم، تولید عوارض معدی و اختلالات چشمی خواهم کرد، و گاهی ممکن است باعث مرگ شوم. مقدار خوراک ساقه زیرزمینی من به صورت پودر ۱۰ تا ۱۵ گرم است که در داخل کیسول یا کاشه می‌دهند. مقدار خوراک آن برای اطفال دوتا سه گرم می‌باشد. در داروسازی جدید عصاره اتره من بیشتر مصرف می‌شود، و مقدار خوراک آن برای اشخاص بالغ ۲ تا ۸ گرم است که معمولاً در کپسولهای سر بسته عرضه می‌شود. اثر این عصاره در کشتن

انواع کرم قطعی است، مشروط بر اینکه از بیخ تازه تهیه شده باشد.

بسپایه

فارسی من بسپایه و بسپایک است. معرب آن که بیشتر در کتب دارویی قدیم به کار برده اند، بسفایج می باشد. در مازندران و گیلان به من وارجماز گویند. عربی من اضراس الکلب، ثاقب الحجر و تشمیز است. در مصر به من اشتران گویند.

گیاه من سرخس کوچکی است که بیش از ۲ تا ۳ سانتی متر قد نمی کشد. ساقه زیرزمینی من شبیه هزارپا می باشد و به همین جهت است که به آن بسپایه گفته اند. بیخ من به صورت افقی و با ضخامت کم بوده و پوشیده از فلسهای نازک است که پس از خشک شدن دارای برجستگی و خار می شود. برجستگی در محل پیدایش برگها و خار بقایای ریشه من است. من بیش از دویست گونه دارم، برگهای من مرکب از برگچه های متعددی است که ممکن است تعداد آنها در حدود بیست عدد باشد.

رنگ ساقه زیرزمینی من قرمز تیره است، و پس از خشک شدن سیاه می شود. بیخ من دارای بویی ناپسند و طعمی شیرین است که به تدریج گس می شود. من در روی دیوارها و تخته سنگها و تنه درختان می رویم. در ایران بیشتر در گرگان، مازندران، گیلان، آذربایجان بین خزه های نواحی سنگلاخی حسن بگلو و قره داغ به عمل می آیم. بهترین نوع من در بندرگز و کهرزنگ مازندران است. ساقه زیرزمینی من دارای تانن، صمغ، مواد لعابی و یک ماده مؤثر دارویی است. ساقه زیرزمینی من خلط آور، ملین بوده و اثر ساقه خشک بهتر از تازه است.

جوشانده من اخلاط و نفخ را از بین می برد، و آن را برای سودا و جذام هم تجویز کرده اند. نوشیدن جوشانده من همراه با شیرین بیان و انیسون جهت سرفه، تنگ نفس مفید بوده و مداومت در خوردن جوشانده من با عناب برای افتادن دانه های بواسیر توصیه شده است. جوشانده سه مثقال من با ۴ تا ۵ مثقال فلوس یا ترنجبین جهت نفخ معده و دل درد کهنه و هیستری مفید

بوده و برای درمان بواسیر نیز مؤثر است. چنانچه مبتلایان به مالیخولیا و جذام هر روز ۱/۵ گرم بیخ مرا با ۳۰ گرم مغز فلووس هفت روز بخورند، به درمان مرض کمک خواهد کرد. برای معالجه قولنج و نفخ معده می‌توانید، جوشانده مرا با ماءالشعیر (جوشانده جو) و عسل میل نمایید.

ضماد من جهت پیچ خوردگی عصب و ترک بین انگشتان نافع است. من برای سینه خوب نیستم، مگر مرا با پرسیاوشان همراه نموده بجوشانید. صاحب کتاب شفاء الاسقام نوشته است که استاد من عقیده داشت که باید پوست بسپایه را تراشیده و مغز آن را کوبیده و بعد استعمال نمایند تا اثر آن بهتر باشد.

گرف

من نوعی سرخس زینتی هستم که در جنگلهای کنار دریای مازندران می‌رویم. در گیلان به من گرف می‌گویند. ساقه زیرزمینی من راست و خزنده است، و تا کنون خواص دارویی آن مطالعه نشده است. فقط آن را به عنوان یک گیاه زینتی در باغچه‌ها می‌کارند.



اسم من «خرنوب» است!

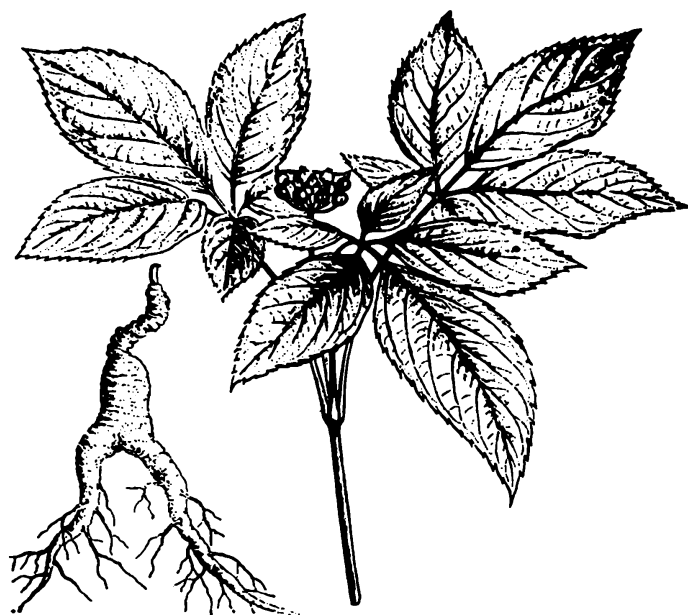
در زبان فارسی و عربی به چند نوع گیاه مختلف خرنوب می‌گویند، ولی خرنوب اصلی من هستم. به خرنوب بستانی معروف می‌باشم. درخت من بسیار بزرگ و شبیه درخت گردکان است. میوه من غلافی به اندازه یک وجب و ضخیم است. درخت من بسیار زیبا است و ارتفاع آن به ده متر می‌رسد، و در جنوب ایران مخصوصاً بین فارس و بندر شاهپور به عمل می‌آید. عده‌ای از گیاه‌شناسان قدیم ایران، درخت لارک را که در جنگلهای شمال ایران زیاد به عمل می‌آید، و درخت آن شبیه درخت گردو است اشتباهاً "خرنوب" تصور کرده‌اند، در صورتی که چنین نیست. درخت من از خانواده پروانه‌داران و لارک، از خانواده گردو

می‌باشد و مانند درخت گردو دارای ترشحات سمی است و خوابیدن زیر آن مخصوصاً در شب خطرناک است. ماهیگیران شمال بیشتر از میوه لارک‌جهت صید ماهی استفاده می‌کنند. در وسط میوه من شهدی شبیه عسل وجود دارد که در میان آن دانه‌هایی شبیه به عدس دیده می‌شود. تکثیر درخت من از راه دانه است، ولی هشت سال طول می‌کشد تا میوه بدهم. من یکی از درختانی هستم که به آسانی و بدون احتیاج به توجه زیاد رشد می‌کنم و هر قدر هوا مرطوب‌تر باشد، بهتر به عمل می‌آیم و همه ساله ۲۵۰ تا ۵۰۰ کیلو میوه می‌توانم از من چید. میوه مرا در مرداد و شهریور باید چید و روی پارچه‌ای پهن نمود و در آفتاب خشک کرد تا میوه تخمیر نشود و کرم نگذارد.

شهد میوه من هفتاد درصد مواد قندی، کمی موم، کمی صمغ و مقدار کمی ویتامین‌های آ-ب و ث دارد و بعلاوه دارای فسفر، منیزی، کلسیم، سیلیس، و چند فلز دیگر است، و روی هم‌رفته یکی از مواد خوراکی است که بایستی نسبت به ازدیاد آن کوشش کرد، و از میوه آن در تغذیه استفاده نمود. از دانه‌های من صمغ و چسب می‌سازند. عصاره پوست درخت من بهترین دارو برای درمان اسهال مزمن است، و یک گرم آن را در روز می‌توان خورد.

میوه درخت من پیشاب‌آور بوده، برای درد سینه و تقویت معده و چاق شدن تجویز می‌شود و چون شهد مرا داخل شیر کنند، طعم آن را لذیذ می‌کنند و اشتها به غذا را زیاد می‌نماید. بهترین دارو برای درمان سرفه کهنه و مزمن است و خوردن آن با دانه جهت چاق شدن بدن مفید می‌باشد.

ضماد میوه من جهت ضرب خوردگی و زگیل مفید است و چون میوه مرا دو پارچه کرده و یک پارچه را روی زگیل بچسبانند، آن را از بین می‌برم. دانه‌های میوه من محلل ورمها، مخصوصاً ورم مقعد است.



اسم من «چوب چینی» است!

خون را تصفیه می‌کنم . در معالجه ناراحتیهای روانی بی‌همتا هستم . از پیشرفت سرطان جلوگیری می‌کنم . یکی از خواص بی‌نظیرم ، از بین بردن جذام است . علاج کندی ذهن هستم و از خواص بیشماری برخوردارم که کمتر کسی از آنها مطلع است . . .

فارسی من چوب چینی است و به زبانهای فرنگی به من ژین سگ گویند و اینکه عده‌ای از لغت‌نویسان اسکوئین را که گیاه دیگری است چوب چینی ترجمه کرده‌اند اشتباه می‌باشد.

عربی من جنسه و جنسنگ است. هزار سال پیش من در داخل حصار چین محبوس بوده و کسی از خواص معجزه آسای من جز چینیها اطلاع نداشت و به همین جهت در کتب دانشمندان و پزشکان بزرگ ایرانی "محمد بن زکریای رازی" و "شیخ الرئیس ابوعلی سینا" وارد نگردیدم و چون پایه طبابت در اروپا کتب دودانشمندان مبرده تشکیل می‌داد، به این جهت اروپاییان اطلاع کافی در مورد

من نداشتند، ولی اخیراً پی به خواص من برده و کارخانه‌های بزرگ داروسازی مشغول مطالعه می‌باشند تا بتوانند خواص دارویی مرا پیدا کرده و از آن بهره‌برداری نمایند، غافل از اینکه پس از باز شدن دیوار چین عده‌ای از پزشکان ایرانی مانند حکیم میرعمادالدین شیرازی، حکیم میرزا قاضی یزدی، حکیم میرمحمد - تهرانی و حکیم مؤمن، روی من قبلاً مطالعه کرده و خواص استفاده از من را پیدا کرده‌اند و چنانچه کارخانه‌های بزرگ داروسازی بخواهند می‌توانند تمام اینها را در کتب ایرانی خوانده و از آن بهره‌برداری نمایند.

زادگاه اصلی من چین است و چون مرا در جاهای دیگر بکارند یا سبز نمی‌شوم و یا تغییر ماهیت داده بسیاری از خواص خود را از دست می‌دهم. چنانچه صاحب کتاب مخزن الادویه توانست ریشه مرا با مقداری خاک قرمز زادگاه اصلی من به دست آورده و آن را در باغچه منزل خود در مرشدآباد بکارد. گیاه من روئید، ریشه آن شیرین‌تر از گیاه چینی ولی خواص آن کمتر بود و چون سال دیگر ریشه جدید را کاشتند پوسید و سبز نگردید. اخیراً نیز در امریکا، ژاپن، کره و بسیاری از کشورهای دیگر مرا کاشته‌اند ولی هیچکدام مانند گیاه اصلی من نیست. من برای تقویت قوه باه و برگشت شهوت مایوسان، تصفیه خون و معالجات روانی و انواع جنون، مالیخولیا و مانیا و معالجه امراض صعب‌العلاج و عاصی‌العلاج مثل انواع سرطان و تومورهای بدخیم و خوش‌خیم و زخمهای پلید و چرکی جذام، فلج، رعشه، تشنج امتلابی (اسپاسم)، سردرد مزمن، درد شقیقه، کندی‌ذهن، حواس‌پرتی و فراموشی مفید می‌باشم. ریشه من کمی خواب‌آور، پیشاب‌آور و قاعده‌آور می‌باشد و سریع‌النفوذ در رگهای موئین بوده و برای بسیاری از امراض تجویز شده‌ام. بزرگترین خاصیتی که داروسازان سنتی ایران به من نسبت داده‌اند و داروسازی جدید از آن بی‌اطلاع است معالجه بیماری اوراق می‌باشد. مرض اوراق که به ندرت دیده می‌شود و اخیراً در ایران چند مورد دیده شده‌است، نوعی خوره عصبی است، در این بیماری که از نوک انگشتان شروع می‌شود مغز خاکستری عصب به تدریج خورده شده و عضلات به تدریج از بین می‌روند. به این جهت به آن زموور عضلانی نیز می‌گویند.

همینکه این خوره به اعصاب قلب رسید، بیمار تلف می‌شود. حداکثر دوره این بیماری از تاریخ ابتلا تا رسیدن مرگ کمتر از دو سال و دوماه می‌باشد. نام فرنگی بیماری اوراق (سارکو) می‌باشد. خاصیت دیگری که داروسازان سنتی ایران به آن نسبت داده‌اند، درمان معتادان به تریاک می‌باشد که شرح مفصل آن در قرابادین کبیر نوشته شده است.

قسمت مورد استفاده من ریشه‌ام می‌باشد و در بازار متأسفانه ریشه‌های دیگر را به جای ریشه من می‌فروشند مخصوصاً در بازار اروپا بیشتر ژین سنگ ژاپنی که فقط شباهت به ریشه من دارد زیاد دیده می‌شود. اینکه می‌گویند چوب چینی را نباید با نمک و ترشی خورد صحیح نیست.

عشبه چینی

من نوعی ساقه زیرزمینی هستم که مرا از چین و ژاپن می‌آورند و غالباً مرا با چوب چینی اشتباه کرده و عده‌ای از لغت‌نویسان اسکوئین را که لغت فرنگی من است، چوب چینی ترجمه کرده‌اند. عربی من جزو چوب چینی است و منافع چوب چینی را ندارم. من، بی‌بو، بدون طعم و کمی گس بوده و راه شناسایی من از چوب چینی همین است، چون طعم چوب چینی کمی شیرین است. من دارای تانن صمغ بوده و خاصیت مسهلی دارم و نباید مرا با گیاه عشبه معمولی که خود را قبلادر زبان خوراکیها معرفی کرده است اشتباه کرد. من در کنار بحر خزر نیز می‌رویم و نوع ایرانی من برای تصفیه خون و نقرس مفید است و بهترین دارو برای معالجه سفلیس می‌باشم.



اسم من « گل طاووسی » است!

فارسی من گل طاووسی است و با گل پرتاووسی فرق بسیار دارم. اعراب به من "رتم وست الخدیجه" گویند. در بعضی از کتب مرا بدسقان نامیده‌اند. چون تعداد برگ در گیاه من کم است، به این جهت همه مرا بدون برگ می‌دانند و ساقه‌های سبز من کار برگ را انجام می‌دهند - یعنی هنگام روز گاز کربن هوا را گرفته اکسیژن پس می‌دهد - در اکثر خانه‌ها و گلخانه‌ها گیاه مرا به علت داشتن گل‌های درشت خوشه‌ای، به عنوان یک گل زینتی می‌کارند. رنگ گل‌های من طلایی است، گل‌های من دارای نوش فراوان است ولی زنبور عسل کمتر به سراغ آن می‌آید. گل و دانه‌های من دارای اثر رسمی هستند و از آنها در صنعت

داروسازی چند نوع داروی مفید که یکی از آنها اسیارتئین نام دارد می‌گیرند، یکی از داروهای مفید برای قلب است، دانه‌ها و گل من به مقدار کم پیشاب‌آور و مسهل می‌باشد، و این خاصیت در دانه‌های من بیشتر است. از دم کرده هشت در هزار گل من فقط یک قاشق می‌توان نوشید و در شبانه‌روز بیش از دو قاشق جایز نیست، و نمی‌توان بدون اجازه پزشک از آن استفاده کرد. از ساقه‌های گیاه من الیافی به دست می‌آید که با آن می‌توان طناب و پارچه‌های ضخیم بافت. در جنگلهای قره‌داغ نوعی از گیاه من می‌روید که به آن گل طاووسی پاکوتاه می‌گویند. سه‌گرم دانه‌های آن قی‌آور و کشنده اقسام کرم معده و مخرج جنین مرده است، ولی هرگز بدون اجازه‌ی پزشک نباید از آن استفاده نمود. گل و دانه‌های آن ادرار را زیاد می‌کند و معرق است، و برای معالجه اسهال خونی به وسیله‌ی پزشکان تجویز می‌شود، و برای سیاتیک نافع است. خوردن یکی دو دانه آن چند روز متوالی تولید اسهال می‌کند، و برای رفع دمل مفید است.

گل پر طاووسی



چنانچه گفتیم، گل طاووسی با گل پر طاووسی فرق دارد، این گل از خانواده گل‌های مرکب بوده و به آن پریمورهم می‌گویند، زادگاه اولیه آن نواحی گرمسیری است، ولی امروزه به عنوان یک گل زینتی در ایران و سایر کشورهای جهان پرورش می‌یابد. گل‌های آن مانند سایر مرکبات از جمع چندین گلچه تشکیل می‌شود و گیاه آن دارای شیرابه است. تا کنون روی خواص دارویی آن مطالعه نشده است.

اسم من «سپستان» است!

فارسی من سپستان بر وزن دبستان است، ولی این روزها مرا بروزن زمستان می خوانند. معرب من سپستان و عربی من دبق-مخاطه-مخیطات است. داروسازان سنتی ایران به من "اطباءالکلیه" لقب داده اند، چون بهترین دارو برای امراض کلیوی می باشم. دربندرعباس به من انبو گویند. درخت من که به شجرالدین معروف است، در سواحل خلیج فارس، جزیره خارک و امارات خلیج، مکران و بلوچستان می روید. میوه من به شکل آلبالوست و دارای شیرۀ لعابداری است که برای اسهال و ناراحتیهای دستگاه تنفس و سرفه مفید است. پوست درختچه من قابض بوده و خاصیت مسهلی دارد. از برگهای من می توان

مانند گل گاوزبان استفاده کرد. دمکرده میوه من چه تازه و چه خشک به عنوان نرم کننده به تنهایی یا همراه با داروهای دیگر تجویز می شود. من دو نوع دارم، نوع بزرگ من به اندازه ای آلو بوده، و تخم آن از گوشت مجزا می شود، ولی در نوع کوچک هسته به گوشت چسبیده، لعاب آن کمتر ولی شیرینتر است. و بهترین نوع آن بحرینی است. گذاشتن میوه من در دهان و مکیدن و فرو بردن آب آن و آشامیدن آب خیسانده آن و همچنین جوشانده آن سینه و گلو را نرم می کند و گرفتگی آواز را برطرف می نماید و سرفه را درمان می کند. عطش را فرو می نشاند و سوزش ادرار را تسکین می دهد. ضماد جوشانده میوه و برگ من در دوشاب جهت باز شدن دمل مجرب است. مقدار خوراک میوه من تا دو مثقال است و بهتر آن است که همیشه با عناب یا خطمی مصرف شود تا برای جگر مفید باشد، و چون چهار تا پنج عدد برگ نورسته مرا ریزریز کرده و شب در آب بخیسانند و صبح با فشار صاف کرده و بیاشامند، جهت جریان منی و سوزاک سودمند می باشد. گیاه من از خانواده گاوزبان می باشد.

سگ زبان



فارسی من سگ زبان است، اعراب به من لسان الکلب می گویند. نوع دیگر من در شهبسوار "کاش" نامیده می شود و عربی آن اذن الانب یعنی گوش خرگوش می باشد. چون دارای خار بوده و به لباس می چسبد اعراب به آن لصیقی هم می گویند. گیاه من علفی و از خانواده گاوزبان و بیشتر در سنگلاخها و در اراضی خشک آذربایجان زیاد دیده می شوم. گیاه من دارای ریشه ضخیم دوکی شکل

دراز و گوشتدار است، گل‌های کوچک من در فاصله اردیبهشت تا خرداد باز می‌شود و رنگ آنها قرمز مایل به بنفش است.

قسمت مورد استفاده گیاه من بیشتر ریشه من است. رنگ ریشه خاکستری مایل به قرمز و دارای بوی مخصوص و طعم لعابی است. من آرام کننده و کمی مخدر هستم. میوه من تخدیر بسیار دارد. ریشه گیاه من قابض و برگ من ملین است، و ریشه و برگ مراجعت معالجه نزله و امراض ریه و درمان اسهال و پیچش روده و جلوگیری از خونریزی تجویز می‌نمایند. ضماد برگ تازه و ریشه له شده من وجوشانده آنها جهت تسکین درد سوختگی مصرف می‌شود و همچنین جهت التیام جراحات و ترک پستان، بواسیر و خارش مفید بوده اولسرها را معالجه می‌کند. مقدار خوراک من به طور جوشانده یا دم کرده برگ و ریشه ۳۰ تا ۶۰ گرم در لیتر یک فنجان در روز می‌باشد. برای شستشوی زخمها و اولسرها از جوشانده پنجاه گرم در لیتر استفاده می‌کنند.

ماش هندی



فارسی من ماش هندی و عربی آن "حب القلب" است و به یک نوع من "کاسر الحجر" گویند. زیرا هندیان را عقیده بر آن است که چنانچه کوبیده آن را بر سنگ بمالند، آن را شکننده می‌کند. در اطراف تهران نواحی البرز، جویستان طالقان و کوههای لرستان به عمل می‌آیم. گیاه من از خانواده گاوزبان بوده و به آن علف مروارید هم می‌گویند. زیرا دانه‌های من از قشری سخت به رنگ سفید پوشیده می‌باشد. برگهای من بیضی نوک تیز و پوشیده از تار است. گل‌های من سفید مایل به زرد است که بر روی انشعابات ساق پیدا می‌شود.

من علاوه بر ایران، در امریکای شمالی و اروپا و قسمتهای معتدل آسیا به عمل می‌آیم، و بیشتر در جنگلها و اماکن مرطوب سنگلاخ و زمینهای بایر رشد می‌کنم. پوشش خارجی دانه‌های من ترکیبی است از سنگهای آهکی و سیلیسی و ریشه من دارای ماده‌ای قرمز رنگ است که با آن مواد غذایی مخصوصاً کره و پنیر را رنگ می‌کنند مغز دانه‌های من دارای روغنی است که طعمی ملایم داشته و در اثر ماندن تند می‌شود. من کلیه را تقویت کرده و ناراحتیهای آن را بر طرف می‌کنم، سنگ کلیه را شکسته و می‌ریزانم، و برای این کار داروسازان سنتی ایران دستور داده‌اند که شش مثقال دانه مرا با شش مثقال تخم شلغم در هفتاد و پنج مثقال آب بجوشانند و بگذارند تبخیر شده، فقط بیست و پنج مثقال آب بماند. سپس صاف کرده نصف آن را صبح ناشتا و نصف دیگر را شب نیم گرم کرده بنوشند. جوشانده دانه‌های من برای درمان بی‌اختیاری ادرار نیز نافع است، و آن را برای درمان نزله و سهولت زایمان نیز تجویز می‌نمایند. برگ و سرشاخه‌های گلدار مرا می‌توانید مانند چای دم کرده بنوشید، اشتها را زیاد و سسکه را بر طرف می‌کند و قلب را قوی می‌نماید. باز کننده ادرار و عادت ماهانه نیز می‌باشد. از جوشانده ۳۰ تا ۴۵ گرم دانه‌های من با شکر و دم کرده گل خطمی و کمی شوره برای معالجه نقرس تجویز می‌شود.

فرش زمردین



شعراى خوش ذوق ایرانی مرا فرش زمردین لقب داده‌اند، من نوعی ماش هندی هستم که بیشتر در شمال شرقی ایران مانند گرگان تا شمال غربی مانند

آذربایجان مخصوصاً در جنگلهای ارسباران به عمل می‌آیم و گیاه مروارید بیشتر به من گفته می‌شود. گیاه من دونوع ساقه دارد یکی زمین را فرش می‌کند و با سبزی زیبایی که دارد، منظره زیبایی را به وجود می‌آورد و هیچگونه گلی ندارد. ساقه دیگر من که بطور قائم می‌روید، دارای گل‌های بزرگ به رنگ لاجوردی است که در فاصله فروردین تا خرداد باز می‌شوند، و رنگ گل آنها از ارغوانی تا بنفش تغییر می‌کند و به همین جهت در روی گیاه من گل‌های رنگارنگ می‌بینید، دانه‌های من سفید و شبیه مروارید است.

دانه – برگ و سرشاخه‌های گلدار من دارای تمام خواص درمانی ماش‌هندی است و دم‌کرده برگ و سرشاخه‌های گلدار من را می‌توانید به جای چای مصرف نمایید.



من «قدقدك» هستم!

فارسی من "قدقدك" است، به من دغدغك، سنای بیابانی، سنای کاذب، قلوته، سنای مغربی، درگنده، دارگنده، کپسول، چپول هم می‌گویند: عده‌ای از محققین سنای فارسی را نوعی از من می‌دانند. من در اکثر کوهستانهای شمالی ایران، مخصوصاً شمال خراسان به فراوانی می‌رویم، گیاه من درختچه‌ای است به ارتفاع یک تا چهار متر و دارای یک ساقه زیرزمینی است که غده‌ای و گوشتدار است.

گل‌های من خوشه‌ای به رنگ سبز و گاهی زرد می‌باشد، مرا به علت زیبایی خاصی که دارم، در اکثر باغچه‌ها می‌کارند. زیبایی درختچه من پس از پیدا

شدن میوه به حد اعلی می‌رسد. در داخل پوسته نازک میوه من همیشه مقداری گازکربن، اکسیژن و ازت جمع می‌باشد. قسمت مورد استفاده من برگچه‌های من است که دارای اثر مسهلی است و غالباً آن را به جای سنا می‌فروشند. ماده عامله اسهال‌آور من هنوز بطور دقیق کشف نشده است. برگچه‌های من ملین و پیشاب‌آور نیز می‌باشند و خوردن آنها خون را تصفیه می‌کند. دانه‌های من قی‌آور و مسموم‌کننده است. برگچه‌های من مسهل خوبی هستند، و عوارض آنها کمتر از سنا می‌باشد. ولی به علت طعم بد و قی‌آوری که دارند، چندان مورد توجه نیستند، ولی در صنعت داروسازی از عصاره برگ من همراه با گرد شیرین بیان حبی درست می‌کنند که ملین و مسهل خوبی است، مشروط بر اینکه در هر حب ۱/۵ گرم عصاره وجود داشته باشد، مقدار خوراک این حب یک تا سه عدد قبل از شام است.



اسم من «گل شاه‌پسند» است!

دمکردهٔ گل‌های من درد کمر و سردرد را تسکین می‌دهد. اگر از دردهای عصبی رنج می‌برید، از من سود برید. با سنگ کلیه دشمنم و آن را به آسانی دفع می‌کنم. علاج قطعی درد معده هستم. برگ من ضد تشنج و تب‌براست. درد گلو و ورم مخاط دهان را نیز فرو می‌نشانم.

نوع زینتی من که در اکثر شهرهای ایران پرورش داده می‌شود، شاه‌پسند نامیده می‌شود. متجاوز از صد گونه هستم که بیشتر آنها در امریکا به عمل می‌آیند. نوع دارویی من از قدیم در ایران، خصوصاً "سواحل دریای مازندران، حاشیهٔ جنگل‌های شمال، بین رشت تا چالوس، بندرگز، آستارا، لاهیجان و نواحی البرز و اطراف تهران و همچنین در جنوب ایران، پرسپولیس، ملایر، اراک، تفرش، آشتیان، نهاوند، ازنا و شهبازان می‌روید. گیاه من پایا است، یعنی ریشهٔ آن همیشه در زمین می‌ماند و سال بعد سبز می‌شود، ساقه‌های من

چهارگوش و زاویه دار است، ارتفاع آن سی تا هشتاد سانتی متر است، جام گل من قیفی است و غالباً به صورت مجتمع خوشه‌ای می‌باشد. میوه من به اندازه نخود بوده، و تا رسیدن در جام گل باقی می‌ماند. زنبور عسل به نوش من علاقه زیاد دارد.

این روزها به نوع دارویی من که خودرومی باشد کلمه وحشی اضافه کرده‌اند ولی در قدیم به دانه‌های آن دیومشنگ و گاومشنگ می‌گفتند. عربی آن رعی الحمام است و در مصر به آن ساق الحمام می‌گویند. حمام به معنی کبوتر است و می‌گویند که کبوتر به دانه‌های من علاقه زیاد دارد، صاحب کتاب "تحفه" شاه‌پسند وحشی را "نارقیصر" می‌داند و با مشخصاتی که در کتب قدیم "به نارقیصر" نسبت داده‌اند مطابق بوده، و خواص طبیبی آنها کاملاً یکی می‌باشد. قسمت مورد استفاده نوع وحشی من برگ و همه اندامهای آن است. طعم آن کمی گس و تلخ بوده، و معطر می‌باشد. به علت داشتن تانن قابض بوده، مقوی، ضد تشنج و تب‌بر است. عصاره آبی آن اثر قاطع در روی دردهای عصبی دارد. غرغره جوشانده آن برای درد گلو و ورم مخاط دهان تجویز می‌شود، به صورت کمپرس برای معالجه اولسرها و ضرب خوردگیها و بریدگیها توصیه شده است. برگهای مرا در سرکه بجوشانید و بعد در محل‌های دردناک ضماد نمایید، دمکرده سی تا ۴ گرم برگ مرا به مقدار سه فنجان در روز صبح، عصر و شب می‌توان نوشید. به خانمها و دخترهای جوانی که مبتلا به چاقی موضعی هستند، و چربی در عضلات آنها مخصوصاً در ران و باسن آنها جمع شده است، (سلولیت) توصیه کنید که روزی سه فنجان از دمکرده برگ من بنوشند. از دمکرده گل‌های من نیز می‌توان استفاده کرد و برای این کار باید غنچه‌های ناشکفته آن را در تیرماه چید - دمکرده آن درد کمر و سردرد را تسکین می‌دهد و برای کبد و درد آن مفید است، زایمان را آسان و سنگ‌کلیه را از بین می‌برد. برای برنشیت، اسهال، درد معده، میگرن، دردهای عصبی، درد سینه و رماتیسم می‌توان آن را تجویز کرد.

رجل الحمامه

بعضی از مترجمین ساق الحمام و رجل الحمام را که هر دو به معنی پای کبوتر است، با هم یکی دانسته و رجل الحمامه را شاه‌پسند دانسته‌اند، در صورتی که این یک اشتباه است، و رجل الحمامه گیاه دیگری است که فارسی آن "هوچوبه" و "ابوخلست" که خود را به موقع در کتاب زبان خوراکیها معرفی خواهد نمود.

شاه‌پسند معطر

فارسی من "به‌لیموست" به من شاه‌پسند معطر هم می‌گویند. عربی من لویزه می‌باشد، مرا به علت زیبایی و عطر خوشی که دارم، در ایران پرورش داده‌اند. اگر روی برگهای من دست بکشید، بوی دلپذیری شبیه اسانس لیمو از آن متصاعد می‌شود، و به همین جهت از برگ من عطری می‌گیرند که شباهت زیادی به اسانس لیمو داشته، و در تجارت به اسانس لوژیر معروف است. برگ و سرشاخه‌های گیاه من در حالت تازه عطر بیشتری دارند، طعم برگهای من تند و کمی تلخ است. برگ و سرشاخه‌های درختچه من مقوی معده، ضد تشنج و درمان دردهای عصبی است. تب را پایین می‌آورد، و مقوی قلب است. برای رفع سوءهاضمه، نفخ معده، تپش قلب، سردردهای یکطرفه، سرگیجه و رفع خستگی مفید است. دم‌کرده ده تا بیست گرم برگ من در یک لیتر آب، برای مبتلایان به امراض فوق و همچنین کسانی که در گوش خود احساس سر و صدای مبهم می‌نمایند سودمند می‌باشد، و بهتر است این دم‌کرده را همراه با غذامیل نمایند.

لیمودارو

در چمنزارها و ماسه‌زارهای جنوب و شمال ایران نوعی به‌لیمو به عمل می‌آید که در بندر پهلوی و دشتهای مرطوب گیلان فراوان است و به آن لیمودارو می‌گویند. ولی داروسازان سنتی ایران گیاه دیگری را که فارسی آن وشیک و معرب آن وشیح است لیمودارو دانسته‌اند که هر دو از یک خانواده می‌باشند. با این فرق که لیمودارو در ماسه‌های کنار دریا و وشیک از میان سنگهای مناطق مرطوب

بیرون می‌آید. چوب و شیک فوق‌العاده سخت است، و با آن سرنیزه و پیکان می‌سازند. برگ آن شبیه برگ گشنیز بوده و بوی عطرلیمو می‌دهد، لیمودارو نیز گیاهی علفی است و خزنده می‌باشد، و گل‌هایی صورتی دارد. خوردن نیم مثقال کوبیدهٔ بیخ آنها با تخم مرغ نیمرو شده، جهت کوبیدگی اعضا و رفع آثار ضربه مفید است و پماد آن نیز به همین منظور نافع می‌باشد. نشستن در جوشاندهٔ آن جهت سیلان رحم و نواصیر مفید است. دم‌کردهٔ ده تاب‌بست گرم برگ آن در یک لیتر، نوشابه‌ای مطبوع بوده، و خواص به‌لیمو را دارد. به هضم غذا کمک می‌کند، محرک معده بوده و دردهای عصبی را تسکین می‌دهد، و به این منظور بهتر آن است که همیشه آن را مانند چای دم‌کرده و همراه یا بعد از غذا نوشید تا خستگی‌های روحی را برطرف نماید.

تیمر

در بلوچستان به من تیمر، در بنادر جنوب ایران و سواحل دریای عمان به من حرا، و در بعضی از نقاط جنوب ایران تول می‌گویند. عربی من شورا و قرام است. من درختچه‌ای هستم از خانوادهٔ شاه‌پسند که در هند و افریقای مرکزی، عربستان و جنوب ایران به عمل می‌آیم. برگ درخت من بیضی کامل است که سطح فوقانی آن سبز و سطح زیرین آن سفید است، و میوهٔ من هم بیضی شکل می‌باشد.

قسمت مورد استفادهٔ من پوست درخت من است که دارای هفده درصد تانن، یازده درصد مواد نشاسته‌ای، کمی چربی و یک ماده صمغی است، بعلاوه دارای کمی مواد قندی و یک مادهٔ رنگی است که در برابر قلیائیات قرمز و در برابر ترش‌یها رسوب می‌کند، و نیز دارای چندین عامل دارویی هستم که میکرب‌جدام را از بین می‌برند. از پوست درخت من یک مادهٔ رنگی به نام "لاپاکول" به دست می‌آید. خوردن مقدار کمی از پوست درخت من، ادرار را زیاد می‌کند. با این حسن که هیچگونه ضرری به قلب نمی‌رساند، از پوست درخت من نباید زیاد خورد، زیرا تولید قی و سرگیجه می‌نماید، من بهترین داروی ضد جدام

هستم وچنانچه بیماری تازه بوده، ومزمن نشده باشد، آن را درمان می‌نمایم.
در داروسازی جدید نیز اثر پوست درخت من در کشتن باسیل هانس
(جدام) ثابت شده است.



اسم من «فلوس» است!

فشار خون را کم می‌کند. گل من، لیت دهنده خوبی است. جوشانده ام برفک دهان کودکان را از بین می‌برد. ضماد شهد من درد مفاصل و نقرس را درمان می‌کند. واگر از درد گلو ناراحتید، از من استفاده کنید...

فارسی من سابقاً "خیارچنبر" بود که اعراب به آن خیارشبر می‌گفتند. ولی از موقعی که خیار زرد را خیارچنبر نامگذاری کردند، مرا فلوس نامیدند. در بلوچستان به من چونتور- چیمکانی و چمکانی می‌گویند. عربی من "خرنوب - هندی" است. در کتب مختلف به من اسامی خیارشنبه، کریال، کرداله، املتاس، سیال و لاتهی داده‌اند.

درخت من در بلوچستان ۱۰ تا ۱۵ متر بلندی پیدا می‌کند، و خودرو می‌باشد. گل‌های درخت من زرد و خوشه‌ای است. میوه من نیامی است که وسط آن به وسیله پره‌های نازک چوبی به چند حجره تقسیم شده، و در هر حجره

یک دانه و در وسط شهد غلیظی وجود دارد. قسمت مورد استفاده من شهد میوه ناشکفته من است. طول میوه من گاهی به شصت سانتی متر می‌رسد. پوست آن سخت، خاردار و به رنگ تیره است. شهد من شیرین ولی نامطبوع است، دارای مواد قندی صمغی و لعابی است، شهد میوه من ملین سینه و معده است. فشارخون را کم می‌کند، مضمضه آب جوشانده آن، جوشهای دهان را از بین می‌برد، و برفک اطفال را پاک می‌نماید. مسهل خوبی برای پیران، اطفال و زنان باردار است. و خوردن آن هیچگونه عوارض و زیان ندارد. غرغره با آب گشنیز تازه، و شیره من برای گلودرد نافع می‌باشد. ضماد شهد من درد مفاصل و نقرس را از بین می‌برند، و ورمهای سخت را نرم می‌کند. گل من نیز ملین است. مخصوصاً اگر با آن مانند گل‌درد نافع می‌باشد. ضمد شهد من درد مفاصل و نقرس را از بین می‌برند، و ورمهای سخت را نرم می‌کند. گل من نیز ملین است. مخصوصاً اگر با آن مانند گل‌درد نافع می‌باشد. ضمد شهد من درد مفاصل و نقرس را از بین می‌برند، و ورمهای سخت را نرم می‌کند. گل من نیز ملین است.

مقدار خوراک مغز میوه من سی تا شصت گرم به عنوان مسهل و چهار تا هشت گرم به عنوان ملین است. مقدار خوراک آن برای اطفال سه گرم بر حسب، هر سال از عمر آنها است. مغز میوه من به عنوان مسهل تولید ناراحتی نمی‌نماید و بسیار خنک می‌باشد.

لرگ

فارسی من "لرگ" است. به من لارگا و لارگی می‌گویند. در رودبار به درخت من کوچی و کوچ- در آستارا موتالی و در سیاهگل کوهول می‌گویند. درخت من در تمام جنگلهای شمال ایران بطور خودرو می‌روید، و به آن لرخ و دله کوچی می‌گویند. در باغها و پارکها هم مرا به عنوان درخت زینتی می‌کارند. در جنگلهای مازندران گیلان قامت درخت من به بیست متر می‌رسد. درخت من از خانواده گردو است، و صاحب کتاب مخزن الادویه به علت شباهت زیادی که درخت من با خرنوبستانی دارد آن را یکی دانسته است، و این اشتباه است. خرنوبستانی از خانواده پروانه و من از خانواده گردو می‌باشم. ولی به هم شباهت زیادی داریم.

برگ درختان من مانند برگ درخت گردو سمی است، و ماهی کوچک را می‌کشد و به همین جهت ماهیگیران در شمال از آن برای صید ماهی استفاده می‌کنند. بایستی این کار را قدغن کرده، و از آن جلوگیری نمایند. خوردن این ماهیها برای مبتلایان به سرطان مفید می‌باشد. به شرطی که مسمومیت زیاد نباشد، من از آن جهت وارد زبان خوراکیها شده‌ام که به شما بگویم من منافع بسیار دارم، ولی بدون تجویز پزشک نباید از من استفاده کرد. له شده برگهای درخت من کچلی و امراض جلدی را از بین می‌برد، و تومورهای سرطانی را کوچک کرده و از پیشرفت سرطان مخصوصاً "سرطان حنجره جلوگیری می‌کند. پزشکان و داروسازان نباید از منافع سرشار من در معالجه سرطان غافل شوند. جوشانده برگهای من از رشد سلولهای سرطانی جلوگیری می‌نماید. عصاره برگ من اثر معجزه آسا در جلوگیری از رشد تومورهای سرطانی دارد. خوردن مقدار کمی از آن کرمهای گرد روده را می‌کشد. به مؤسسات علمی که در راه معالجه سرطان مطالعه و تحقیق می‌کنند، بگویید که هر چه زودتر دست به کار شده و با طرق علمی از برگ و میوه من بهره‌برداری نمایند. هر وقت از داروهای دیگر جهت امراض قارچی پوست استفاده نکردید، به سراغ من بیایید، من شما را درمان خواهم نمود.

مبتلایان به سرطان با تجویز پزشک معالج خود می‌توانند از جوشانده برگ و میوه‌های من همراه با داروهای قابض استفاده کرده، و زخمهای سرطانی را با جوشانده برگهای من ضد عفونی نمایند. دم کرده برگ من درمان مرض قند است.



من « کرچک » هستم!

فارسی من بیدانجیر می باشد، و در شیراز به من کنتو گویند، ولی در همه شهرهای ایران به نام ترکی کرچک معروف می باشد. عربی من خروع است. گیاه من پایا است. یعنی ریشه آن سالها در زمین می ماند و همه ساله از آن ساقه های تازه می روید. و پس از گل کردن و دانه دادن، خشک شده و از بین می رود و سال بعد مجدداً از آن ریشه ساقه های نو بیرون می آید، در جنوب ایران نوعی از من به صورت درختچه است که چهار متر طول دارد، برگهای من بزرگ و شبیه برگ انجیر است. گلهای گیاه من خوشه ای بوده، و در ماههای مرداد تا شهریور ظاهر می شوند، و به صورت نر و ماده می باشند.

میوه من به صورت کپسولی خاردار است که معمولاً دارای سه دانه روغنی است. در این دانه‌ها مقدار روغن تا شصت درصد هم می‌رسد. دانه‌های من علاوه بر روغن دارای مواد معدنی و سفیده‌ای و چند عامل دارویی است. برگ و دانه‌های من ملین و محلل اورام است، و خاصیت لینت دانه‌های من بیشتر از برگ است چون دو عدد مغز و دانه مرا ساییده و با آب عسل بنوشند، مسهل خوبی برای بلغم است و اشتها را از بین می‌برد. مقدار خوراک دانه‌های من از پنج تا ده عدد است. ولی برای اطفال خوب نیست و گاهی تولید مسمومیت شدید و خطرناک می‌کند، به طوری که مصرف ۳ تا ۴ دانه در اطفال و ۱۵ دانه در اشخاص بزرگ موجب مرگ می‌شود. ضمد دانه‌های من جهت زگیل و کک و مک و نرم کردن ورم‌های سخت و تسکین ورم مفاصل و نقرس، و با سرکه جهت ورم پستان و اواخر بادسرخ تجویز می‌شوند. برگ من ضعیف‌تر از دانه‌های من است، ولی قدرت پادزهری آن بیشتر است. برای رفع مسمومیت تریاک، خوردن عصاره برگ من بطور مکرر و قی کردن توصیه شده است. ضمد دانه‌های من با آرد جو جهت ورم‌های گرم چشم و ورم زیر گلو و سایر اعضا نافع است. مالیدن آن به بناگوش برای رفع گوش درد سودمند می‌باشد. و با کف دریا (ذبدالبحر) جهت گری و با آب تره جهت بواسیر چه بخورند و چه بمالند مفید می‌باشد. داروسازان سنتی ایران جهت معالجه بواسیر چنین دستور داده‌اند که مقداری دانه‌های کرچک را در ظرف مسین ریخته روی آتش گذاشته و روی آن را با یک ظرف مسین بپوشانند و بگذارند تا خوب گرم شده، روغن بیاندازد و برای هر مثقال آن ۱/۵ گرم کافور خالص در آن ریخته و باز سر آن را بپوشانند تا گذاخته شود، بعد از روی آتش برداشته، بگذارند سرد شود و بعد از طهارت پس از قضای حاجت، موضع را خوب شسته و خشک کرده و این روغن را نیم گرم کرده بمالند تا بواسیر از بین برود. مالیدن این روغن جهت پوسته شدن پوست بدن و جوشهای عصبی و کک و مک نیز مفید می‌باشد.

از دانه‌های پوست کنده من روغنی به دست می‌آید که به روغن کرچک معروف است، و در داروخانه‌ها فروخته می‌شود. برای مصارف دارویی، روغن فشار اول به کار می‌رود، و روغن‌های فشار دوم و سولفور جهت کارهای صنعتی

است.

روغن فشاراول را برای مصرف بیماران بهتر آن است که با زغال حیوانی صاف و زلال نمایند و بعد آن را به قطر هفت تا هشت سانتی متر در برابر خورشید قرار دهند تا به کلی بی‌رنگ شود. اگر بخواهند آن را بدون بو نمایند کافی است که بخار آب را مدتی در داخل روغن نموده و جریان دهند تا بوی آن به کلی از بین برود، روغن کرچک ملین و مسهل خوبی است، در معده و روده‌ها ایجاد تحرک نمی‌کند و به همین جهت است که بهترین مسهل برای زنان باردار می‌باشد. . . و این روزها برای عکسبرداری از معده بهترین مسهلی که قبلاً می‌دهند روغن کرچک می‌باشد و یگانه عیب آن بوی بد و طعم ناگوار آن است. برای رفع این عیب معمولاً آن را با زرده تخم مرغ و آب به هم زده و مخلوط نیم محلولی درست می‌کنند.

مالیدن روغن کرچک به سر، شوره را از بین می‌برد و مو را تقویت می‌کند. مقدار خوراک روغن کرچک به عنوان ملین دوتا ده گرم و به عنوان مسهل ده تا شصت گرم و برای اطفال دو گرم ضرب در عمر آنهاست. و همین مقدار را با یک زرده تخم مرغ مخلوط کرده تنقیه می‌نمایند.



اسم من «برنج» است!

از ترکیبات فسفری فراوان دارم . مواد نشاسته‌ای و قندی را در من جستجو کنید . اگر گرد مرا به دماغ بکشید ، از خونریزی آن جلوگیری می‌کنم . در صورتی که مرا با آب خربزه مخلوط کرده باشید از بین برنده ککومک هستم ، بو داده مرا برای رفع دل‌پیچه و زخم روده به‌کار برید . . .

فارسی من برنج است ، در ترکستان به من گرنج گویند . عربی من ثمن است ، ولی بیشتر ارز به ضم الف گویند که معرب از کلمه‌ای یونانی است . من گیاهی از دسته غلات می‌باشم که بعد از گندم قوت غالب نیمی از مردم جهان را تشکیل می‌دهم . من در باتلاقها کاشته می‌شوم ، و بایستی ساقه من در آب باشد تا رشد نماید . مشروط بر اینکه سرساقه من از آب بیرون باشد و چنانچه در اثر سیلاب ساقه من در آب فرو رود و چند روز زیر آب باشد ، پوسیده و فاسد خواهم شد . زادگاه اولیه من چین و ژاپن است و در ایران در اکثر نقاطی که دارای رودخانه است مثل استانهای گیلان ، مازندران ، گرگان ، خوزستان ،

فارس، کرمانشاهان، خراسان، اصفهان، کرمان، قزوین، لرستان، آذربایجان و کردستان مرا می‌کارند. ساقه گیاه من که به آن ماشوره می‌گویند، بندبند است. میوه گیاه من تا زمانی که آن را از پوست درنیاورده‌اند به نامهای شلتوک، چلتوک و شالی نامیده می‌شود، ولی پس از آنکه پوست آن را در اثر کوبیدن بگیرند به نام برنج می‌نامند.

من انواع واقسام دارم، ولی انواع اصلی من که درخاوردور کاشته می‌شود، با انواع پرورش یافته که در ایران به عمل می‌آیند، فرق اساسی و کلی دارد. انواع اصلی من دارای لعاب فراوان بوده، لزج است. خوردن پوست کنده آن نفاخ، ثقیل و دیرهضم می‌باشد، و چنانچه به تنهایی خورده شود، تولید بیماری مخصوصی به نام بری‌بری می‌نماید. ولی انواع پرورش یافته من که در ایران و بعضی از شهرهای هند کاشته می‌شود، لعاب کم‌تر داشته، زودهضم می‌باشد، و تولید بری‌بری نمی‌نماید. مخصوصاً اگر آن را قبلاً در آب نمک خیس کرده، و پس از چند بار شستشویخته و در آبکش صاف کرده، و بعد از شستن دم نمایند، به این نوع خوراک در فارسی چلو آبکش شده و چنانچه با سبزی و حبوبات باشد پلو گویند.

بیماری بری‌بری

"بری‌بری" یک بیماری قدیمی است، بطوری که در یک کتاب چینی که در پنجاه سال پیش نوشته شده، به آن اشاره گردیده. این بیماری که به صورت فلج عضلانی در اختلالات عصبی ظاهر می‌شود، یک مرض بومی درخاور دور می‌باشد که در سالهای گذشته گاهگاهی به صورت همه‌گیر شایع شده، و تعداد زیادی را از بین برده است. این بیماری نتیجه خوردن برنج سفید کرده می‌باشد. مطالعه در اطراف آن منجر به کشف ویتامین‌هایی گردید و معلوم شد که در پوسته خارجی چلتوک یک ماده غذایی وجود دارد که فقدان آن علت اصلی این بیماری است و دانشمندان توانستند آن را از پوست برنج استخراج کرده و به نام ویتامین "ب_۱" نامگذاری نمایند. این بیماری با اینکه نتیجه خوردن برنج سفید کرده است معذک هرگز به صورت کامل و به صورت یک

مرض بومی در ایران حتی در سواحل بحر خزر دیده نشده است، و آن چند علت دارد:

۱- پزشکان و داروسازان سنتی ایران بیماری "بریبری" را مزوره می-گفتند، و عقیده داشته که این مرض در نتیجه خوردن برنجهای لعابدار که در خاور دور به عمل می-آید می-باشد، و برنجهای ایران دهند فاقد این مضرات می-باشند.

۲- یکی دیگر از دلایل عدم وجود بیماری "بریبری" در اطراف دریای مازندران نفوذ مذهب اسلام می-باشد. زیرا خوردن مشروبات الکلی "ویتامین ب" موجود در بدن را از بین برده، و باعث تشدید این بیماری می-شود و چون دهقانان به علت آنکه مشروب در اسلام حرام است، از خوردن آن امتناع می-نمایند، دچار کمبود این ویتامین نشده، و تندرست می-مانند.

۳- علت سومی که می-توانیم برای عدم ابتلای به این بیماری بیان کنیم، این است که در سواحل بحر خزر سبزی فراوان است و ساکنان آنجا به خوردن سبزی علاقه زیاد دارند، و نیز می-توان گفت که آنها هرگز کته را خالی نمی-خورند و غالباً با ماست یا پنیر تناول می-نمایند که در آنها نیز ویتامین "ب۱" زیاد وجود دارد.

سوپ چلتوک

با اینکه بیماری "بریبری" در ایران به صورت یک بیماری بومی دیده نمی-شود، معذک می-توان گفت که ایرانیان به طور کلی از عوارض کمبود ویتامینهای "ب" مصونیت ندارند و عوارضی در همه ماها که با برنج تغذیه می-نماییم دیده می-شود که عامل اصلی آن خوردن برنج سفید شده است و روی این اصل در کتاب اعجاز خوراکیها به خوانندگان توصیه شده است که گاهگاهی سوپی از پوست برنج ترتیب داده و با غذامیل نمایند. این سوپ بیش از آنچه متصور بود مفید واقع شد، بطوری که عده‌ای آن را اکسیر جوانی و آب حیات لقب دادند، و از خوردن آن در خود احساس وجد و شغف فوق العاده کرده، جوانی از دست رفته را به دست آوردند. شما نیز می-توانید از این غذای

سلامتبخش استفاده کنید.

کته و چلو

غالباً از ما می‌پرسند که کته مفیدتر است یا چلو. . . در جواب باید بگوییم که داروسازان سنتی ایران خوردن برنجهای لعابدار را به صورت کته جایز ندانسته، و عقیده داشتند که باید آنها را خیس کرد و بعد از شستشو جوشاند و چندین بار آبکش نموده تا بکلی لعاب آنها گرفته شود، ولسی در برنجهای ایرانی این علت وجود ندارد، و می‌توان آن را به صورت کته هم خورد. بعقیده پزشکان سنتی ایران طبیعت برنج صاف کرده سرد، و برنج صاف نکرده کمی گرم است. کسانی که مزاج سرد دارند باید کته بخورند و کسانی که مزاجشان گرم است، بایستی برنج را به صورت چلو مصرف نمایند.

برخلاف فرنگیها و فرنگی مآبها، برنج غذای خوب و مفیدی است و اروپاییان که برنج را تکذیب کرده اند مقصودشان همان برنجهای سفید لعابدار است، نه برنجهای قرمز و پرورش یافته ایرانی. برنجهای ایرانی مخصوصاً اگر با روشهای سنتی تهیه شوند، هیچگونه عیب و ضرری در آنها نیست، و یگانه زیان آنها چاق کردن است، به همین جهت که ما همواره توصیه می‌نماییم کسانی که استعداد چاق شدن دارند، نباید در خوردن آن افراط نمایند. اکنون اجازه فرمایید دانه‌های برنج خود را معرفی نمایند:

دانه‌های ما دارای ۱۲ تا ۱۴ درصد آب، ۸۵ درصد مواد نشاسته‌ای و قندی، ۵ تا ۹ درصد مواد سفیده‌ای، کمی مواد چربی و کمی ترکیبات فسفردار دارند. جوشانده ۳۰ تا ۴۰ در هزار دانه‌های برنج برای معالجه اسهال توصیه می‌شود. بهترین غذا برای مبتلایان به اسهال، کته با ماست و کته با سماق است. ضمد آرد من جهت رفع التهابات پوستی و پودر کوبیده آن جهت بر طرف کردن قرمزی اطراف دستگاه تناسلی اطفال که در اثر تماس با پیشاب قرمز شده باشد، به کار می‌رود. آرد برنج جهت تغذیه اطفال مخصوصاً به صورت حریره غذای بسیار مفیدی می‌باشد.

شیربرنج: یکی از غذاهای سنتی ایران شیربرنج است که معمولاً آن را با

شکر یا شیر می‌خورند. این غذا نیز چاق کننده و مقوی قوای تناسلی است، و خوردن سرد آن مسکن تشنگی و مسکن اسهال صفاوی بوده، بهترین غذا برای مبتلایان به اسهال خونی، دل‌پیچه و زخم روده می‌باشد، و برای رفع احتناق رحم و امراض گرده و مثانه نافع است و خوردن آن رنگ رخساره را باز و نیکو می‌نماید و برای مسلولین غذای بسیار نافع و مفیدی می‌باشد. مخصوصاً اگر آن را با شیرالاغ‌پخته باشند. تهیه شیربرنج با برنج‌های لعابدار خوب نیست و غذا شناسان آن را منع کرده‌اند، تنقیه آب خیسانده برنج، جهت رفع دل‌پیچه و زخم روده توصیه شده است. بوداده برنج جهت رفع اسهال و دوالی (واریس)، دل‌پیچه و زخم معده نتایج نیکو دارد و برای این کار اگر برنج را بطوری بدهند که رنگ آن سرخ و تیره و سیاه نشود و نسوزد، و بعد ده تا پانزده مثقال آن را صاف کرده ناشتا بیاشامند، جهت امراض مذکور و رفع کرم معده و بند آوردن قی سودمند می‌باشد. نوشیدن آب خیسانده برنج بدون نمک مسکن عطش زیاد است، اگر آب خیسانده مرا با هم وزن آن شیر مخلوط کرده، ده روز متوالی بنوشند، برای تقویت قوای شهوانی نافع می‌باشد. بالا کشیدن گردبرنج دربینی خون دماغ را بند می‌آورد، شستشوی با آب خیسانده من سوراخهای پوست بدن را باز می‌کند. مالیدن آن با آب خربزه جهت رفع ککومک و آثار جلدی مفید است. ضماد آرد من با پیه بزجهت باز شدن دهانه دمل و پاشیدن آن جهت جراحات تازه مفید است. و چون جواهر مخصوصاً مروارید با آب جوشانده برنج یا بهتر با آب شلتوک برنج بشویند، چرک آن را زائل کرده، و به آن جلا می‌دهد و همچنین اگر آرد بسیار نرم مرا به آن بسایند و بعد خشک کرده بشویند، و چند مرتبه تکرار نمایند، بسیار صاف و با جلا می‌شود.



اسم من «کتان» است!

فارسی من کتان است. در بلوچستان به زبان محلی به من "آلسی" گویند. عربی من فارق و ملسج است، ولی اعراب بیشتر به من کتان با تشدید تا می گویند، از الیاف من مانند الیاف کنف پارچه‌ای می‌بافند که به پارچه‌ای کتانی معروف است، و بهترین پوشاک تابستانی است، زیرا به تن نمی‌چسبد و رطوبت و عرق بدن را جذب می‌کند. مخصوصاً نو و نشسته آن. پوشیدن لباس کتانی برای لاغر شدن و همچنین درمان امراض جلدی سودمند می‌باشد. بخور الیاف گیاه من دماغ را باز می‌کند و برای زکام مفید است. پاشیدن گرد سوخته آن خون و چرک جراحات را جمع می‌کند، مخصوصاً اگر جوف زخم را

از پارچه کتانی پرنمایند. برای زخم‌بندی پارچه‌های کتانی بهتر از پارچه‌های پنبه‌ای و پشمی است، و به همین جهت توصیه می‌شود که باند و گاز با آن تهیه نمایند.

برگ من به صورت سر نیزه و گل‌های من خوشه‌ای به رنگ‌های زرد، آبی و سفید است، گل من صبح زود باز می‌شود و بعد از ظهر بسته می‌شود، بوییدن گل من مفرح و مقوی قلب می‌باشد.

من انواع و اقسام زیاد دارم، کتان معمولی گلش سفید و کتان زینتی گلش قرمزا است، من در اکثر نقاط ایران کشت می‌شوم، و زادگاه اولیه من قفقاز و کناره‌های بحر خزر می‌باشد.

تخم کتان

من دانه میوه گیاه کتان هستم، به من بزرگ و بزرگ هم می‌گویند. خوردن من با عسل جهت سرفه و یک مثقال آن به تنهایی یا با ادویه مناسب جهت پاک کردن سینه و نفخ و تحلیل ورم‌های داخلی توصیه شده است. بوداده من قابض بوده، جهت بند آوردن خونریزی سینه و سرفه خونی نافع است. خوردن مرتب دانه‌های من هر روز نیم مثقال جهت تسکین درد روده، زیاد شدن ادرار، عرق و حیض و نرم کردن مزاج و زخم کلیه سودمند می‌باشد. چون یک مثقال مرا در آب جوشانده و لعاب آن را با تخم آن بنوشند برای ریزاندن سنگ کلیه مجرب می‌باشد و با عسل جهت ورم اسپرز و با کمی فلفل و عسل جهت تحریک شهوت مایوسان امتحان خوبی داده است. تنقیه جوشانده من جهت اخراج فضولات و چسبندگی روده نافع می‌باشد، نشستن در جوشانده دانه‌های من و دود آن مصلح حال رحم می‌باشد، ضماد دانه‌های من جهت ورم‌ها و زخم‌های سخت و با انجیر جهت کک‌ومک و با عسل جهت ترک ناخن و با بوره و خاکستر جهت زگیل و با روغن کنجد جهت زخم‌های جلدی مفید می‌باشد. پاشیدن سوخته دانه‌های من جهت بهبود جراحات و تسکین درد سودمند می‌باشد. جوشانده غلیظ من جهت قولنج انسانی و حیوانی هر دو تجویز شده است. دانه‌های من بهترین دانه برای پرندگان خوش‌الحان مخصوصاً قناری است،

ولعاب فراوان دانه‌های من خلط آور بوده و برای نرم کردن سینه و درمان سرفه مفید است، و آواز را صاف می‌نماید.

مقدار خوراک دانه‌های من به صورت دم‌کرده ۲۰ در هزار دو فنجان در روز است. خیسانده یک قاشق دانه‌های من را در نصف لیوان آب سرد، با کمی قند صبح ناشتا می‌توان نوشید، بزای درمان ورم روده می‌توان ۱۵ گرم دانه مرا همراه با هشت گرم گرد شیرین بیان در نیم لیتر آب جوش دم‌کرده، پس از صاف کردن با کمی عسل نوشید.

بذر من به علت دارا بودن فسفر غذای خوبی برای اطفال و پرندگان است، همچنین می‌توان جوشانده پنجاه در هزار آن را تنقیه کرد. آرد دانه‌های مرا می‌توان به صورت خمیر در آورده و پس از گرم کردن آن را در روی پارچه‌ای گذاشت و روی پوست قرارداد تا التهاب آن از بین برود، ضماد من ضد عفونی کننده پوستی است. ضماد من با آب سرد جهت صداع و جوشهای جلدی و التهابات پوستی نافع است و با اسفرزه جهت تسکین درد مفاصل و سیاتیک و نقرس تجویز می‌شود. گرد دانه‌های مرا باید تازه به کار برد. زیرا زود فاسد می‌شود.

کتان مسهلی

فارسی من کتان مسهلی است، اعراب به من کتان المسهل گویند. من در اطراف تهران، ارتفاعات البرز، شمال لوشان، ارتفاعات دماوند، شهرستانک، توچال، پلور، پس قلعه، دربند، کوه‌های خشک بروجرد، کوه‌های لرستان و ارتفاعات الوند بطور خود روبرو عمل می‌آیم، واکثراً مرا در قسمت سایه جنگلها، کنار رودخانه‌ها و پای دیوارها می‌توان یافت. گل‌های من کوچک سفید رنگ، کمی خمیده یا آویخته می‌باشند. کلیه قسمت‌های گیاه من مسهل، ملین و پیشاب آور است، و برای درمان استسقا تجویز می‌شود. قسمت‌های مختلف گیاه من دارای یک ماده تلخ، یک رزین و یک ماده رنگی زرد است. از برگ تازه من چهار تا هشت گرم به عنوان مسهل می‌توان استفاده کرد. مقدار خوراک برگ خشک من چهار گرم است، از دم‌کرده ۱۵ در هزار برگ من می‌توان یک فنجان نوشید.

روغن بزرک

به روغن دانه‌های من روغن بزرک می‌گویند. روغن من زود خشک می‌شود، و با آن روغن جلا می‌سازند که در نقاشی زیاد مصرف دارد، برای تهیه روغن اسکاتیف که معنی روغن خشک شونده است، روغن بزرک را آنقدر حرارت می‌دهند که آتش بگیرد و بعد آن را خاموش می‌نمایند. روغن باقیمانده روغن اسکاتیف است، از روغن بزرک می‌توان برای نرم کردن شکم از راه تنقیه استفاده کرد. از بعضی نژادهای تخم‌کتان تا ۴۶ درصد روغن به دست می‌آید.

برای نرم کردن سینه و شکم می‌توان دانه‌کتان را نجویده با کمی آب بلعید، و یا در آب خیس‌کرد و لعاب آن را نوشید، روغن بزرک مانند روغن‌های گردو، تخم‌توتون و روغن دانه‌های انگور دارای خواص ویتامین (اف) می‌باشد و به همین جهت است که برای رفع التهابات جلدی مؤثر می‌باشد و برای درمان اگزما و جرب مفید است و به همین علت است که می‌توان آن را برای معالجه مرض قند و رفع یبوست به کار برد.

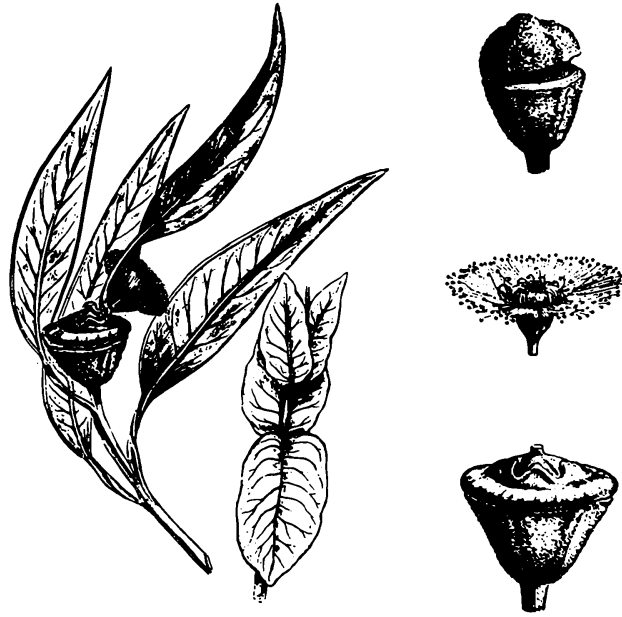


من «خرمالو» هستم!

فارسی من خرمالو است، در گرگان به انواع من "آندوخرما" در مازندران "انجیرخرما" در طوالش، "آمبرو"، در آستارا "اربه"، در رامسر خرمندی و خروندی می‌گویند. در نور و کجور و آمل به درخت نر من کلهو و کهلو و به درخت ماده من فرمنی و فرمونی نامگذاری کرده‌اند.

درخت من در جنگلهای شمال و جنوب ایران می‌روید، و در تهران و شهرهای دیگر مرا پرورش داده‌اند، پرورش یافته من بدون هسته می‌باشد، میوه من قرمز رنگ، خوش طعم دارای مواد صمغی و مازوتی است. میوه من موقعی که کال است، به علت داشتن مواد مازویی گس می‌باشد، ولی پس از رسیدن تانن آن تبدیل

به چندین نوع قند می شود و طعم آن گوارا می گردد، تا کنون در حدود دویست نوع از من دیده شده است. میوه من شبیه گوجه فرنگی و دارای پوست نازک است، من سرشار از ویتامینهای آ، ب و ث هستم، میوه من سینه را نرم می کند، ولی آن را موقعی باید خورد که کاملاً روی درخت رسیده باشد، میوه های کال من که خارج از درخت می رسند، منافع کمتری دارند. برای درمان اسهال خونی سیصد تا پانصد گرم میوه رسیده را صبح ناشتا میل نمایید، دانه میوه من که کوبیده و به صورت گرد درآمده باشد، سنگ کلیه و مثانه را می ریزاند، بدون آنکه به عمل جراحی احتیاج شود. در صنعت قنادی با میوه من انواع شیرینی و مارمالاد درست می کنند. مربا و کمپوت من نیز خوشمزه و مفید است.



اسم من «اوکالیپتوس» است!

برگهای من خاصیت ضد عفونی دارد . جوشانده برگم ضد تب ولرز است .
 برای رفع برنشیت از من سود برید . جویدن برگهایم لته را محکم می کند .
 اگر مسلولین از جوشانده برگ من استفاده کنند ، نتایج مفید در دفع اخلاط
 می گیرند . . .

زادگاه اولیۀ من جنگلهای طبیعی استرالیا می باشد ، به همین جهت در
 ایران و سایر کشورهای جهان من را به همان نام اصلی یعنی "اوکالیپتوس"
 می نامند . ارتفاع درخت من در زادگاه اولیه تا ۱۵۰ متر و قطر درخت من تا
 ۲۵ متر دیده شده ، ولی در خارج از استرالیا طول من تا کتون از چهل متر
 تجاوز نکرده است . اعراب مرا "شجرة الکافور" نامیده اند و این اشتباه است ،
 زیرا داروسازان سنتی ایران این لقب را قبلا به اقحوان یعنی بابونه گاوچشم
 داده اند و من انواع و اقسام دارم که دو نوع آن در ایران کاشته شده است ،
 یکی اوکالیپتوس با برگ گرد و گوشتی ، و یکی هم اوکالیپتوس معمولی که نوع

اول خواص طبی بیشتری دارد، در بلوچستان مخصوصاً در باغ کشاورزی زابل کاشته شده، و نوع دوم که اکالیپتوس معمولی است در چندین سال پیش در مازندران کاشته شده است. ریشه آن آب زمین را جذب می کند و به همین جهت برای خشک کردن باتلاقها آن را می کارند. در تهران نیز این نوع زود رشد می کند، ولی چون ریشه های آن حوضها و باغچه ها و کف حیاط را از بین برده و خراب می کند، کشت آن کم شده است. چوب درخت من سخت و با دوام بوده و هرگز نمی پوسد، برگهای تازه درخت تا پنج درصد اسانس اکالیپتوس - یک ماده تلخ - کمی تانن و کمی مواد صمغی دارد.

از نظر درمانی تنها برگ من که دارای خاصیت ضد عفونی کننده است به کار رفته، و از آن اسانس اوکالیپتوس می گیرند.

برگ و اسانس من به طور بخور برای ضد عفونی کردن محیط فضای ساختمان به کار می رود. برگ من با اینکه قابض است، هرگز برای بند آوردن اسهال به کار نمی رود. جوشانده برگ من ضد تب و لرز است و در این خاصیت به پایه چوب گنه گنه نمی رسد، ولی اثر آن در معالجه نزله، برنشیت چرکی و ساده قطعی است. جوشانده برگ من اخلاط را دفع می کند و به همین جهت برای مسلولین جهت تسهیل در خارج شدن اخلاط تجویز می شود، مشروط بر اینکه تب نداشته باشند.

به علت خاصیت ضد عفونی کننده و قابض که من دارم، می توان مرا بهترین دارو جهت ضد عفونی کردن مجاری ادرار مرد و زن به کار برد تا ترشحات میکروبی آنها را برطرف کند و چرک آن را از بین ببرد، جویدن برگ من لثه را محکم می کند و بوی بد دهان را از بین می برد. جوشانده غلیظ برگ من برای شستشوی زخمهای چرکی مخصوصاً شستشوی گوش به کار می رود. اسانس من جهت از بین بردن شپش بهتر از گرد "د.د.ت" می باشد زیاده روی در خوردن من چندان خوب نیست، زیرا موجب فلج دستگاه تنفس، ورم روده، ورم کلیه و پیدا شدن خون در ادرار می گردد. مقدار خوراک من دو تا سه فنجان در روز از دم کرده بیست تا پنجاه در هزار از برگ من است. مرا به طور بخور و گاهی به صورت سیگار به کار می برند.



من «لاله سرنگون» هستم!

در شیراز گلی هست که می‌گرید و اشک می‌ریزد و یکی از زیباترین گل‌های وحشی است که به آن گل اشک و گل عاشق می‌گویند. اکنون اجازه بفرمایید، این گل عاشق پیشه خود را به شما معرفی کند. فارسی من گل سرنگون - لاله‌واژگون - اشک‌خونین و لاله‌احمر می‌باشد. عربی یک نوع من الکلیل‌الملک است و فرنگیها به من "فری‌تیلرامپریال" می‌گویند که ترجمه اکلیل‌الملک است. من یک گیاه و گل زیبای ایرانی هستم و از ایران مرابه‌علت‌قشنگی‌ای که دارم به خارج برده و پرورش داده‌اند. من در اکثر

کوهستانهای ایران مخصوصاً کوههای بختیاری، کوههای قصر شیرین و صحنه، کوههای کردستان و شمال غربی و جنوب غربی ایران می‌رویم و تا کنون شصت گونه از من شناخته شده است. پیاز من به صورت یک غده متورم، گوشتدار بوده و دارای مقدار زیادی نشاسته و چندین عامل دارویی است و چون تازه باشد سمی بوده و قابل خوردن نیست، ولی در چین سمیت آن را گرفته و در آشپزی از آن استفاده می‌کنند.

در طب سنتی چین که این روزها شهرت جهانی پیدا است که به آن گل من تحت نام "پی‌مو" یا "پی‌ای" استفاده می‌نمایند.

ضمد پیاز من برای از بین بردن تاول و ورمهای سخت مفاصل بسیار نافع است.

اکلیل‌الملک

من یک نوع لاله‌واژگون هستم که در فارسی به من گیاه قیصر می‌گویند. رنگ گل من زرد، بنفش، و گاهی سفید است. میوه من مثل غلاف تخم ترب و هلالی است و در میان غلاف تخم گردی کوچکتر از خردل شبیه تخم شنبلیله وجود دارد.

در طب سنتی ایران تنها از بذر من استفاده می‌کردند.

بذر من مقوی و نرم کننده اعضاست، چه بخورند و چه ضمد نمایند. ضمد من نرم کننده ورمها بوده و جهت درد شقیقه مفید است. ضمد پخته آن جهت ورمهای گرم چشم و مقعد نافع است. جوشانده آن با آب جهت زخمهای چرکی و آهکی سودمند می‌باشد و با افسنتین جهت ورم اسپرز و معده تجویز می‌شود. چکاندن عصاره آن درد گوش را ساکت می‌کند. جوشانده آن جهت تنگ نفس اثر عالی دارد. تنقیه جوشانده آن جهت

تقویت روده‌ها و تسکین درد و ورم آنها مفید است، مقدار خوراک
بذر من دو مثقال می‌باشد.



اسم من «حنا» است!

فارسی من حنا با فتح حامی باشد، و اعراب به من حنا به کسرحا و تشدید نون می گویند. گیاه من به صورت درختچه‌ای است که در شمال و مشرق افریقا و عربستان و شبه قاره هند می‌روید. در ایران در نواحی جنوب، بلوچستان و کرمان مخصوصاً در بم و نرماشیر به عمل می‌آیم، درختچه من به طول شش تا هفت متر قامت دارد، در جوانی بدون خار و در پیری خاردار می‌شوم و اینکه بعضی از نویسندگان اروپایی درختچه خاردار و بی خار مرا دو نوع متفاوت نوشته‌اند اشتباه است، در بعضی از شهرهای هند مخصوصاً بنگاله درخت من خزان نمی‌کند و همیشه مانند مورد سبزی خاصی دارد. تکثیر گیاه من به وسیله

بذریا قلمه صورت می‌گیرد، گل من که داروسازان سنتی ایران به آن فاغیه لقب داده‌اند، سرخ مایل به سفیدی و بسیار خوشبو است و درختچه‌ای من در بنگاله سالی دو بار گل می‌کند. میوه من به قدر فلفل است.

در حدیث وارد است که من سرور گیاهان سبز بوده و خضاب با برگ من شعار اهل اسلام و ایمان است. سردرد را زایل می‌نماید، و بر نور چشم می‌افزاید و باه را تقویت می‌نماید.

قسمت مورد استفاده من برگ و گل من است، اگر برگ و گل مرا با هم مخلوط کرده خضاب نمایند منافع بیشتری دارد، و حتی می‌گویند گل من رنگ حنا را زایل می‌کند. (این قسمت امتحان نشده و مورد تأیید زبان خوراکیها نیست).

متأسفانه تا کنون تمام عوامل مفید برگ و گل من کشف نشده، و همینقدر می‌دانند که در برگ من تانن، مواد چربی، اسانس و یک ماده رنگی وجود دارد. این ماده رنگی در برابر هوا و نور قرمز می‌شود و چنانچه مرا خیس کرده، و در مقابل هوا و نور قرار دهید، روی آن قرمز شده و آنچه در برابر هوا و نور نیست سبزرنگ باقی می‌ماند. اگر از رنگ قرمز حنا خوشتان نمی‌آید، می‌توانید از این خاصیت استفاده کرده خضاب را در تاریکی انجام دهید و یا با افزودن یک ماده ضد اکسیژن، از اثر هوا در روی آن استفاده می‌نمودند.

رنگ من از رنگهای بی‌ضرر برای موی سر انسان است، و از آن بیشتر در جشنها و مجالس عروسی برای رنگ کردن موی سر و صورت و کف دست و پا و آن استفاده می‌نمودند.

اگر گرد کوبیده مرا با آب اکسیژنه بیست حجمی مخلوط کرده، به موی سر خود به طور متناوب ببندید، موهای شما رنگ حنایی روشن باتلاً لو آتشین پیدا خواهد کرد، اگر آن را با قهوه مخلوط کرده خضاب نمایید موی سر شما به رنگ بلوطی در می‌آید. برای جلوگیری از عرق کردن دست و پا، وسیله‌ای بهتر از خضاب با برگ من نیست و برای این کار بهتر است آن را با برگ گردو، و یا برگ هلو مخلوط نمایند. این خضاب، اگر ما و جرب را نیز معالجه می‌کند. در صنعت مثبت سازی نیز از من برای رنگ نمودن چوب استفاده می‌نمایند.

پشم وچرم را نیز می‌توان با برگ من رنگ نمود. اگر مرا با گل ریواس مخلوط کرده بر سر ببندید، رنگ طلایی به موی شما می‌دهد.

ضماد برگ من با سرکه در روی پیشانی جهت رفع سردرد دوطرفه تجویز شده است، و با قطران و روغن زیتون جهت تقویت مو نافع است. (چون قطران سرطان‌زا می‌باشد، افزودن آن توصیه نمی‌شود) خوردن نیم مثقال برگ من جهت امراض معده، کبد، طحال و مجاری ادرار و رحم نافع است. خوردن برگ من خاصیت ضد عفونی‌کننده دارد و به همین جهت در گذشته در مواقع شیوع امراض مسری مثل وبا و طاعون خوردن آن را توصیه می‌نمودند.

خوردن دو مثقال خیسانده برگ من جهت یرقان و سنگهای کلیه و مثانه نافع است، و برای درمان بند آمدن ادرار و ضد عفونی کردن مجاری ادرار نافع است. داروسازان سنتی ایران را عقیده بر آن بود که خوردن خیسانده من با هفت مثقال شکر جهت ابتلای جذام به غایت مفید است، و چون یکماه مجذوم آن را مرتباً بخورد و معالجه نشود، درمان به آسانی میسر نیست. شستشو با آب جوشانده من جهت باد سرخ و سوختگی آتش و رفع التهابات جلدی سودمند می‌باشد. مالیدن کوبیده برگ من روی زخمهای آبکی نافع می‌باشد. ضماد برگ کوبیده من که با پیه مخلوط شده باشد، جهت التیام زخم خصوصاً گوشه کردن ناخن مفید می‌باشد. خوردن بذر من به قدر یک مثقال با عسل و کتیرا جهت تقویت دماغ به غایت مفید می‌باشد.

خوردن یک مثقال گل من با بیست گرم آب و عسل جهت رفع انواع صداع نافع می‌باشد. مالیدن من با سرکه جهت صداع و به تنهایی جهت فالج و امراض دماغی و عصبی و درد اعصاب و التیام زخمها و بریدگیها و با موم و روغن گل سرخ جهت درد پهلوی و کوفتگی اعضا سود فراوان دارد.

گذاشتن گل من در لباس مانع بیدزدن و گرم گذاشتن آنها است و گویند در برگ من نیز این خاصیت وجود دارد.

روغن گل من که از جوشاندن آن در روغن زیتون به دست می‌آید، و داروسازان سنتی ایران آن را "دهن الفاغیه" نامیده‌اند، مقوی مو و نیکوکننده رنگ رخسار است، و روغن برگ من نیز مقوی و محلل درد اعصاب و مفاصل

است. زیاده‌روی در خوردن برگ من جایز نیست، و بهتر است همیشه آن را با لعاب اسفرزه و کتیرامیل نمایند. هنگامی که در وان حمام استحمام می‌نمایید، یک قاشق حنا را در آب وان حل کنید و بعد اثر آن را ببینید.

گل مغربی

فارسی من گل مغربی است، زیرا همیشه هنگام غروب آفتاب گل من باز می‌شود و مدتی باز می‌ماند.

گل‌های من درشت زردرنگ بوده، بوی خوشی دارند. من از خانواده حنا بوده، و زادگاه اولیه من امریکای شمالی است، ولی امروزه مرا به عنوان یک گل زینتی در اکثر نقاط جهان و ایران می‌کارند و اعراب به من حشیشه الحمار می‌گویند. ریشه گیاه من ضخیم و گوشتدار و دارای رنگ قرمز بوده، و خوراکی است. خوردن ریشه و برگ من خون را تصفیه می‌کند.

فرن‌دل

فارسی و عربی من "فرن‌دل" است و به زبان فرنگی به من "سالی‌کر" می‌گویند. در سواحل دریای مازندران می‌رویم. سر شاخه‌های گلدار گیاه من قابض بوده، و خون را بند می‌آورند و به علت داشتن لعاب فراوان مرا به عنوان خلط‌آور و آرام‌کننده تجویز می‌کنند. جوشانده ۹۰ تا ۱۰۰ گرم سرشاخه‌های گلدار تازه من در نیم لیتر آب جهت بند آوردن اسهال‌های خونی و ساده، ورم روده و رفع ترشحات زنانه، خون‌دماغ، اخلاط خونی، خونریزی در فواصل قاعدگی تجویز و توصیه شده است. اگر سرشاخه تازه در دسترس شما نبود و خواستید از خشک آن استفاده کنید، سی تا شصت گرم آن را مصرف نمایند. ضمناً بد نیست بدانید که مصرف آن را نباید یک مرتبه قطع کنید، بلکه چند روز خوردن آن را ادامه داده و هر روز مقدار مصرف آن را کم نمایید.



من «علف سرفه-فر فره» هستم!

اسم من فرفره است، در اطراف تهران به گیاه من "پای خر" می گویند. عربی من "حشيشة السعال" یعنی علف سرفه است، اعراب به من "دوست الحار" هم می گویند. در کتب قدیم از من به اسامی منجون و فخریون یاد شده است. من در نواحی معتدله، مخصوصاً در دامنه کوه البرز، اطراف تهران شمیرانات، سیاه بیشه، اطراف کندوان راه چالوس و هراز به عمل می آیم. ریشه من کلفت و گوشتدار و قهوه ای رنگ است و برگهای من به وسیله دمبرگ درازی از ریشه بیرون می آید. گلهای من که نر و ماده هستند، در انتهای ساقه های فلسدار قرار دارند. نهج آنها پهن و شبیه گل داودی است. گلهای مرا قبل از شکفته

شدن برای مصارف دارویی باید چید، ساقه‌های گیاه من در اول بهار قبل از پیدایش برگ ظاهر می‌شوند. میوه گیاه من فندقی بوده و از مشخصات آنها این است که یک دسته تارظریف آنها را در برمی‌گیرد. بعضی از پایه‌های من در سال دومرتبه گل می‌دهند. گل‌های من دارای جوهرمازو (تانن) و چندترشی و چند عامل دارویی است و از همه مهمتر دارای لعابی است که سینه را نرم می‌کند، و به همین جهت در زبان فرنگی به آن "توسیلارژ" یعنی نرم کننده سینه می‌گویند. برگ‌های من دارای هیجده درصد خاکستراست که در آن املاح سدیم - پتاسیم - منیزی - فسفر - گوگرد و سیلیس دیده می‌شود. سابقاً قبل از پیدایش توتون و تنباکو از دود و بخور آن جهت معالجه سرفه‌های خشک استفاده می‌کردند، و کشیدن آن را برای درمان نزله توصیه می‌نمودند. من بادشکن بوده، و جویدن مقدار کمی از ریشه و برگ من جهت سرفه مزمن، تنگ نفس و قرحه سینه نافع است. ضماد برگ و ریشه من با عسل جهت مداوای بادسرخ و کشودن دهانده دمل و التیام زخمها به کار می‌رود. حمول آن با عسل خارج کننده جنین مرده و زنده است. در داروسازی جدید فقط از گل‌های ناشکفته من استفاده می‌کنند که خلط‌آور بوده و سینه را نرم می‌کند، و برای درمان لازنژیت، برنشیت، گریپ، سرفه نزله و بیماریهای سینه مفید می‌باشد، و برای پایین آوردن تب و معالجه بیماریهای کلیه و مثانه سودمند می‌باشد. اگر اشخاص مسن برگ‌های مرا دود کرده و مانند سیگار بکشند، اخلاط سینه آنها به آسانی خارج می‌شود. طبق آزمایشی که به وسیله نویسنده کتاب "زبان خوراکیها" به عمل آمده است. افزودن مقدار کمی از برگ‌های من به توتون و تنباکو از مضرات آنها می‌کاهد. مقدار خوراک گل‌های من به طور مکرده بیست تا سی در هزار، دو تا چهار فنجان در روز است. ولی قبل از نوشیدن بایستی آن را صاف کرد. شیر تازه برگ و گل من ۳ تا ۹ گرم مخلوط با عسل یا شیر تجویز می‌شود.



اسم من «وسمه» است!

خضاب من با آب نمک برای سردرد نافع است . برای تقویت مو، موءثرم .
سرمه من را برای جلوگیری از آبریزش چشم تجویز کنید . سابقاً " عقیده
داشتند که اگر مرا به ابرو بکشند، قوه بینایی را زیاد می‌کنم . از خاصیت
ضد عفونی‌کنندگی برخوردارم و اگر موی شما رشدش کم است از من سود
برید تا رشد آن را زیاد کنم .

فارسی من وسمه است اعراب به من "کتم" می‌گویند. در مازندران به
من شالخنه یعنی حنای شغال می‌گویند. بعضی‌ها به غلط مرا "نیل‌بری" نامیده‌اند
و این اشتباه است، زیرا گیاه من از خانواده صلیبیان و انواع درختچه نیل
از خانواده پروانه‌واران می‌باشند. میوه درخت من خورجینی و به قدر فلفل
است و پس از رسیدن سیاه می‌شود. من انواع کوهی و بیابانی دارم، گل‌های
من زرد رنگ می‌باشد و در برگ‌های من ماده رنگ‌کننده‌ای وجود دارد که سابقاً
برای رنگ کردن ابرو از آن استفاده می‌کردند و عقیده عموم بر آن بود که

علاوه بر تقویت موی ابرو، قوه بینایی را نیز تقویت می نماید، ماده رنگی برگ من سبز مایل به آبی است ولی در اثر اکسیژن هوا به رنگ نیلی در می آید و به همین جهت بود که سابقاً "نوعی نیل از من استخراج می کردند که شباهت زیادی به فراورده های درختچه نیل داشت. ایرانیان را عقیده بر آن بود که باید مرا صبح چید و با یک آفتاب خشک کرد و پس از غروب آن را کوبید و کیسه کرد تا فاسد نشود. گیاه من در مازندران، کرمان و بلوچستان می روید و بهترین نوع من کرمانی است که رنگ آن مشکی تر است. اگر می خواهید موی سر یا ریش خود را با کوبیده برگ من مشکی کنید، قبلاً "آن را خوب بشوئید تا چربی آن گرفته شود و بعد ابتدا موها را با حنا به صورت آستر رنگ کنید و بعد بشوئید و سپس کوبیده برگ مرا که با آب خمیر کرده و یا پخته روی آن ببندید و بگذارید رنگ بگیرد تا رنگ آن نیکو و شفاف شود. برگ من دارای خاصیت ضد عفونی کننده جلدی است، و خضاب آن با آب و نمک و همچنین بخور آن برای سردرد نافع است.

روغن من که برگ مرا با هموزن آن روغن کنجد در وسمه جوش یا ظرفی دیگر با آتشی ملایم پخته باشند، برای تقویت و درازی مو اثری انکار ناپذیر دارد. مالیدن این روغن جهت بواسیر و امراض مقعد مخصوصاً شقاق نافع است، آب برگ و جوشانده برگ من قی آوراست، و سابقاً که واکسن هاری وجود نداشت، هاری را با جوشانده برگ من مداوا می کردند. سرمه برگ من جهت آبریزش چشم سابقاً تجویز می شد، چون بیخ گیاه مرا با آب بجوشانید، و بعد از صاف کردن به آن کمی صمغ عربی افزوده بجوشانید تا غلیظ شود، برای نوشتن جانشین مداد می باشد. درخاتمه بد نیست بدانید که مرا در دکانهای عطاری به نام رنگ حنا می فروشند.

درختچه نیل

انواع درختچه نیل در مناطق گرمسیر به عمل می آیند و تا کنون ۲۵۰ گونه از آنها دیده شده. کشت آنها قبل از تهیه نیل مصنوعی معمول بود، ولی اکنون متروک شده است. از نیل علاوه بر مصرف رنگرزی در تداوی نیز به علت خاصیت ضد عفونی کننده آن استفاده می نمایند.



ما «مخلصه» هستیم!

داروسازان سنتی ایران ما را از آن جهت مخلصه نامیده اند که معتقد بودند هرکس بذرها را بخورد، از سم حشرات حتی مار و عقرب خلاص شده و در امان خواهد بود. من انواع بسیار دارم که بر حسب اماکن مختلف تغییر شکل می‌دهم و تا کنون بیش از صد و بیست گونه از ما شناخته شده، و به انواع گونه‌های مختلف ما گل‌کتانی، دهان شیر، قلیحه، گیانوروزی، محاجم، ایواح، حباحب، گشنیز کوهی، بلبل شامی و تریاق کوهی می‌گویند. به یک نوع مادر شیراز کار دیک‌گویند. در کتب داروسازان جدید سخن از پادزهر بودن ما در میان نیست، فقط ما راملین، مسهل و عرق‌آور و کمی مخدر می‌دانند و علت این اختلاف عقیده

برای آن است که خاصیت ضدزهرافعی و سایر حشرات در تمام انواع ما یکسان نیست، و مخصوصاً در انواع خارجی ما خیلی کم است و برعکس در یک نوع ما که در شنزارهای رمل می‌روید و به آن تریاق‌کوهی می‌گویند، فوق‌العاده زیاد است و هر کس یک مثقال از بذر آن بخورد، حتی از عوارض سم افعی خلاص می‌شود. این بذریکی از اقلام مهم تریاق‌کبیراست که بهترین نوع آن در ماسه‌های اطراف شبانکاره که از توابع بوشهر می‌باشد به عمل می‌آید و در جاهای دیگر کمتر دیده شده است.

ما مخلصه‌ها، همه در خانواده گل میمون قرار داریم، یک نوع ما که در بلوچستان روییده، و بحاحب و جوزار ماتیس نامیده می‌شود، برای رفع بیماری‌های پوستی تجویز می‌شود و از تحریکات جلدی می‌کاهد و ضماد آن برای بواسیر مفید است. نوع دیگر ما که در شمال ایران، اطراف تهران، کرج، خراسان و اصفهان می‌روید و برگ‌هایی تیروکمانی به رنگ سبز دارد، و به آن اعراب لبلاب- احرش و الاطینی گویند، دارای اثر مسهلی و ضد رقت خون است و جراحات را، ضماد آن التیام می‌دهد. گل کتانی که برگ‌های آن شبیه گیاه کتان است، در اواسط بهار می‌روید و در اواسط تابستان گل می‌دهد، و گل آن صورتی و یا کمی آبی است و آن را به عنوان یک گیاه زینتی می‌کارند و به آن گل کتانی، کتان وحشی و مکنسه گویند. گل کتانی چنگ که به عنوان یک گل زینتی در گلخانه‌های تهران به عمل می‌آید. زادگاه اولیه آن سیبری است و به همین جهت است که آن را گل کتانی سیبری گویند. عربی آن حشیشه الشقوق و ترکی آن "زبل‌اوتی" است.

خوردن بذر ما جهت رفع قولنج، تقویت معده، کبد و اعصاب و رفع درد مفاصل و درد پشت تجویز می‌شود. به عنوان پادزهر حشرات، چه آن را قبل از گزیدن و چه بعد از گزیدن بخورند، نافع است، مقدار خوراک آن یک مثقال است.



اسم من «سنا» است!

فارسی و عربی من سنا است، در بلوچستان به انواع من کاس پیند، نیل تاک، دیدوال و سناکوری گویند. انواع و اقسام من همه دارای خاصیت مسهلی می باشند. زادگاه اولیه من افریقا، عربستان، هندوستان و بلوچستان است. قسمت مورد استفاده انواع گیاه من برگچه و میوه من است.

میوه من غالباً سنای هندی نامیده می شود. برگهای من مرکب بوده و معمولاً از پنج تا هفت زوج برگچه تشکیل شده است. برگچه ها دراز، باریک و نوک تیز هستند، گل های من زرد رنگ و میوه من غلافی بدون انحنای می باشد. برگهای مرا در بهار باید چید، ولی یک نوع من تابستانی است که برگ آن

عریضتر و گل آن زرد است و در عربستان سعودی آن را شرق نامند. میوه این گونه سنا مسطح و دارای دوکناره قوسی است که انحناى یکی ازکناره‌ها کمتر است.

نوع ایرانی من که به سنای فارسی معروف است، در بلوچستان، بندرعباس و جنوب ایران می‌روید. ضخامت برگچه‌های آن زیاد است، و هر برگچه دارای دم‌برگ کوتاهی به رنگ نارنجی است. میوه من نیز با سنای مکی فرق فاحش دارد، کناره‌های میوه من بر خلاف سنای هندی و مکی تحدب زیادتر داشته و رنگ آن قرمز مایل به قهوه‌ای است. در برگچه و میوه من عوامل دارویی گوناگون وجود دارد، و بعلاوه دارای کمی صمغ، املاح منیزی و نوعی قند است که مقدار آنها در گیاهان خودرو و پرورش یافته فرق می‌کند.

برگچه و میوه انواع من دارای اثر مسهلی است، و به مقدار کم مختصری ایجاد دل‌پیچه می‌کند و به همین جهت در طب جدید آن را همراه با کمی بلادن تجویز می‌نمایند، ولی داروسازان سنتی ایران مرا با روغن بادام یا گل سرخ به مریضه‌ها می‌دادند تا عوارض دل‌پیچه از بین برود. در داروسازی جدید برای رفع این عوارض برگچه‌های مرا قبل از مصرف ۴۸ ساعت در چهار برابر وزن آن الکل ۹۵ درجه قرار می‌دهند. با این عمل از قدرت مسهلی من کاسته شده، و عوارض آن برطرف می‌شود. برگچه‌های من اگر مدتی در آب جوشیده شوند، اثر مسهلی خود را از دست خواهند داد. تجویز من برای زنان باردار و بچه شیرده ممنوع است، مگر موقعی که بخواهند به بچه شیرخوار مسهل بدهند. در این صورت به مادر سنا می‌دهند تا شیر او در کودک حالت مسهلی ایجاد نماید. من مسهل بلغم، سودا و صفرا هستم، و اخلاط سوخته را دفع می‌نمایم من مقوی و ضد عفونی کننده پوست بدن هستم، مرا جهت درد شقیقه، صداع کهنه، جنون، درد پهلوی، تنگی نفس، قولنج، سیاتیک، نقرس، داء‌الشعلب، داء‌الحمیه، زخم‌های کهنه، کشتن کرم معده، ترک دست و پا و درد مفاصل تجویز می‌نمایند. نوشیدن جوشانده چهارگرم برگ من در شانزده گرم روغن زیتون که به نصف برسد، جهت درد کمر و بواسیر نافع است، خوردن یک مثقال کوبیده برگ من با عسل سه روز متوالی تا هفت روز جهت برطرف شدن درد مفاصل و

نقرس سودمند می باشد. مقدار خوراک برگ من سه تا پنج گرم است، و این مقدار ابتدا تولید قراقر در شکم کرده، و بعد اثر دفع بطور خفیف ظاهر می شود، و پس از پنج تا شش ساعت کامل می گردد. دمکرده ۱۰ تا ۱۵ گرم برگچه های من در ۲۵۰ تا ۳۰۰ گرم آب، به عنوان مسهل و یک چهارم آن به عنوان ملین داده می شود. کسانی که از برگچه و میوه من به عنوان مسهل استفاده می کنند نباید قلیائیات مثل جوش شیرین و آب آهک مصرف نمایند.

قره تاج



فارسی من قره تاج است، اعراب به من ام الکلب و اناغورس گویند. من در جنگلهای کردستان به مقدار زیاد می رویم و در خارج از ایران در منطقه مدیترانه و بعضی از نواحی آسیا به عمل می آیم - درختچه من یک تا سه متر طول دارد و دارای برگهای مرکب از سه برگه و دمبرگ دراز است. گلهای من به رنگ زرد و میوه من به صورت غلاف قوسی شکل است. از تمام قسمتهای مختلف گیاه من بوی نامطبوع استشمام می شود.

میوه من که شبیه لوبیا می باشد، دارای اثر سمی است و غالباً اطفال آن را با لوبیا اشتباه کرده مسموم می شوند. شیر حیواناتی که از گیاه من بخورند بدبو می شود. در دانه های من یک ماده رنگی و یک ماده روغنی وجود دارد. برگ، ساقه و ریشه گیاه من به مقدار کم مسهل و ضد کرم بوده، قی آور و قاعده آور است. داروسازان سنتی ایران گیاه مرا بهترین درمان هاری و پادزهر سموم حشرات می دانستند و آن را بینوب می نامیدند.



ما «درمنه» هستیم!

ما چند نوع گیاه هستیم که خاصیت اصلی سرشاخه‌های گلدار و برگ ما، کشتن کرم بوده، و بطور خودرو در سرتاسر ایران و ترکستان شوروی می‌روئیم، به انواع ما درمنه خراسانی، درمنه ترکی، درمنه ارمنی، علف جاروب، خنجک و قیصوم انشی می‌گویند. عربی ما شیخ و نبات سنتونین است و اعراب به مرغوبترین ما شیخ خراسانی می‌گویند. کارخانجات داروسازی روسیه از محصول ترکستان یک ماده عامله دارویی ضد کرم، به نام سنتوتین می‌گیرند که تا چند سال پیش معروفترین و پربهاترین داروی ضد کرم بود. گل‌های ناشکفته آن که در اواخر خرداد و اوایل تیر چیده می‌شوند، تا ۳/۶ درصد سنتوتین دارند.

چهل سال پیش مقادیر زیادی از محصول ایران به آلمان صادر شد، متأسفانه نمونه‌های ارسالی یا فاقد سنتوتین بود یا حداکثر ده درصد داشت.

به عقیده نویسنده زبان خوراکیها، مقدار سنتوتین بستگی به موقع برداشت محصول و طرز نگاهداری آن دارد، چنانچه از ۲۵ خرداد تا دهم تیر گلهای ناشکفته را چیده و سنتوتین آنها را به وسیله آهک تثبیت نماییم، مقدار زیادی سنتوتین خواهد داشت.

سنتوتین کرمهای درازمعدده را کشته، یا بیهوش می‌کند و معمولاً آن را با یک مسهل می‌دادند تا کرمهای بیهوش شده ساقط شوند. نوع دیگر ما که به درمنه ترکی معروف بوده، و در کتب قدیم آن را درمنه کوهی نامیده‌اند در خراسان، کرمان، بلوچستان، قلعه دختر، کوه لاله زار، کوه نصر و کوه هراز می‌روید بهترین داروی ضد کرم است، ولی همانطور که قبلاً اشاره شد، در نمونه‌های ارسالی به آلمان حداکثر ۲۵/۰ درصد در آنها سنتوتین دیده شد. یک نوع دیگر ما که به علف جاروب معروف است، و در اطراف تهران، رباط کریم و شیراز می‌روید دارای اثر ضد کرم بوده، ولی در آن سنتوتین دیده نشده است و ماده عامله آن معلوم نیست. مقدار خوراک انواع درمنه دو تا شش گرم است که به طور جوشانده می‌نوشند و یا تنقیه می‌نمایند، و تا ده گرم می‌توان آن را خورد. درمنه بر سنتوتین رجحان دارد و نباید آن را به طفل کمتر از دو سال داد.

انواع درمنه و سنتوتین، قند ادرار را کم می‌کند و یکی از داروهای ضد مرض قند می‌باشد. ما درمنه‌ها بازکننده گرفتگیهای داخلی معده و از بین برنده بلغم و بادشکن می‌باشیم. ضماد گیاه ما جهت درمان گری و ریزش مو سودمند می‌باشد و چنانچه ما را روی محل نیش عقرب بگذارید، نافع است. جوشانده ما جهت مداوای تنگ نفس - سکسکه - ودل پیچه و درد کشاله ران تجویز می‌شود. در کتب قدیم درمنه ترک به دانه‌های گیاهی دیگری اطلاق می‌شد که بعداً خود را معرفی خواهد کرد.

اسم من «ماست» است!

فارسی من ماست است. اعراب به من لبن الحامض گویند. ترکان به من "یوغورت" می گویند، و چون مرا ترکان از راه بلغارستان به کشورهای اروپایی برده اند، در بیشتر کشورهای خارجی اسم ترکی من به کار رفته است. برادر من پنی‌رهنگام معرفی خود معمایی مطرح کرد و پرسید آیا کسی می داند نخستین ماست را چگونه تهیه کردند؟ سؤال بسیار جالبی بود، زیرا برای تهیه ماست تازه، بایستی به آن از ماست کهنه بزنند و چون در روز اول ماستی دردسترس انسان نبوده است، تهیه ماست بدون مایه معمایی است که تا کنون کمتر کسی به آن پاسخ صحیح داده است. اما از آنجایی که هیچ سری نباید از خوانندگان

زبان خوراکیها پنهان بماند، من امروز می‌خواهم از روی این راز پرده برداشته، و آن را فاش نمایم، و ضمناً ثابت کنم که زادگاه اولیه من ایران بوده و از ایران به بلغارستان رفته و جهانگیر شده است. برای تهیه من بایستی شیر را جوشانده و بعد به آن یک قاشق ماست زده، سر آن را پوشانده بگذارند تا شیر منعقد شده و سفت گردد. این کاری است که هزارها سال است معمول است.

برای تهیه ماست سفت بایستی شیر را پس از آنکه چربی آن را گرفتند، بجوشانند تا غلیظ شود و بعد به آن مایه زده بگذارند بسته شود. عامل انعقاد شیر در اینجا موجودات زنده ذره‌بینی است که در ماست وجود دارد و در روی شیر رشد کرده، و باعث انعقاد آن می‌گردد، علاوه بر عامل فوق عوامل دیگری در ماست به مرور ایام پیدا شده و قند شیر را به ترشی بدل می‌کنند، و به این ترتیب خواص اصلی مرا کمی تغییر می‌دهند ولی اگر شما بتوانید مرا بدون ماست کهنه تهیه کنید، به زودی ترش نشده و خواص بیشتری خواهم داشت. اکنون گوش کنید تا من این راز بزرگ را برای شما علنی نمایم.

در ایران در کردستان و نزدیک خانه گیاهی در اطراف یک آب معدنی می‌روید که فارسی آن "علف ماست" بوده و اهالی محل به آن "یوغورت اوتی" می‌گویند. این گیاه از خانواده شیر پنیر است و شیر پنیر آن را برای شما معرفی خواهد کرد. شیره این گیاه شیر را منعقد کرده، و تبدیل به ماست می‌کند، و ماستی که با این گیاه تهیه شود، به مراتب مفیدتر، خوشبوتر و خوشمزه‌تر خواهد بود. در این ماست اکسیر طول عمر به مراتب بیشتر از ماست معمولی است. چنانچه ماست ترش شده را در کیسه انداخته و آب آن را بگیرید، با آن می‌توانید کشک و قره قروت تهیه نمایید که شرح مفصل آن در معرفی کشک داده شده است. من سرشار از مواد سفیده‌ای گوناگون و انواع ویتامین "ب" هستم، ضمناً دارای ویتامین "ث" و ویتامینهای محلول در چربی، مثل ویتامین "آ- د- اف و ای" می‌باشم و تمام ترکیبات و خواص شیر در من جمع است. برخلاف شایع ماستی که چربی آن گرفته شده باشد، به مراتب بهتر از ماست چرب می‌باشد. چون

این ماست دارای ویتامینهای محلول در آب مثل ویتامینهای ب و ث به مقدار زیاد است، و تنها نقصی که دارد، مقدار ویتامینهای محلول در چربی آن کم شده است. من مسکن تشنگی و یکی از بهترین نانخورشها می باشم. عمر را زیاد می کنم و کسانی که در غذای روزانه آنها همیشه ماست وجود دارد، دارای عمر طولانی توأم با سلامتی می باشند. من معده را تقویت می کنم و به هضم غذا کمک می نمایم. من به علت داشتن ویتامینهای "ب" اعصاب را تقویت می نمایم و به آن آرامش می بخشم. من مسکن حرارت جگر و التهابات داخلی هستم. قند من ادرار را زیاد می کند. شستشوی سر با من مو را تقویت می کند و از ریزش آن می کاهد. مالیدن من به دست و صورت باعث نرمی و لطافت پوست شده و از امراض جلدی مخصوصاً جوش غرور جلوگیری می نماید. مالیدن روپیه من بر سر دماغ را تازه می کند و به رشد مو کمک می نماید و کمی خواب آور است. اگر در تابستان پوست صورت شما در برابر تابش آفتاب حساس بوده، و ایجاد کک و مک و لکه های جلدی می کند، بهترین وسیله جلوگیری و معالجه آن مالیدن من می باشد. در فصل تابستان اگر خواستید خرما میل نمایید، آن را با من مخلوط کنید تا از شدت گرمی آن بکاهم. در فصل تابستان خوردن آبدوغ خیار را که یکی از غذاهای سنتی ایرانیان است فراموش ننمایید.

دوغ

فارسی من دوغ است، اعراب به من مخیض گویند. من مسکن غلیان خون، اشتها آور، مسکن حرارت و التهابات داخلی و پادزهر سموم می باشم، التهاب معده و جگر را فرومی نشانم و از حرارت آنها می کاهم، قدمای برای معالجه اسهال خونی که با هیچ دارویی درمان نمی شد، از سنگتاب یا آهن تاب من استفاده می کردند، و طرز تهیه آن بدین ترتیب بود که مقداری ریگ یا تکه های کوچک آهن را تفته کرده، در من می ریختند تا به جوش آیم و بعد آن را صاف کرده به بیمار می دادند تا بنوشد. این دستور به وسیله نویسنده زبان خوراکیهات تا کنون آزمایش نشده است. مرتاضان هندی برای اینکه در برابر عطش طاقت زیادتری داشته باشند، خرفه را کوبیده با دوغ می جوشانند تا خشک شود، بعد

دوغ افزوده این عمل را دو دفعه دیگر تکرار می‌نمایند و معتقدند که خوردن آن عطش را تسکین داده، و خواهش آب را کم می‌کند. اگر خیار را با پوست زیر فشار قرار داده و آب آن را بگیرید و با آن دوغ درست کنید، و یا آب خرفه را گرفته با آن دوغ بسازید، نوشابه‌هایی گوارا برای شما خواهند بود. عطش را تسکین می‌دهند و کبد و کلیه‌ها را شستشو می‌دهند، و سموم بدن را از بین می‌برند. برای رماتیسم و نقرس دارویی بسیار مؤثر می‌باشند. آب خیار مسهلی قوی است و اسیداوریک را که از زهرهای بسیار قوی است خنثی می‌نماید و سنگهای کلیه، مثانه و کیسه صفرا را خرد کرده و می‌ریزند.

اسم ماشیر پنیر است

فارسی ماشیر پنیر است، به انواع ما علف شیر، علف ماست، خاج، بلسکی می‌گویند. عربی ما خشیره، بقله‌اللبن، عاقداللبن، می‌باشد. ترکی یک نوع ما "یوغورت اوتی" می‌باشد. در کتب قدیم داروسازی به ما گالیون که معرب گالیون یونانی است می‌گفتند.

ما همه از خانواده روناس بوده، و اعضای گیاه ما پوشیده از تارهای کوتاه است. گل‌های ما به رنگ سفید، زرد، مایل به سبز یا مایل به قرمز است. تاکنون چهارصد گونه از ما در جهان شناخته شده که در اکثر نقاط جهان به استثناء استرالیا به عمل می‌آیند.

شیر پنیر زرد

شیر پنیر زرد در شمال ایران، رودبار، در ناحیه‌ای به نام مائده‌جو، در اطراف تهران، نواحی مختلف البرز، کبوترچاک، عمارلو، داماش، گون‌پشته و همچنین در سیاه‌کوه، تبریز، اشتران‌کوه، قره‌داغ، علی‌بولاغ و تفرش به عمل می‌آید، عربی آن خیشره است.

خاج

من نوعی شیر پنیر هستم که رگهای من چهارتایی به صورت صلیب است،

به همین جهت اعراب به من حشیشه الصلیب می گویند. من در شمال ایران، مناطق البرز، کندوان، کبوترچاک و عمارلویه عمل می آیم. چلیپا را از آن جهت خاج گویند که با من شباهت دارد.

بلسکی

من نوعی شیرپنیر هستم، اعضای گیاه من حتی میوه من دارای تارهای قلاب مانندی است که به پشم حیوانات می چسبد، به این جهت چوپانان برای کشیدن مواز ماست و شیر از من استفاده کرده، و آن را داخل شیر می کنند تا موهایی که در آن ریخته شده به قلابهای من چسبیده و خارج شوند. به همین جهت است که به من مصفی الرعاء، مصف الراغی و همچنین بلشکه، افارین، ارمن، قوت البریه، باپیشقان، قازاتی و صیدالانبه می گویند ریشه گیاه من دارای یک ماده قرمز رنگ می باشد.

علف ماست

فارسی من علف ماست و ترکان به من "یوقورت اوتی" می گویند، من در کوههای کردستان و مهاباد می رویم و تا کنون نظیر من در کشورهای دیگر جاهای دیگر دیده نشده است. یکی از اسرار مهم غذاشناسی در من نهفته شده است که تا کنون یک بار در کتاب زبان خوراکیها مطرح شده، و کسی به این معما پاسخ نداده است. همه می دانیم که معمولا برای تهیه ماست شیر را جوشانده بگذارند تا حرارت آن پایین آمده به پنجاه درجه برسد، یک قاشق ماست به آن می زنند و روی آن را پوشانده می گذارند مدتی گرم بماند تا شیر منعقد شود، تا کنون به این سؤال که اولین ماست را چگونه و با چه مایه ای ساخته اند کسی جواب صحیح نداده و به صورت معما درآمده است، و اکنون موقع آن است که من این راز را فاش کرده و بگویم شیره گیاه من شیر را به صورت ماست در می آورد و به همین دلیل می توانم بگویم نخستین ملتی که موفق به تهیه ماست شد، ایرانیان بودند و بعد آن رابه کشورهای دیگر، از جمله بلغارستان بردند و برخلاف آنچه شایع است، اهالی بلغار سازنده اولیه ماست نبوده اند.

انواع دیگر شیرپنیر در اطراف تهران، قزوین، کرد، اصفهان، مسجد سلیمان

کوههای الوند، هریرود، دیلمان، چاهریک، خرم‌آباد، رضائیه و تبریز به عمل می‌آیند و تمام آنها شیر را منعقد می‌کنند و می‌توان با آنها انواع و اقسام پنیر ساخت. پنیری که با انواع شیر پنیر ساخته شود خوشمزه، معطر و بسیار مفید است، ماستی که با علف ماست ساخته شود، دیرتر ترش می‌شود و اکسیر طول عمر در آن خیلی بیشتر از ماستهای معمولی است که با مایه ماست تهیه می‌شوند. پنیر بند که در بلوچستان به عمل می‌آید، و دارای چند درصد مایه پنیر است، از خانواده ما نیست و یکی از گیاهان مفیدی است که هنوز مورد توجه واقع نشده است، عامل انعقاد شیر در شیر پنیرها هنوز بطور دقیق روشن نشده است. اعضای مختلف هوایی انواع شیر پنیر، آرامبخش، پیشاب‌آور، قابض، ضد تشنج بوده، برای معالجهٔ سریع (هیستری) تجویز می‌شوند. داروسازان سنتی ایران جوشاندهٔ آنها را بهترین درمان داء الرقص می‌دانستند و جوشاندهٔ غلیظ آن را به مقدار نیم لیتر تجویز می‌نمودند. (داء الرقص یک بیماری عصبی است که بیشتر در دختران دیده می‌شود، و اعضای بدن آنها حرکات غیر عادی پیدامی‌کند) شیره تازهٔ انواع شیر پنیر برای کبد، آب آوردن انساج، سنگ، کلیه، گواتر، رقت خون مفید می‌باشد. ضماد شیرهٔ آنها برای خنازیر و اولسره‌های گوناگون سودمند است، ضماد برگهای انواع شیر پنیر برای اکزما، اولسر و زخمهای سرطانی منافع زیاد دارد، باریشهٔ آنها می‌توان پشم را رنگ کرد و آن را به صورت قرمز درآورد و اگر بخواهند پشم را با آنها به رنگ نارنجی درآورند، بایستی پشم را قبلاً "بازاج بجوشانند".

جوشاندهٔ برگ شیر پنیر خونریزی را بند می‌آورد، و ضماد گل آنها جهت سوختگی آتش نیز نافع است. خوردن جوشاندهٔ ریشهٔ آنها محرک باه است. میوهٔ بو دادهٔ بلسکی دارای بویی شبیه قهوه است، خوردن یک گرم عصاره با ۷/۵ گرم برگ بلسکی ضد سم حشرات، مخصوصاً مار واقعی است به همین جهت به آن حشیشهٔ الافی هم می‌گویند. برای تهیهٔ پنیر و ماست از شیر و گرد کوبیدهٔ انواع شیر پنیر می‌توان استفاده کرد. هر نوع شیر پنیر یک نوع مشخص پنیر درست می‌کند، و به همین جهت شما می‌توانید صدها نوع پنیر و ماست با ما درست کنید که یکی بهتر از دیگری باشد.



اسم من «گل سیکلامن» است!

فارسی من گل نگونسار است و از قدیم در شنزارها و شکاف سنگهای کوهستانهای شمال ایران، مخصوصاً در اطراف بندرگز به حالت خودرو، روییده‌ام. گیاه من با اینکه بوتهٔ علفی است در نزد اعراب به شجر مریم معروف است و در کتب قدیم، به بیخ متورم من بخور مریم می‌گفتند و همچنین به اسامی درخت مریم، بولف، رقف، رکف، اذن الارنب، هوم الیهودا، سیکلمه، سیکلامن، آذریون، آذربویه، ذهبیه معروف می‌باشم و این اسامی به انواع مختلف من اطلاق می‌شود. در کتب قدیم بیشتر مرا آذربو نوشته‌اند، و اکنون به اسم خارجی سیکلامن معروف شده‌ام.

غده زیرزمینی من که به شکل شلغم بوده، و از آن پهن تراست، به بخور مریم شهرت دارد. محلل بوده و بازکننده ادرار و حیض است، عرق را زیاد می‌کند و باعث سقط جنین می‌شود و به همین جهت استعمال آن برای زنان آبستن خوب نیست. برای درمان بirqان و باز شدن گرفتگی کیسه صفرا و زهکشی کبد از فضولات، تجویز می‌شود. مقدار خوراک آن حداکثر دو مثقال است، ولی همراه با کتیرا که مصلح و پادزهر آن است می‌توان تا سه مثقال مصرف کرد. خوردن آن با آب انار برای معالجه تنگ نفس نافع است. مالیدن آن با سرکه جهت گری "داء الثعلب"، نقرس و پیچیدگی عصب و از بین بردن کک و مک و با روغن زیتون جهت معالجه ترکی که در اثر شدت سرما به هم رسیده باشد مفید می‌باشد. ضماد آن به تنهایی یا همراه با ادویه محله جهت تومورهای خنازیری و سایر تومورها سودمند می‌باشد. سرمه آن با عسل جهت آبریزش چشم توصیه شده است، ولی هرگز نباید آن را به تنهایی به کار برند زیرا حدت زیادی دارد، و برای از بین بردن حدت آن می‌توان از نشاسته یا عسل استفاده نمود. چکانده آن در بینی پاک کننده دماغ است، کمپرس جوشانده آن جهت نقرس و پیچیدگی عصب به کار می‌رود. فرزجه آن جهت سقط جنین معمول است ولی نباید بدون اجازه پزشک از آن استفاده کرد.

من انواع و اقسام دارم، ولی یک نوع من ایرانی بوده، و گل نگونسار نام دارد. برگ آن باریک و شاخه‌های آن به طول یک متر و بذران شبیه تخم شبت است. ریشه آن سمی تراز ریشه سیکلامن زینتی است و در آن ماده عامله سیکلامن زیاد تراز انواع دیگر است. داروسازان سنتی ایران از آن برای جلوگیری از آبستنی استفاده می‌کردند، ولی متأسفانه تا کنون در داروسازی جدید مورد آزمایش قرار نگرفته است، و چنانچه مورد مطالعه قرار گیرد، جلوگیری از آبستنی به وسیله آن سهلتر خواهد شد. بیخ من در حالت تازه دارای اثر مسهلی است، ولی چون قوی و خطرناک است نمی‌توان آن را استعمال کرد.

شجر مریم

چنانچه گفته شد، بوته من شجر مریم نامیده می‌شود جوشانده شاخه‌های

من زایمان را آسان می‌کند و در اخراج جنین مرده بی‌عذیل است، ولی بدون اجازه طبیب نباید آن را به کاربرد چون خطرناک می‌باشد. مالیدن آن جهت بواسیر و لکه‌های سیاه‌جلدی توصیه شده است و برای برص نیز سود فراوان دارد.

چوبک

فارسی من چوبک است، به من بیخ و چوبه و چوب صباغان هم می‌گویند. برگهای من دارای خار می‌باشد - بیخ من ضخیم، لعابدار است و کوبیده آن به نام چوبک به فروش می‌رسد، داروسازان سنتی ایران مرا نوعی بخورمریم می‌دانستند، در صورتی که گیاه‌شناسان جدید مرا در تیره مورد ها قرار داده‌اند. کوبیده من در پاک کردن چربی همانند صابون است و برخلاف پودرهای رختشویی و ظرف‌شویی جدید دست را خراب نمی‌کنم و باعث پوسیدگی لباس نمی‌شوم و کسی نسبت به من حساسیت ندارد، من ضد عفونی کننده می‌باشم. پودر من کمی عطسه‌آور است. من مسکن سکسکه و بازکننده بینی و بازکننده ادرار و حیض می‌باشم - دمکرده من ریزاننده سنگهای کلیه و مثانه است، ولی استفاده از آن برای زنان آبستن خوب نیست، زیرا مسقط جنین است. مالیدن من در محل نیش زنبور و سایر حشرات مسکن درد و پادزهر آنها است، ضماد من با سرکه جهت سیاتیک (عرق النساء)، گری (داء الثعلب) مفید است. شیافی که با پودر من ساخته شود، مسکن درد بواسیر و درد رحم بوده، زایمان را آسان می‌نماید، پاشیدن گرد من روی زخمهای چرک‌مفید است، مالیدن کوبیده ریشه من جهت درد مفاصل سودمند می‌باشد. مقدار خوراک پودر ریشه من یک مثقال است.

صابونی

فارسی من صابونی و عربی من خروالعصافیر و فول العرب می‌باشد، ولی بعضی از نویسندگان و مترجمان "سپونفرنگی" را صابونی ترجمه کرده‌اند و این اشتباه است، زیرا آن گیاه در ایران نمی‌روید و در طب سنتی به نام غاسول رومی و ابوقانس معروف است. من در تمام نواحی ایران از شمال تا جنوب مخصوصاً

نواحی البرز، سواحل بحر خزر، اطراف قزوین، اصفهان، اراک، کرمانشاه، خرم‌آباد، آذربایجان، بندر بوشهر و زابل می‌رویم.

داروسازان سنتی ایران با آب من لکه‌ها را پاک می‌کردند و مانند مداد در کتابت آن را به کار می‌بردند و (دستور تهیه این مداد فعلا بر نویسنده زبان خوراکیها روشن نیست) گل‌های زیبا و قرمز من در اثر پرورش در زمینهای آهکی و شنی درشت می‌شود، دانه‌های من اثر مدر دارد و ریشه و برگ من در مداوا به کار می‌رود، ولی مداومت در استفاده از آن جایز نیست، و ایجاد مسمومیت می‌نماید. ریشه من مدر، معرق و تصفیه‌کننده خون است، جوشانده غلیظ ریشه من به صورت ضماد یا کمپرس، در تسکین خارش و سودا و عوارض دیگر جلدی نافع است، جوشانده رقیق من برای درمان آنژین به صورت غرغره سودمند است. دمکرده سی‌درهزار ریشه من به عنوان تصفیه‌کننده خون به مقدار دولیوان کوچک در روز و همچنین برای رفع رماتیسم مفید است. تنقیه جوشانده ریشه من برای دفع کرمک توصیه شده است.



اسم من «عشقه» است!

فارسی من داردوست، اخفاک وتال شادا است. درمازندران ولک و ولگوم، درگیلان تیج، در لاهیجان و دیلمان لشک، و درگرگان لکو گویند و به انواع دیگر من بلو و بلوه گفته اند و این روزها مرا درتهران به عنوان یک گل زینتی تحت نام پاپیتال پرورش داده، و می فروشند، من در جنگلهای مازندران، نواحی البرز، بندرگز و رامیان به طور خودروبه عمل می آیم و دونوع می باشم. من گیاهی هستم بالارونده که به دیوار یا درخت تکیه کرده، بالا می روم و دورتکیه گاه خود می پیچیم و دور هر درختی بیچم آن را خشک می کنم. عربی من حبل المساکین به معنی ریسمان بینوایان است. در بعضی از کتب عشقه را

مترادف لبلاب و نیلوفر باغی گفته‌اند و این اشتباه است، لبلاب و نیلوفر گیاهانی دیگر از خانواده دیگر می‌باشند که خود را جداگانه معرفی خواهند کرد و در اینجا مختصراً گفته می‌شود که چون میوه من سیاه است و بالارونده می‌باشم، بعضی از داروسازان سنتی ایران مرا لبلاب کبیرسیاه نامیده‌اند. میوه مرا سیاه کننده مو و ضماد برگ مرا باز کننده دمل و التیام دهنده زخمهای بدخیم می‌دانستند. باری، میوه من به اندازه یک نخود است و پس از رسیدن سیاه می‌شود، و در میان آن چند دانه وجود دارد که متأسفانه خالی از سمیت نیست، در مناطق گرمسیرازتنه درخت من صمغی بیرون می‌آید که به آن صمغ عشقه گویند وقاعده‌آور است. در برگ و صمغ من یک ماده مسهل و قی‌آور که خاصیت بازکنندگی عادت ماهانه زنان را دارد پیدا کرده‌اند. چون میوه، برگ و قسمت‌های مختلف گیاه من سمی هستند، باید در مصرف آنها احتیاط کنید، ولی به مقدار کم برای جلوگیری از خونریزی در فاصله قاعدگی مفید است. چون رگهای خونی را باز می‌کند و خونریزی را بند می‌آورد. مقدار خوراک میوه من ده تا دوازده عدد به عنوان مسهل است، ولی در مصارف خارجی به مقدار زیادتری می‌توان به کاربرد. برای التیام زخم و رفع التهابات پوستی دمکرده پنجم گرم برگ من در یک لیتر آب جوشانده و چهار تا هشت گرم میوه در یک لیتر آب به کار می‌رود، و نیز می‌توان یک تا دو گرم برگ خشک مرا با عسل مخلوط کرد و ضماد نمود. برای رفع التهاب و جلوگیری از جمع شدن شیر در پستان می‌توانید یک مشت برگ مرا در کمی آب جوشانده و ضماد کنید. این مرهم برای درمان زخمهای سیاه شده نیز مفید است، ولی بهتر آن است که برگهای تازه مرا له کرده، با زغال و کمی دارچین مخلوط کرده، و در محل زخم ضماد نمایید. برای معالجه کچلی مقداری از برگ مرا در سرکه خیسانده، و ده شب متوالی هنگام خواب روی سر و محل زخم بگذارید، اگر پارچه‌های تیره‌رنگ را با جوشانده آب من بشویید، به خوبی تمیز شده و به صورت نو در می‌آید.



ما «پیچک» هستیم!

چنانکه نیلوفرآبی در معرفی خود گفت، در گذشته نیلوفر به طور مطلق به آن گیاه که در حوضها و استخرها و تالابها می‌روید و گلی آبی‌رنگ دارد گفته می‌شد و اینکه آسمان را شعرای ایرانی چرخ نیلوفری لقب داده‌اند، مقصودشان رنگ گل نیلوفر آبی بوده است.

درخت تو گر بار دانش پذیرد

به زیر آوری چرخ نیلوفری را

باری، این روزها به انواع پیچکها نیلوفر باغی یا صحرایی می‌گویند که متجاوز از هزار و دویست گونه دارند که همگی خود را به دور دیوار، یا درخت

چسبانده وبالا می‌زنند. بهترین نمونه ما همین پیچک دیواری است که به آن موجسب هم می‌گویند و در تهران و بعضی از شهرهای دیگر آن را در کنار دیوار می‌کارند، کم‌کم تمام سطح دیوار را می‌پوشاند و برای رشد آن دیوارهای جنوبی بهتر از شمالی هستند، زیرا با آفتاب شدید میانه خوبی ندارد. تمام گیاهان خانواده ما برگهای قلبی شکل نوک‌تیز و دندان‌دار دارند، و بعضی از انواع ما دارای شیرابه و صمغی در ساقه و ریشه هستند که معروفترین آنها صمغ محموده است که خود را بعداً به شما معرفی خواهد کرد. در بعضی از کتب عشقه را جزو ما آورده‌اند و این اشتباه است، همچنین گیاه دیگری که فارسی آن کتوس و عربی آن شجر الحریراست و خود را همراه "غلب‌لب" معرفی کرده، در بعضی از شهرها به نام پیچ و پیچک مشهور است و این نیز اشتباه است و با ما نسبتی ندارد.

پیچک صحرائی

فارسی من پیچک صحرائی است به من نیلوفر صحرائی هم می‌گویند، عربی من طربوش الغراب است و اشتباهاً به آن مداد و علیق هم می‌گویند. من در اطراف تهران، رودبار، اراک، خوی، اردبیل، فارس، آبادان، قم و چند جای دیگر می‌رویم و همچنین یک نوع دیگر من در اطراف رشت، رضائیه و کپه داغ "بطور خود رو به عمل می‌آید، و بهترین علوفه برای حیوانات مخصوصاً گوسفند است. اعضای مختلف انواع من دارای اثر مسهلی هستند و صفرابر می‌باشند. ضما دبرگهای من خاصیت التیام دهنده زخم را دارند. دم کرده برگ من جهت رفع ترشحات زنانه تجویز می‌شود.

صمغ درخت من با اینکه طعم آن تند نیست، دارای خواص محموده می‌باشد، و گاهی به طور قلبی صمغ مرا به جای محموده می‌فروشند، گل‌های من به علت داشتن نوش فراوان مورد علاقه زنبور عسل می‌باشد، داروسازان سنتی ایران برگ مرا جهت رفع یرقان تجویز کرده‌اند.

نیلوفر پیچ

من نوعی نیلوفر هستم که در بلوچستان ایران روئیده، و در آنجا به

من "کجرلاهوری" گویند. فارسی من نیلوفرپیچ می باشد. اعراب به دانه من "حب النیل" لقب داده اند. گل من در آفتاب خود را جمع می کند و دانه من در غلافی مثلث شکل می باشد. در کتب قدیم از من به نامهای عجب، عجب گیاه، قرطم هندی، حسن الساعه، حب العجب و دمه العشاق یاد کرده اند.

قسمت مورد استفاده من بیخ و دانه های من می باشد. بیخ من دارای بیست درصد مواد قندی، چهل درصد مواد نشاسته ای و چهار درصد مواد سفیده ای است و می توان آن را همانند سیب زمینی در تغذیه به کاربرد و برای رفع گرسنگی اگر به کشت من توجه بیشتری شود، کاری شایسته می باشد. دانه های من که به حب النیل معروفند، پاک کننده لکه های سیاه و برص و درمان نقرس و جرب و زخم های بدخیم، بازکننده کبد و اسپرز بوده، و مسهلی قوی می باشد و مسکن درد مفاصل و ضد کرم معده و روده و کرم کدواست، و همراه با محموده مسهل صغرا و اخلاط غلیظ است و با هلیله مسهل سودا و بازکننده جگر می باشد. در کتاب معالجات بقراطی نوشته شده است که چون پنج گرم مرا باده گرم شکر مخلوط کرده، و مجموع را به سه قسمت کرده، سه روز بخورند برای درمان جرب امتحان خوبی داده است. مقدار خوراک من تا نیم مثقال و بیش از آن کشنده است.



اسم من «شاهدانه» است!

اسم من شاهدانه است و اعراب آن را معرب کرده "شاه دانج" گویند. فارسی گیاه من کنب بوده و اعراب به آن قنب گویند، به من حشیشه الفقرا، ورق الخيال نشاط افزا، فلک تاز، عرش نما، شهوت انگیز و جزء اعظم هم لقب داده اند. ولی بعضی از این القاب مثل نشاط انگیز و شهوت انگیز شباهت به مثل معروف بر عکس نهند نام زنگی کافور را دارند.

من دارای انواع و اقسام بیابانی، کوهی و بستانی هستم. بستانی من همین گیاهی است که در ایران دانه آن را بوداده و با گندم بوداده مخلوط کرده می‌خورند. انواع وحشی من زیاد است، ولی در حقیقت تغییر شکل گیاه

من نتیجه تغییر آب و هوا است که در وضع گل‌های من نیز مؤثر است. و با اینکه گیاه من دوپایه می‌باشد، یعنی گل‌نر در یک گیاه و گل ماده در گیاه دیگر است، معذک گاهگاهی در اثر تغییر آب و هوا به صورت یک پایه در می‌آیم، و این وضع موقعی است که محیط‌رشد من نوری ضعیف داشته باشد. از تمام اقسام من الیافی به دست می‌آید که با آن می‌توان مثل الیاف‌کتان پارچه‌بافت، ولی داروسازان سنتی ایران پوشیدن این پارچه‌ها را جایزندانسته و معتقد بودند که پوشیدن آنها باعث لاغری و فساد مفاصل است، و در عوض الیاف من برای ساختن کاغذ فوق‌العاده مناسب بوده، و کاغذ ابریشم می‌شود. از دانه‌های من روغنی می‌گیرند که بوی آن نامطبوع و زننده است، ولی برای ساختن صابون و سوخت مناسب است و بعلاوه از گیاه من رزینی می‌گیرند که مقدار آن بر حسب ارتفاع رشد من کم و زیاد می‌شود، یعنی هر چه ارتفاع زیادتر باشد، مقدار رزین آن بیشتر است، و حداکثر رزین در دامنه کوه‌های هیمالیا به دست می‌آید و در دامنه کوه‌های خراسان، اراک و بلوچستان هم انواع وحشی رزین‌دار خودرو به عمل می‌آید و به آنها شاهدانه هندی می‌گویند. از نوع هندی من چرس، بنگ و حشیش می‌گیرند که مورد علاقه اشخاص لایالی است.

نویسنده زبان خوراکیها در بحث تمایلات جنسی مضار اینها را به طور مفصل شرح داده و در اینجا به اختصار اشاره می‌شود.

بنگ مخلوطی است از برگ و سرشاخه‌های گلدار شاهدانه هندی که گاهی به طور تقلب از سرشاخه‌های نر نیز به آن اضافه می‌کنند، چرس ماده چسبنده‌ای است که بر روی شکوفه گل‌های ماده بعد از آمیزش گیاه ظاهر می‌شود، و بعد مورد استفاده قرار می‌گیرد و به طور تقلب گاهی به آن تریاک و سموم دیگر اضافه می‌شود که بدترین آنها عصاره حشره‌ای است که در زبان فارسی و عربی به آن ذراریح گویند، و حشیش سرشاخه‌های گلدار پایه‌های ماده می‌باشد.

برای به دست آوردن چرس عده‌ای لباس چرمی پوشیده، در وسط مزرعه شاهدانه از این طرف به آن طرف می‌دوند تا تمام صمغ موجود در گیاه به لباس آنها بچسبد و بعد آن را از روی چرم می‌گیرند. عده‌ای هم بدون لباس لخت با یک لنگ چرمی می‌دوند و صمغ به بدن آنها می‌چسبد و بعد دلاک آنها را

همراه با چرک بدن از تنشان می‌گیرد و آن را مونس‌الهموم و حبه‌المساکین می‌گویند. داروسازان سنتی ایران این مواد را مرکب قوی دانسته و معتقد بودند که این مواد اول اشتها و بعد شهوت را زیاد می‌کند، کمی نشاط می‌آورد و رنگ رخسار را باز می‌کند و بلافاصله ضد افعال مذکور از آن ظاهر می‌شود، یعنی اشتها به غذا از بین می‌رود. نشاط بدل به غم می‌شود، و رنگ رخسار کدر می‌گردد و سر آن بدل به خماری می‌شود. ایجاد عطش می‌کند و شهوت از بین می‌رود و در اثر زیاده‌روی بکلی و برای همیشه قطع می‌گردد، و در نتیجه باعث تکدر روح و دماغ شده باعث تاریکی چشم، جنون، مالیخولیا، ترس بسیار، استسقا و دهها عوارض دیگر می‌گردد.

فقرای هند برگ شاهدانه را جوشانده و می‌نوشند و در محافل آنها، از مهمانان با این نوشابه خطرناک پذیرایی می‌کنند و معتقدند که این نوشابه عمر را زیاد می‌کند و این گمان فاسدی است که حقیقت ندارد.

شستشوی سر با آب جوشانده برگ من شوره و شپش را از بین می‌برد، قسمت‌های مختلف گیاه من آرام‌کننده دردهای معدی است و منحصراً "بایستی در مورد سرطان معده و زخم معده تجویز شود و به مقدار کم برای معالجه روماتیسم و به عنوان ضد تشنج در سیاه‌سرفه و کزاز توصیه شده است، و به مقدار زیاد تولید نفخ معده، قراقرشکم و پف در اطراف صورت می‌شود.

دندانها می‌افتد، کسالت‌های مختلف و ترس و خیالات فاسد و شیطانی در شخص ظاهر می‌شود و باعث فساد اخلاق، تنبلی و ترک عبادات می‌گردد. چکاندن روغن شاهدانه در گوش مسکن درد و خشک‌کننده چرک آن است، و چنانچه به مقدار کم خورده شود، رطوبت معده را جمع می‌کند. مالیدن روغن شاهدانه جهت درد مفاصل، فرو بردن ورم‌های سخت و سختی رحم نافع است. خوردن دانه شاهدانه بوداده، به مقدار کم برای معده و درمان نفخ آن مفید است، خام آن غذای پرنندگان است، ولی نباید آن را به قناری داد، زیرا صدای او را خراب می‌کند.

رازك

من از خانواده شاهدانه هستم، فارسی من رازک است، در آستارا به من گل خمل گویند، عربی من حشیشه الدینار وهمل است، من در شمال ایران، سواحل دریای مازندران می‌رویم. گیاه من هم مانند شاهدانه دو پایه است، و چنانچه شاهدانه شرح داد، چرس و بنگ را از گل گیاه ماده بعد از آمیزش می‌گیرند ولی در مورد گیاه من نمی‌گذارند آمیزش صورت گیرد، یعنی فقط به کاشتن گیاه ماده اکتفا می‌کنند و اگر در مزرعه یکی دو تا گیاه نر پیدا شد، قبل از آنکه گل بدهد آن را از بین می‌برند.

خوردن این گل تمایلات جنسی زنانه را زیاد می‌کند و به همین جهت است که مردانی که آن را بخورند شهوتشان تسکین می‌یابد، و در اثر زیاده روی زن صفت می‌شوند و برعکس تمایلات جنسی زنان را زیاد می‌کند، و زیاده روی در خوردن آن سبب یائسگی زودرس می‌شود. گیاه من بالا رونده و دارای گل‌های معطر شبیه بوی سنبل‌الطیب است و طعم آن کمی تلخ است، و از مجموعه گل‌های من در صنعت آجوسازی استفاده می‌نمایند، و به همین جهت است که آججو دارای خواص مذکور می‌باشد.

من مقوی معده بوده، به هضم غذا کمک می‌کنم و تسکین دهنده تحریکات شهوانی مردان می‌باشم. جوشانده من ۱۰ تا ۱۵ در هزار گل به مقدار یک فنجان قبل از غذا جهت تقویت معده تجویز شده است، و خوردن دمکرده پنج در هزار من جهت معالجه نرمی استخوان و بیماریهای جلدی و خنازیر توصیه شده است و در صنعت داروسازی چند ترکیب شیمیایی و چندین داروی اختصاصی می‌سازند که بیشتر برای مصارف فوق به کار می‌رود.





اسم من «خارخسك» است!

فارسی من خارخسك است، به من خارخاسك هم می‌گویند. در شیراز به من "خارسوهك"، در اصفهان "هرواد" و در شهرهای دیگر به اسامی خارسه‌گوش، خارسه‌کوهك، شکرخنج و شکوهنج معروف می‌باشم، عربی من خسك و حمص الامیر است.

از ترجمه نام هندی من چنین بر می‌آید که چون در پای فیل فرو روم فریاد می‌زند. من از خانواده گواخها هستم، ولی داروسازان سنتی ایران مرا در ردیف قرصنه‌ها آورده‌اند. من ضد عفونی‌کننده، قابض و پیشاب‌آور می‌باشم، جوشانده من سنگ کلیه و مثانه را خرد کرده و می‌ریزند و درد کلیه را تسکین

می‌دهد و ورم آن را از بین می‌برد. کمی ملین و برطرف کننده قولنج است، مخصوصاً زهرهای دارویی را خنثی کرده، از مسکنها و تب‌برهای عوارض شیمیایی بر روی کلیه می‌کاهم. خوردن عصاره برگ، بیخ و میوه من به تمامی جهت درمان سوزاک توصیه شده است. مضمضه عصاره مابع من با عسل، جهت جوشهای دهان و لثه مفید بوده، غرغره آن درد و ورم گلو را از بین می‌برد. پاشیدن آب جوشانده من ساس و کیک را از بین می‌برد. و چون نخود را در آب تازه من پرورده کنند، در تقویت شهوت بی‌مانند می‌باشد. میوه من در تمام موارد مانند عصاره گیاه من است. از جوشاندن گیاه من در روغن کنجد روغنی به دست می‌آید که مالیدن آن در مفاصل را تسکین می‌دهد و رنگ رخساره را باز می‌کند. چکاندن این روغن در مجاری ادرار، افتادن سنگ مثانه را آسان می‌نماید. مقدار خوراک من تا هفت مثقال است و بذر گیاه من خشکدانه نامیده شده، و چنانچه آن را با شیر تازه بجوشانند تا خشک شود و دو باره شیر افزوده و بجوشانند و این عمل را سه مرتبه تا حد خشک شدن تکرار کنند، برای تقویت شهوت بسیار مؤثر می‌باشد.

خار طلائی

فارسی من خار طلائی است، اعراب به من شوکة الذهبیه گویند، ولی داروسازان سنتی ایران مرا نوعی قرصنه می‌دانند. گیاه من پوشیده از کرک بوده، ساقه‌های من بالدار است و بیشتر در مزارع یونجه و مراتع و زمینهای بایر می‌رویم. برگهای قاعده ساقه من بیضی و پهن می‌باشد، ولی سایر برگهای من باریک و بدون تقسیم است. گل‌های من لوله‌ای و به رنگ زرد طلائی بوده و مجتمع می‌باشد. زواید زیر گل من دارای خار باریک و دراز است، و درازی این تیغها دو برابر گلها است. میوه من کوچک، فندقی و بیضی شکل و سیاه‌رنگ است و دارای یک دسته تار سفید است که اندازه تارهای آن دو برابر میوه است. گلها و اعضای مختلف گیاه من تب‌بر بوده و ریشه من مقوی معده است. من در اطراف تهران، قم، رامجرد، تبریز، رضائیه، تفرش، کوه‌زرنند، اشتران

کوه، دره بازوفت، شهبازان، بیشه، اشتران کوه و گوت و نند می رویم، و از قدیم مورد استفاده داروسازان سنتی ایران بوده‌ام.

خارمرار

فارسی من خارمرار بر وزن هزاراست. در بلوچستان به من "گرزآغازی" می‌گویند. عربی من در دریه است. در مصر به من مریر می‌گویند. من بوته‌خاری هستم از نوع "بادآورد" که در آخر بهار و اول تابستان می‌رویم. برگ‌های تحتانی من دارای بریدگی‌های متعدد است، ولی برگ‌های فوقانی من بدون دم‌برگ و کم تقسیم است. گل‌های من لوله‌ای گلی رنگ مایل به بنفش بوده، و زیر آنها خاردار است. اعضای مختلف گیاه من دارای صمغ، رزین، املاح پتاسیم و چند عامل دارویی است. سرشاخه‌های گلدار من تب‌بر، ریشه و میوه من پیشاب‌آور است و ادرار باز می‌نماید. کلیه قسمت‌های گیاه من کمی تلخ و اشتها آور است. ساقه مرا از پوست جدا کرده می‌خورند، تلخی آن کمتر از پوست و میوه من است، بعضی با گوشت پخته می‌خورند و چون شتر گیاه مرا بخورد، فربه می‌شود و به همین جهت عده‌ای به گیاه من شوک‌الجمال لقب داده‌اند. جوشانده من بهترین دارو برای شستن چشم است و ناراحتی‌های چشم را از بین می‌برد. ضماد من بر روی پلک چشم، درد چشم را تسکین می‌دهد. ضماد مرا جهت جرب، خارش و تسکین فشار و حرارت خون و تصفیه آن و همچنین جهت تب‌های کهنه و مزمن تجویز کرده‌اند و با "نانخواه" جهت ریزاندن سنگ مثانه و سختی ادرار توصیه شده است.

خارشر

فارسی من خارشر و اشترخار است. در بلوچستان به من "خاربز" هم می‌گویند. در کتب داروسازی سنتی به من اشترغار گفته‌اند، ولی کتاب برهان قاطع نام سنتی مرا اشترغاز نوشته است. عربی من زنجبیل‌العجم و زنجبیل الفارس می‌باشد. من گیاهی هستم پرشاخه، با ساقه‌های خاردار و برگ‌های کوچک و شبیه "بادآورد" که در تمام قسمت‌های ایران می‌رویم. انواع من که در شمال

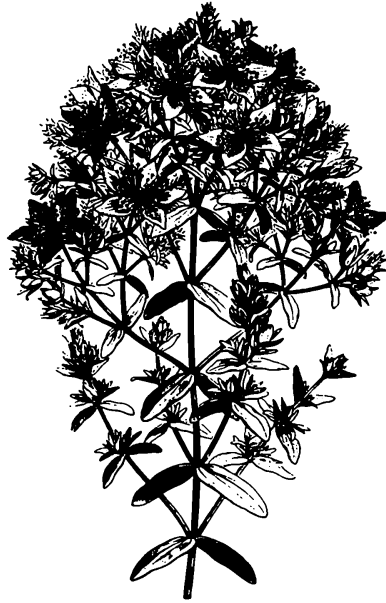
می‌روید با انواع جنوبی و حاشیه کویر فرق دارد. در آذربایجان، خراسان و افغانستان، گیاه من از خود ترنجبین نمی‌دهد، و دلیل این کار در جداول زبان خوراکیها در قسمت انگبینهای گیاهی نوشته شده است. برای به دست آوردن ترنجبین شاخه‌های گیاه مرا بریده و در چادرها ریخته و می‌تکانند، تا آنچه در روی آنها بسته است جدا گردد و بعد از خار و خاشاک آن را پاک می‌کنند و آنچه به ساقه چسبیده و جدا نمی‌شود، در آب جوشانده و پس از صاف کردن می‌جوشانند تا غلیظ و منعقد گردد. ترنجبین ملین خوبی مخصوصاً برای اطفال است، و بهترین وسیله برای شیرین کردن شیر خشک اطفال و داروهای گیاهی است. جوشانده گیاه من اشتها آور است، اعراب ساقه و ریشه گیاه مرا مانند کاهومی خورند، و شتر به خوردن آن رغبت زیاد دارد. با بیخ من ترشی درست می‌کنند. این ترشی پادزهر سموم می‌باشد. جوشانده گیاه من اشتها آور و مقوی است، بirqان را برطرف می‌کند و ادرار را زیاد می‌نماید و پادزهر سموم است. خوردن یک مثقال گیاه من برای درمان تب ربع و تبهای عفونی مفید می‌باشد. ضماد گیاه من با سرکه برای تسکین ورمها و درد مفاصل توصیه شده است. مقدار خوراک ترشی بیخ من پنج مثقال و از جرم من دو مثقال است.

خارتویی

فارسی من خار گلوله‌ای است. به من خارتویی و گلوله لاجوردی هم می‌گویند. من در کرج، جاجرود، رزن، اراک، الوند، رضائیه و شمال ایران می‌رویم. یک نوع غیر سمی من در کوههای شمال تهران شمیران، اوشان و شمشک می‌روید، و اهالی محل قبه آن را گشوده، و ماده‌ای پنیر مانند که در وسط آن است می‌خورند. این ماده برای نرم کردن سنیه و باز کردن آواز مفید است. گیاه من پایا است. یعنی ریشه آن در زمین می‌ماند و همه ساله سبز می‌شود، و گیاه تازه می‌دهد. ساقه گیاه من راست به طول دو تا چهار سانتی متر می‌باشد که در اطراف آن برگهای بلندی می‌روید. برگهای من دارای پهنکی باکنگره‌های عمیق است که دندانهای آن به یک خارنک تیز منتهی می‌شود. برگهای پهن

من در قسمت فوقانی سبز و در قسمت‌های تحتانی سفید است، و این بهترین راه تشخیص گیاه من است.

قبه گل‌های من گرد و به رنگ لاجوردی است و در ماه‌های تیر تا شهریور بسیار زیبا است. این قبه در بالای ساقه روییده و با برگ‌های دورنگ منظره زیبایی به گیاه من می‌دهد. میوه من پوشیده از تارهای زرد رنگ بوده و در سر آنها یک دسته تار وجود دارد. زنبور عسل از گل‌های من نوشی مرغوب به دست می‌آورد، گل‌های من دارای عطر مختصری می‌باشد. تمام قسمت‌های گیاه من به استثنای میوه که کمی سمی می‌باشد. پیشاب‌آور و معرق است و در مداوای امراض جلدی به کار می‌رود. نمونه‌های غیر سمی من علاوه بر اطراف تهران، در رضائیه، تبریز، تفرش، خرم‌آباد، ازنا، ایسپلی‌گیلان و اطراف شیراز می‌روید. در بعضی از نقاط جهان از گیاه من سقزی می‌گیرند که برای جویدن مفید است.



ما همانند «چوب چینی» هستیم!

چندی پیش روزنامه اطلاعات به نقل از جراید خارجی نوشت که گیاهی به نام "ژین سنگ" که در چین می‌روید مورد توجه کارخانه‌های داروسازی بزرگ قرار گرفته و خواص چندی به آن نسبت می‌دهند و اکنون مشغول مطالعه و بهره برداری از آن می‌باشند. بلافاصله این جانب به اطلاع عموم رساندم که فارسی این گیاه چوب چینی است، و بعد از چینیه‌ها، تعداد زیادی از داروسازان سنتی ایران روی آن مطالعه کرده و خواص و منافع آن را که بسیار می‌باشد، تعیین کرده‌اند.

در همان مقاله تذکر دادم که در ایران ما نیز گیاهان مخصوصی به عمل

می‌آید که مورد توجه داروسازان سنتی بوده، و منافع آنها کمتر از چوب چینی نیست و همچنین وعده دادم که در کتاب زبان خوراکیها، یکایک آنها معرفی خواهند شد. اکنون یک دسته از این گیاهان که به فارسی به آنها "دیوخار" می‌گویند، به شما معرفی خواهند شد.

اسم ما دیوخار است

در زبان فارسی به همگی ما "دیوخار" و به انواع ما که بیش از صد گونه می‌باشند، گرگ‌تیغ، کام‌تیغ، "فیلزهره" و "آسه" می‌گویند. عربی ما عوسج است، ولی بعضی از لغت نویسان اشتباهاً عربی چند گیاه دیگر را نیز عوسج و "عوسج‌اسود" نوشته‌اند. درخت ما شبیه درخت انار و پراز خار می‌باشد برگ ما ترش‌حی چسبنده دارد که مورد استفاده زنبور عسل می‌باشد و زنبوری که از نوش ما استفاده کند، شفای بیشتری را دربر دارد. میوه ما مانند نخود گرد و کوچک می‌باشد که پس از رسیدن قرمز می‌شود. گل‌های ما بیشتر گلی روشن است، نوعی دیوخار وجود دارد که برگ آن سیاه بوده، و میل به سرخی دارد. برگ آن عریض‌تر از انواع دیگر و خار آن بیشتر و میوه آن باریک‌تر است. شیخ‌الرئیس ابوعلی سینا معتقد است که نوعی "دیوخار" در مناطق سردسیر می‌رود که میوه آن مانند انگور بوده، و مردم آن را می‌خورند. ولی با تحقیقاتی که به عمل آمده تا کنون این نوع شناخته نشده است.

قسمت مورد استفاده من برگ سر شاخه و ریشه درخت من می‌باشد. از میوه من هم می‌توان درتداوی استفاده نمود. مخصوصاً در معالجه مرض قند. گرگ‌تیغ در اطراف کرج فراوان است و نوع معروف به "آسه" در جنوب غربی ایران، بوشهر، بلوچستان، یزد، خوزستان، لرستان و نواحی شمال ایران و بطور کلی در تمام شوره‌زارها می‌روید، و انواع دیگر من نیز بیشتر در اراضی بایر و کویر به عمل می‌آیند، به نوع "آسه" در مصر "خولان" می‌گویند. از پوست میوه گیاه ما نوعی ماده رنگین استخراج می‌نمایند. اعضای مختلف گیاه من مدر، مسهل، و ضد تشنج است، برای درمان سیاه‌سرفه و سرفه‌های تشنجی آن را توصیه کرده‌اند. جوشانده یک گرم گیاه من در یک فنجان آب

در ۲۴ ساعت توصیه می‌شود که آن را جرعه جرعه بنوشند. عصاره من جهت امراض چشم، تقویت بینایی و فروبردن ورمها و درمان زخمهای پوستی و تسکین فشار خون و جلوگیری از سکسکه و قی و همچنین درمان اسهال توصیه شده، و پادزهر سموم نیز می‌باشد. اگر آب برگ تازه مرا گرفته، هفت روز پی در پی در چشم بچکانید، سفیدک چشم را برطرف می‌کند و چون آب میوه مرا گرفته خشک نمایند، و در موقع لزوم آن را با سفیده تخم مرغ یا شیر در چشم بچکانید، و یا آن را به صورت داروهای چشمی در آورده، در چشم بچکانید، برای بسیاری از امراض چشمی و سفیدک چشم مفید می‌باشد. ضمناً برگ من بر پیشانی جهت جلوگیری از آبریزش چشم مفید است. جویدن برگ من جهت جوشهای دهان نافع است. ضماد برگ تازه من جهت آبله و بادسرخ که حرارت آن زیاد نباشد مؤثر است. خوردن عصاره برگ تازه من جهت درمان گال و تسکین التهاب صفرا مفید می‌باشد، یکی از پزشکان قدیم به نام شریف می‌نویند:

" که پزشکان پارس جذام را با ریشه من معالجه می‌کردند، و برای این کار ۷/۵ مثقال ریشه مرا گرفته و با نیم لیتر آب جوشانده، صاف می‌نمودند و بعد آب صاف شده را آنقدر حرارت می‌دادند که مقدار آن یک سوم شود، و آن را به بیمار می‌دادند و به این ترتیب شکم او چهار پنج مرتبه عمل می‌کرد و آنچه سودای سوخته در بدن او بود، دفع می‌شد. این عمل برای مبتلایان به جذام مفید بود، مشروط بر اینکه، دو روز نخود آب یا گوشت گوسفند فربه میل نمایند و روز سوم جوشانده مذکور را بنوشند و سه روز آن را تکرار نمایند و روز بعد حمام روند. انطاکی این جوشانده را جهت گال، خارش و پاک کردن لکه‌های سیاه پوستی بهتر از چوب چینی دانسته است، و چون ریشه مرا ریزریز کرده، و با برگ "مورد" بسوزانند، جهت زخم و امراض مقعد و زخمهای پلید و بدخیم و رویاندن مو اثر سریع دارد. میوه من در جمیع افعال مانند برگ بوده از خونریزی سینه و اسهال خونی جلوگیری می‌نماید. مقدار خوراک من یک مثقال است.

رمالان و جادوگران و اشخاص خرافاتی همراه داشتن مرا باطل کننده
سحر و جادو می‌دانند، هر چند این موضوع حقیقت ندارد، ولی آنچه مسلم
است این است که دود کردن گیاه من حشرات و میکروبها را فرار می‌دهد و از
بین می‌برد

حضض

داروسازان قدیم به عصاره چند نوع دیوخارحضض گفته و بعضی حضیض
نوشته‌اند و آن را به دو دسته تقسیم کرده‌اند. یکی حضض مکی و دیگری حضض
هندی که به آن رسوت هم می‌گفتند حضض مکی عصاره نوعی دیوخاراست که
در صحرای عرفات وجود دارد، و غالباً به پای حجاج می‌رود و به هنگام حج
که حاجیان در لباس احرام می‌باشند، کندن آن تقصیر می‌باشد. حضض هندی
عصاره فیلزهره است و بعضی را عقیده بر آن است که عصاره تمام انواع دیوخار
به این نام خوانده می‌شوند. برای تهیه این عصاره بایستی تمام قسمتهای
گیاه را از ریشه، برگ، ساقه و بذر را گرفته و طبق معمول عصاره سفت یاروان
تهیه کرد. خوردن این عصاره برای ورم روده و سایر ورمهای داخلی مفید بوده،
و برای کسانی که زیاد عرق می‌کنند مفید است. خونریزی از سینه و سرفه‌های
خونی را معالجه می‌کند، درد کبد را تسکین می‌دهد، یرقان را معالجه می‌نماید
برای جلوگیری از خونریزی زیاد بانوان سودمند می‌باشد. خون بواسیر را بند
می‌آورد و زخم مجاری ادرار و التهاب آن را برطرف می‌کند. رفع تشنگی می‌نماید
و در معالجه هاری می‌تواند نقش مؤثر داشته باشد. چکاندن عصاره روان آن
در گوش چرک را از بین می‌برد. مضمضه آن جهت تقویت لثه و معالجه پیوره
مفید می‌باشد، غرغره آن برای رفع ورم گلو نافع است. سرمه عصاره خشک
آن جهت جوش و خارش پلک توصیه شده، و برای تراخم مفید است و آبریزش
چشم را برطرف کرده و باعث تقویت بینایی است. مالیدن آن جهت شقاق و
زخم مقعد مفید می‌باشد. تنقیه محلول آن جهت اسهال مزمن و زخم روده
سودمند است. قریشی می‌نویسد: با اینکه این عصاره خون را بند می‌آورد باز
کننده عادت ماهانه زنان نیز می‌باشد، مقدار خوراک آن نیم مثقال تا ۷/۵

گرم است و خوردن یک مثقال آن جهت معالجهٔ مرض قند بهتر از چوب چینی است، و اینطور به نظر می‌رسد که در انواع دیوخار نوعی پنی سیلین گیاهی وجود دارد.

اسم من «علف هزار چشم» است!

فارسی من علف هزار چشم است، مرا از آن جهت هزار چشم می‌گویند که روی برگهای من تعداد زیادی غدد شفاف قابل عبور نور بوده، و اینطور به نظر می‌رسد که دارای سوراخهای ریز است. به من سبزی یوحنا، نارقیصر، تاکسیر، حشیشة الجزایر و هوفاریقون هم می‌گویند. و این روزها عده‌ای مرا علف چای می‌گویند. من در کرج، راه چالوس، درهٔ عمارلسو، بین کبوتر چاک و پاک‌وه، آذربایجان، رضائیه، دیلمان، قره‌داغ، جنگل علی‌بلاغ، گیلان، طالش، خراسان، بروجرد، کوه‌الوند، نهاوند و نواحی البرز می‌رویم من صد و هشتاد گونه دارم که سه نوع آن در داروسازی سنتی ایران به اسمی "هوفاریقون" کوچک - بزرگ

و متوسط وارد شده است. غد د شفاف من محتوی شیرۀ قرمز رنگ مایل به قهوه‌ای است. گل من شبیه دیهیم است، و ذرا و ا خرار دیب هشت تا مهر ماه ظاهر می شود و منظره زیبایی به گیاه من می دهد و سرشاخه های گلدار گیاه من دارای عطر و تاننی شبیه تانن چای می باشند که مقدار آن به دوازده درصد می رسد، و علاوه برداشتن مواد مؤثر دارویی، دارای ماده قرمز رنگی نیز می باشد. این ماده رنگی در میوه من هم زیاد است، سرشاخه های گلدار مرا بایستی در اوایل گل دادن که گلها هنوز تازه بوده، و پلاسیده نشده است چید. در این هنگام طعم آن تلخ، قابض و کمی شور است. اگر بین انگشتان آن را بفشارند عطری از آن به مشام می رسد. این سرشاخه ها را پس از چیدن باید با نخی به هم بسته و روی طناب آویزان نمایند تا خشک شود و گلها رنگ زیبا و طعم خود را مدتی حفظ نمایند. دم کرده سرشاخه های گلدار من شبیه چای بوده، و نیرو-بخش، صفرابر، ضد عفونی کننده، مسکن اعصاب و اشتها آور است. و به هضم غذا کمک می کند و چون از راه ادرار دفع می شود، در راه خود مجاری ادرار را ضد عفونی می کند و به ادرار رنگ قرمز می دهد. برگ و میوه من ضد نزله، تب بر و ضد کرم بوده، ضماد برگ من زخمها را التیام می دهد، و برای درمان کمی اشتها، اسهال ساده، قولنج کبدی و کلیوی، یرقان، استسقا، سنگ کلیه و مثانه، نزله های ششی، سل، تنگ نفس، کم خونی دختران، هیستری، میگرن، تشنج، عدم تعادل عصبی، سیاتیک، بواسیر، کرم روده و رفع ترشحات زنانه تجویز می شود. ضمناً برای معالجه بی اختیاری ادرار، حرکت و راه رفتن در خواب، سردرد و نفخ آن را توصیه می نمایند. روغن قرمزی که از گل من می گیرند، بهترین دارو برای درمان زخمهای جلدی، تاول و سوختگی است و چون این روغن خاصیت بی حس کننده موضعی دارد، برای رفع ناراحتیهای سوختگی بسیار مفید است، و التهاب را تسکین می دهد و از تاول کردن و چرکی شدن و ناسور جلوگیری می کند، مالیدن آن برای تسکین دردهای روماتیسم و تقرس مفید است و در ضمن برای معالجه کوبیدگی اعضا، خون مردگی، در رفتگی، درد کمرو جتی برای عرق النساء هم مفید می باشد.

زیاده روی در خوردن من خوب نیست، زیرا محرک سلسله اعصاب بوده،

وتشنج آور است و حیواناتی که از علف من چرا می کنند، دچار عوارض جلدی می شوند. خوردن عصاره من چهل روز پی در پی جهت نقرس و سیاتیک نافع است. خوردن میوه من جهت کزاز و باز شدن گرفتگی معده و کبد و روده ها و باز شدن ادرار و عادت ماهانه مفید می باشد. حمل میوه من جهت باز شدن ادرار، حیض سودمند است. لرنگی در میوه من هم زیاد جهت سیاتیک مجرب است. خوردن برگ من با سداب، جهت درمان تب ربع نافع است. ضماد برگ من جهت جراحات سخت و بدخیم سودمند می باشد. پاشیدن گرد کوبیده برگ من جهت خشک کردن زخمهای چرکی متعفن بی نظیر است.

مقدار خوراک من به طور دمکرده ۲۰ تا ۳۰ در هزار یک فنجان قبل از هر غذا می باشد.

روغن گل هزار چشم

برای تهیه روغن من بهترین راه این است که گل های مرا بدون کاسه و دمگل ۲۵ گرم گرفته و در نیم لیتر روغن زیتون مخلوط کرده، در شیشه ای بریزید و بعد پانزده روز در جای گرم برابر آفتاب بگذارید و سپس صاف کرده و به کار برید. این روغن ضد عفونی کننده و مسکن قوی بوده، و مالیدن آن بر روی زخم سبب پیدایش گوشت و پوست نو می باشد و ضمناً می توان در مواقع گرفتگی غیر ارادی بدن و درد شکم هشت قطره از این روغن را روی یک حبه قند چکاند و میل نمود.

برای رفع بی اختیاری ادرار بهتر است دو گرم سرشاخه مرا با دو گرم آویشن دم کرده و نوشید.

علف هزار چشم بزرگ

من نوع بزرگ علف هزار چشم هستم. طول گیاه من ۴۰ سانتی متر و گاهی بیشتر است، اعراب به من "رمان الانهار و عربیه" می گویند، و در کتب مرا "هوفازیقون کبیر" نامیده اند. من در شمال ایران مانند گیلان - بین رود بارو رشت - گرگان، خراسان، راه چالوس و کرج، دره تالار و بعضی از مناطق مازندران

می‌رویم. گیاه من بزرگتر از انواع دیگر هزارچشم بوده و برگهای من شبیه برگ نعناست. ساقه‌های من سرخ و گل‌های من زردرنگ و بذر من در غلافی شبیه خشخاش است. مرا به علت داشتن گل‌های درشت و قشنگ در گلخانه‌ها پرورش می‌دهند. برگ‌های من درشت و بدون دم و بیضی و قلبی شکل است و این بهترین وسیله برای تشخیص من است.

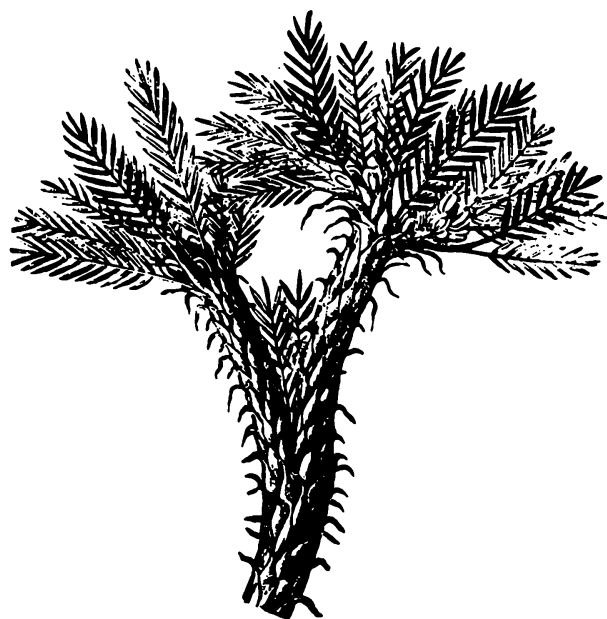
میوه من مسهل صفر و سودای سوخته است، و از اعضای مختلف من مانند انواع دیگر هزارچشم در داروسازی استفاده می‌شود. ضماد برگ‌های من، زخم‌های پلید و چرکین را خشک می‌کند و التیام می‌دهد. ضماد برگ له شده من برای رفع سوختگی و زخم‌های بزرگ به کار می‌رود و پادزهر سموم می‌باشد.



من «برگ نو» هستم!

فارسی من برگ نو می باشد. به من نوارابیض، یاسم، فغو، سوسنابیض هم می گویند. در ارسباران به من "قره دون" و در آستارا مندارچه می گویند. من از خانواده زیتون بوده. درختچه من ۲ تا ۵ متر ارتفاع دارد. برگهای من بیضی و دارای نوک باریک بوده، خزان نمی نماید. یعنی تمام سال سبز است و تنها برگهای من در زمستان کمی قرمز می شوند و منظره قشنگی به گیاه من می دهند. مرا در بعضی از خانه های تهران و باغات شمیران می کارند. در آذربایجان، در جنگلهای ارسباران، حسن بگلو و نواحی شمال، مخصوصاً طالش و آستارا از قدیم به طور خودرو به عمل آمده ام. گلهای من سفید و میوه

من قرمزا است و پس از رسیدن سیاه می شود زنبور عسل به گیاه من علاقه فراوان دارد. عده‌ای نسبت به گیاه من حساسیت دارند. از میوه قرمز من یک ماده رنگی جهت قرمز کردن مواد غذایی استخراج می نمایند و از این رنگ در آزمایشگاهها به جای تورنسل می توان استفاده کرد. زیرا در محیط ترش قرمز رنگ و در برابر قلیا بیها سبز رنگ است. برگ و گل‌های من قابض بوده، و جوشانده آنها به طور غرغره برای درمان و تسکین گلودرد و ورم لوزتین مفید می باشد. مضمضه با آب جوشانده برگ من، جوشهای دهان را برطرف می کند و برای از بین بردن برفک تجویز می شود. برای رفع سستی زبان کوچک داروی بسیار مفیدی است. پوست درخت من تب بر بوده، و از آن به عنوان مسهل نیز می توان استفاده کرد.



اسم من «کتیرا» است!

من صمغی هستم که از بعضی انواع "گون" در اثر شکاف طبیعی یا مصنوعی به دست می‌آیم، برای تهیه من معمولا "گون" را تیغ می‌زنند، تمام گونه‌های گون، کتیرا دارند. ولی معمولا انواع پر صمغ را که گون کتیرا یا علف کتیرا نامیده می‌شوند انتخاب می‌کنند. من یکی از اقلام صادراتی ایران هستم و در صنعت موارد استعمال زیاد دارم. من در آب حل نمی‌شوم، ولی آب را به خود جذب کرده متورم شده و به صورت صمغ و چسب در می‌آیم. در صنایع نساجی، کاغذسازی و کفاشی از من جهت تهیه چسب استفاده می‌شود، و در اکثر نقاط ایران، مخصوصاً مشهد، سبزوار، سلطان‌آباد، تربت حیدریه، کرمان، ملایر، کردستان

وشیراز به دست می‌آیم در ایران حدود پانصد گونه "گون" مولد کتیرا به عمل می‌آید، و در حقیقت در هر نقطه ایران نوعی خاص وجود دارد. صمغ من کمی تفاف، بی مزه و لزج است، و به رنگهای سفید، زرد، قهوه‌ای کم رنگ و قهوه‌ای پررنگ دیده می‌شود. سه نوع من در بازار معروف است: کتیرای ورقی، کتیرای معمولی و کتیرای مفتولی. نوع ورقی من از تیغ زدن ساقه به دست می‌آید. کتیرای مفتولی را از فرو بردن سیخ یا میخی در ساقه فراهم می‌سازند، و کتیرای معمولی که چندان مرغوب نیست به شکل لوله یا مدور است. قسمت عمده محصول ایران کتیرای ورقی است.

خوردن کمی از من جدار معده و روده‌ها را روغن می‌زند و همراه با ادویه، از مضار وحدت آنها می‌کاهد و خون رقیق را اصلاح می‌کند. کمی مسهل است، ضماض من ورمهای سخت را نرم می‌کند، سرمه من با ادویه جهت زخم چشم مفید است. خوردن من با شیر تازه جوشیده، خونریزی سینه و معده را بند می‌آورد. مکیدن من برای درمان سرفه و نرم کردن سینه و گلو و زخم شش و گرفتگی آواز تجویز می‌شود و چون با عسل مرا مخلوط کرده حب یا قرص نمایند و در دهان گذاشته، پس از مکیدن آب آن را فرو برند، جهت امراض سینه و گلو مفید می‌باشم، خوردن من مقوی معده بوده، برای درمان ورم معده و روده مفید است.

مسکن درد کلیه و مثانه بوده، و از حرارت ادرار می‌کاهم. من از سمیت داروهای سمی می‌کاهم.

برای چاق شدن اشخاص خیلی لاغر به آنها دستور دهید که روزانه کمی از مرا با مغز بادام و نشاسته به صورت پاستیل در آورده، میل نمایند و بعد نارگیل را در شیر جوشانده، روی آن بنوشند. در استعمال خارجی مالیدن من پوست را نرم می‌کند، ترک لب را التیام می‌دهد، و مالیدن آن با سرکه لکه‌های پوستی و کک و مک را برطرف می‌سازند، و برای برص نیز تا اندازه‌ای مفید می‌باشد، و با مهر گیاه از چند شقه شدن مویلوگیری می‌کند. شستن موهای خشک با من و زرده تخم مرغ بسیار نافع بوده، و از شکنندگی آن جلوگیری می‌نمایم و شوره را برطرف می‌سازم.

ضماد من با گوگرد جهت جرب و آکله بسیار نافع است.
در داروسازی جدید، مرا جهت معلق نگاه داشتن داروهای غیرمحلول
و تهیه قرصهای صمغی و برای نرم کردن سینه به کار می‌برند و همچنین برای
تهیه "موسیلاز" ها و گرد کتیرا از من استفاده می‌شود.

گون «بروزن لبن»

فارسی من گون است، به من علف کتیرا هم می‌گویند. من بوته‌ای علفی
بوده، و انواع من بیشتر خاردار می‌باشد. به انواع من "نوارس مسواک القیاد"،
مسواک المسيح، شجره‌القدس هم می‌گویند. در کتب داروسازی سنتی مرا قتاو
خوانده‌اند، ولی فارسی صحیح من گم بر وزن قم می‌باشد، و در زبان فرانسوی
این لغت را از فارسی گرفته، به انواع صمغ اطلاق می‌نمایند و در شیراز به من
بالش عاشقان گویند. خارهای بوته من نوک‌تیز و خم شده به سوی پایین است،
ساقه گیاه من بی‌خار بوده، و مانند نی می‌باشد.

شتر به خوردن گیاه من چندان راغب نیست، مگر در سالهای خشکی که
باران نباریده و علف سبز نشده باشد، و چون مواشی از گیاه من چرا نمایند،
فربه خواهند شد. میوه من شبیه هسته خرما است. نوشیدن آب بوته من جهت
سرفه، تنگ‌نفس و زخم‌ریه سودمند است، و چون آب ساقه مرا با عسل برروی
لکه‌های پوستی بمالند، آنها را برطرف خواهد نمود. ریشه گیاه من چرب بوده
و مانند مشعل می‌سوزد، برای پاک کردن لکه‌های جلدی می‌توانید ریشه مرا خشک
کرده، کوبیده و با سرکه مخلوط کرده، به کار برید.

نوارس

من نوعی گون هستم که بیشتر به من شجره‌القدس و مسواک‌المسیح می‌گویند.
من در غرب ایران مانند کرمانشاه و همدان و کردستان می‌رویم، شاخه‌های
گیاه من باریک و بلند بوده، طول آنها به سه ذرع می‌رسد. برگهای گیاه من
ریز دنداندار بوده، و دارای کرکی شبیه به پشم می‌باشد. گل‌های من زرد و

خوشبو و طعم آنها تند است. خار من مانند سوزن است. کتیرای من سرخ و قهوه‌ای پررنگ می‌باشد.

نوشیدن عصاره آبی گیاه من جهت معالجه سل و زخم ریه و ذات‌الجنب دارویی کم نظیر است، و پادزهر سموم گیاهی است. ضماد بیخ من برای التیام جراحات اعصاب مفید بوده و به همین جهت مرا شجرة العصب هم نامیده‌اند. جوشانده و دمکرده شکوفه من جهت درد اعصاب و گرفتگی اعضا و دررفتگی استخوان و عضلات مفید می‌باشد. جوشانده گیاه و گل من قائم‌المقام کتیرا بوده، و نوشیدن آن از خونریزی سینه و خونریزی معده جلوگیری می‌نماید.



من «خرس گیاه» هستم!

فارسی من خرس گیاه است، به من علف خرس هم می‌گویند، عربی من حشیشة‌الدب می‌باشد. من یک گیاه علفی هستم که بیشتر در، گیلان می‌رویم، برگهای من در قسمت پایین ساقه بیضی ساده، و نامساوی است، و غالباً به یک برگچه منتهی می‌شود، ولی برگهای قسمت فوقانی ساقه من مرکب از ۷ تا ۱۳ برگچه باریک و نوک تیز است، و همین اختلاف شکل برگهای فوقانی و تحتانی، بهترین راه تشخیص گیاه من است.

گل‌های من کوچک زرد یا نارنجی است، و گاهی مایل به قرمز است و به صورت مجتمع با ظاهری مدور می‌باشد، میوه من غلافی و در داخل غلاف فقط

یک دانه وجود دارد. مرا به عنوان یک گیاه زینتی می توان کاشت. چون گل‌های من زیبا می باشد، قسمت مورد استفاده من گل و قسمت‌های هوایی گیاه من است. برگ و قسمت‌های مختلف گیاه من دارای جوهر مازو، صمغ و ماپوئین و یک ماده رنگی است. دانه‌های من دارای روغن قابل استخراج می باشند. گل من قابض و التیام دهنده جراحات است، و برای تصفیه خون مفید می باشد. گل‌های من ملین بوده، دمکرده ۵۰ در هزار آن برای تقویت معده و روده‌ها و رفع استفراغ اطفال مفید می باشد، و در استعمال خارجی جوشانده گل و سرشاخه‌های من به کار می رود.



اسم من «مازریون» است!

فارسی من هفت برگ بوده به شیرازی "هشترو" گویند، عربی من زیتون الارض بوده و در کتب سنتی مرا مازریون خوانده‌اند. درختچه من زیبا بوده و در نواحی مختلف ایران به صورت خودرو می‌روید و بیشتر می‌توان آن را در جنگلهای طالش، دینوچال، کلاردشت و آسپیتا دید. گل‌های من بسیار زیبا و دارای عطری بسیار مطبوع است، رنگ گل‌های من بیشتر قرمز است، میوه من آبدار و سبز است و پس از رسیدن قرمز می‌شود، و مرا به علت زیبایی درباغچه‌ها پرورش می‌دهند، نمونه‌های پرورش یافته من بلندتر و گل‌های درشت‌تری دارند. پوست ساقه، برگ و میوه من پیشاب‌آور، مسهل و معرق بوده، التیام دهنده

زخمهاست، ولی به علت خطراتی که دارد کمتر استعمال می شود. "ملا احمد تبتی" در تاریخ الحکما چنین می نویسد: در شهر بصره شخصی مبتلا به استسقای مزمن بود، تمام پزشکان از معالجه آن عاجز ماندند، و بیماری او را غیر قابل علاج اعلام داشتند. همینکه از درمان مأیوس شد و امید او به زنده ماندن قطع گردید، گفت: مرا بگذارید تا چند روز دیگری که زنده هستم آنچه را می خواهم بخورم، تا از گرسنگی نمیرم. پزشکان به او گفتند هر چه میل داری بخور. او در بین راه به دوره گردی برخورد که ملخ پخته می فروخت. هوس خوردن آن کرد و مقداری از آن را خرید و خورد و پس از ساعتی مبتلا به اسهال شد، و آنقدر آب زرد متعفن از شکم او خارج شد که هیچ کس گمان نمی کرد این مقدار آب در شکم انسان باشد و بعد از آن به کلی از آن مرض نجات یافت. چون این خبر به پزشکان معالج رسید تعجب آنها زیادتر شد، زیرا ملخ پخته شکم را بند آورده و تولید بیوست می نماید، و نباید تولید اسهال نماید، یکی از پزشکان در صدد تحقیق برآمد و به فروشنده ملخ مراجعه کرد و از وی پرسید که تو این ملخها را از کجا آوردی؟.. محل صید اینها در کدام محل بوده و در آنجا چه گیاهی روئیده بود؟ ملخ فروش جواب داد که من این ملخها را از جایی صید کردم که در آنجا گیاهی جز مازریون وجود نداشت، و خوراک این ملخان برگ مازریون بود. طبیب چون این خبر شنید امر را درک کرد و چون می دانست که برگ مازریون مسهلی قوی و خطرناک است اگر کسی یک مثقال آن را بخورد به چنان اسهالی مبتلا می شود که بند آمدن آن غیر ممکن است. به همین علت است که اطبا مازریون را بدون مصلح تجویز نمی کنند، و چون ملخ این گیاه را خورده در بدن او از سمیت آن کاسته شده و خطر آن برطرف گردیده، مسهل خوبی برای شخص مبتلا به استسقا درست شده است. داروسازان سنتی ایران برای اینکه از این گیاه در معالجه استسقا استفاده کنند و از منافع آن بهره مند شده، و جلو ضرر آن را بگیرند، روش خاصی پیدا نموده اند و به این منظور برگ تازه را هنگامی که گیاه من گل می کند چیده، و دو شبانه روز در سرکه خیسانده و دو سه بار سرکه آن را عوض کرده و بعد برگها را شسته و خشک می نمودند. خوردن این برگ بهترین درمان استسقا بوده و اقسام گرم و گرم

کدو را از بین می برد. برگ من ضد عفونی کننده ای قوی و پاک کننده احشاء داخلی است. مضمضه جوشانده من مخصوصاً نوع سیاه آن مسکن درد دندان است، و چون مقداری فلفل سیاه را سائیده و بر برگ من مالیده و آن را در حفره دندان کرم خورده گذارند، درد آن را ساکت و از پیشرفت کرم خوردگی جلوگیری می نماید. آشامیدن دم کرده من با شراب جهت نیش حشرات نافع بوده، و پادزهر سموم آنها است. ضماد تمام اقسام من با عسل جهت زخمهای چرکین و کندن ریشه خشک آنها و معالجه اگزمای آبدار مفید می باشد، و با موم روغنی جهت زخمهای پلید نافع است. مالیدن برگ من برای لکه های جلدی و جوشهای پوستی مفید است، مخصوصاً اگر با گوگرد همراه باشد.

پوست انواع من محرک جلدی و تاول آور است، بطوری که اگر پوست تازه گیاه مرا از طرف داخل روی پوست بدن قرار دهند، ایجاد تحریک و قرمزی کرده، تولید تاول می نماید. خوردن آن نیز در معده ایجاد سوزش کرده، تولید استفراغ می کند و چنانچه زیاد مصرف شود، باعث تورم روده خواهد شد و به همین جهت است که پوست گیاه مرا به عنوان تاول آور به کار می برند، و برای این کار بهتر است که پوست تازه مرا نیم ساعت در سرکه قرار داده و بعد ۲۴ ساعت بر روی پوست گذارند.

کرم دانه

من نوعی مازریون می باشم که در کتب دارویی قدیم به من اشخیص می گفتند، و گونه ای از من در اطراف رضائیه و فارس می روید و به آن خشک گویند. من درختچه زیبایی هستم به ارتفاع یک تا دو متر که در اراضی خشک اطراف مدیترانه می رویم و آنچه در فارس و رضائیه می روید، گونه ای از من است، من ریشه های دراز و شاخه های پر برگ دارم، برگهای من ضخیم، باریک و نوک تیز است، و گل های من در فاصله تیر ماه و شهریور ظاهر می شوند و خوشه ای می باشند. میوه من قرمز آبدار بوده و دارای دانه های گرد است. مغز دانه آن سفید و روغن دار است، قسمت مورد استفاده من برگ میوه و پوست ساقه من است که دارای همان خواص مازریون بوده، و اثر سوزنده و تاول آور آن بیشتر است.



من «سریش» هستم!

فارسی من سریش است، به من اشراس و اشراش هم گفته‌اند. من ساقه زیرزمینی گیاهی هستم از تیره لاله‌ها. گل‌های گیاه من قشنگ و زینتی است، و به صورت خوشه کله‌قندی می‌باشد و به قدری قشنگ است که گل‌های مرا گل فروش‌ها به قیمت‌گزاف می‌فروشند. من در بیشتر مناطق کوهستانی ایران، مخصوصاً خراسان می‌رویم و به خصوص بین مشهد و چشمه شاهان گرماب زیاد به عمل می‌آیم، گیاه من پایاست و ریشه آن در زمین می‌ماند و همه ساله سبز شده و گل می‌دهد. ساقه زیرزمینی من ضخیم و لعابدار است و می‌توان بهترین چسب را با آن ساخت. صحافان، کفاشان، صندوق‌سازان و سراجان همه از چسب من

استفاده می‌کنند. زیرا که کوبیده ساقه زیرزمینی من دارای چسبی محکم است، ولی باید همیشه آن را به مقدار لازم تهیه کرده و فوراً به کار برد. ولی اگر مدتی آن را نگاه دارند، تجزیه شده و آبدار می‌شود. مخصوصاً اگر آن را در ظرف سربسته نگاه دارند به امید اینکه خشک نگردد. خوردن من جهت درد پهلو، سرفه، یرقان حاصله از زیادی صفرا، دل‌پیچه و خشونت سینه مفید می‌باشد، و چون ساقه زیرزمینی مرا خرد کرده و بخورند، ادرار و حیض را باز می‌کند. ضماد آن ورم را فرو می‌برد و با سرکه جهت گری و لکه‌های جلدی مفید است، ضماد من جهت رفع شکستگی اعضا و ضرب خوردگی جلدی فتق، ورم بیضه و ورم‌های پلید و بدخیم، و با سرکه و روغن زیتون جهت اگزما، جرب، خارش و نرم کردن مواضع سخت شده پوستی و با آرد جو جهت اگزما و ریزش طبقات شاخی پوست و ورم‌های بلغمی سودمند است. بذر گیاهی من ضد عفونی‌کننده و دارای پنی‌سیلین گیاهی است، اخلاط غلیظ را از بین می‌برد و جهت جلوگیری از خونریزی سینه مفید است و با عسل جهت تصفیه جگر نافع می‌باشد. برای تهیه ماسک‌های زیبایی می‌توانید کوبیده ساقه زیرزمینی مرا با آب میوه مخلوط کرده به کار ببرید. مقدار خوراک ساقه زیرزمینی من یک مثقال و بذر من سه گرم می‌باشد.



اسم من «خرزهره» است!

فارسی من خرزهره است. اعراب به من جین، سم الحمار و وردالحمار و وردالحمام می‌گویند، ولی داروسازان سنتی ایران مرادفلی (دفلا) خوانده‌اند. من یک درختچه‌زینتی هستم، با برگهای دراز و ضخیم که دائماً سبز می‌باشند. مرا به علت داشتن گل‌های قشنگ که مانند چتر بر سر شاخه ظاهر می‌شود، و برحسب نوع به رنگ گلی یا سفید است، درتهران و اکثر شهرهای ایران و در خانه‌ها می‌کارند. چون علاوه بر زیبایی اکثر حشرات مانند ساس، کیک، کرم خاکی و غیره را از بین برده، از میزان پشه و مگس می‌کاهم. گل‌های من نوش فراوان دارند، ولی تا زمانی که زنبورهای زرد معمولی وارد جام آن نشده و

راه را باز ننمایند نمی‌تواند مورد استفاده زنبور عسل واقع شوند. درختچه من به طور خودرو در جنوب ایران و بین کرمانشاه و بغداد می‌روید. من یک گیاه سمی هستم. موادمسی من درگل، برگ و شیرابه ساقه‌های من وجود دارند. در یکی از جنگهای قدیم سربازان اسپانیا از ساقه‌های من به جای سیخ برای تهیه کباب استفاده کردند، و در اثر مسمومیت همگی تلف شدند، و روی همین اصل بود که داروسازان سنتی ایران هیچگاه خوردن و استفاده داخلی آن را توصیه نکرده و فقط استعمال خارجی آن را تجویز کرده‌اند. ضماد پخته سائیده برگ من جهت تحلیل ورم‌های سخت و نرم کردن آنها، تسکین درد پشت و درد زانو و رفع خارش و التیام دهانه زخم‌های چرکی سودمند است آب کوبیده برگ من جهت درمان جرب و خارش مفید است. پاشیدن برگ خشک کوبیده من جهت اگزما، خارش و التیام دهانه زخم‌های چرکی سودمند است، و حمل آن جهت درد رحم مفید می‌باشد. مالیدن آب برگ من جهت جلای رخسار و اصلاح مو نتیجه عالی دارد. پاشیدن آب جوشانده برگ و سرشاخه‌های من کشنده حشرات، مخصوصاً کنه، ساس، کیک، پشه خاکی و کرم باغچه است. چنانچه بز از برگ درخت من تغذیه نماید، خواهد مرد و شیر آن نیز مسموم کننده خواهد شد. جوشانده شاخه و برگ درختچه من جهت کچلی و جرب حیوانات مفید می‌باشد. اگر برگ گل مرا بپزید و له شده آن را در یک قسمت آب و دو قسمت روغن زیتون ریخته و با آتش ملایم بجوشانید تا آب آن تمام شده و روغن آن بماند روغنی به دست می‌آید که مالیدن آن درد اعصاب را تسکین می‌دهد. مالیدن آن شوره سر را از بین می‌برد و اعضای بی‌حس شده را تقویت می‌کند و درد پشت و درد لگن خاصره را تسکین می‌دهد و برای برص مفید می‌باشد و چون یک کمی از برگ من با یک کمی گوگرد و یک کمی کشک با هم کوبیده و با پیه مخلوط نمایند و بر روی اگزما بمالند، پس از هفت مرتبه مالیدن درمان می‌شود، و چون آن را دوازده مرتبه بر برص بمالند آن را زایل می‌نماید. در طب جدید استعمال داخلی مرا به مقدار کم مورد استفاده قرار می‌دهند، ولی به علت خطراتی که دارد، استفاده از آن بدون اجازه پزشک معالج ممنوع است، و با اجازه طبیب می‌توان از آن جهت معالجه ورم اندام‌های

بدن و تنگ نفس استفاده نمود. چنانچه از عصاره آبی و الکلی من کمتر از مقدار خوراک آن استفاده شود ضربان قلب را تنظیم می‌کند و ادرار را زیاد می‌نماید.

در داروسازی جدید حب‌هایی که دارای ۵٪ گرم عصاره الکلی یا آبی من باشد دو تا چهار حب در روز تجویز می‌شود.



من «هزار بندك» هستم!

فارسی من هزاربندک است. به من هزارپسر و هزارپیوند هم می‌گویند. به من پرسیاوشان دارو (یا پرسیاوشان اشتباه نشود) "کسته" و "عصای موسی" هم گفته‌اند. عربی من قصاب مصری و عصی الراعی است و عده‌ای از اعراب "ونکه صغیره" گفته‌اند. انواع بزرگ من که به تازگی در ایران به عنوان گل‌های زینتی پرورش می‌دهند. به نام خارجی آنها "پروانش" معروف است و به یک نوع آن "گل تلفونی" می‌گویند. من از تیره خرزهره می‌باشم. گیاه من دو نوع ساقه دارد، یک نوع آن در روی زمین خزنده بوده، بندبند است و از هر بند

آن ریشه‌ای به زمین فرو می‌رود و به همین مناسبت است که در فارسی به من هزاربندک گویند. نوع دوم ساقه من قائم بوده، و مولد گل می‌باشند. ساقه‌های خزنده من معمولا یک متر و ساقه‌های قائم یک پنجم متر می‌باشند. برگ گیاه من بیضی و عاری از کرک و دندان است. گل‌های من آبی - مایل به بنفش و آبی روشن و گاهی سفید - گلی و ارغوانی است، و معمولا گیاه من سالی دو نوبت در پائیز و اسفند گل می‌دهد. جام گل من لوله‌ای و باریک است و با اینکه نوش فراوان دارد، زنبور عسل نمی‌تواند وارد آن شود. مگر آنکه حشره کوچکی قبلا وارد شده، و آن را شکافته و فراخ نماید، به گل‌های من اعراب "آذان الغزال" می‌گویند. قسمت مورد استفاده من برگ و اندامهای مختلف من است. برگ مرا در هر فصلی می‌توان چید و خشک کرد. برگ‌های من قابض بوده، و سینه را نرم می‌کند و رقت خون را معالجه می‌نماید. ادرار آور و مقوی بوده، و از خونریزی سینه و معده جلوگیری می‌نماید. برای معالجه نزله‌های کهنه، اخلاط خونی و پیدا شدن خون در ادرار، ورم روده و اسهال کهنه، رفع ترشحات زنانه و تب‌های نوبه‌ای و سل تجویز می‌شود.

برگ‌های من داروی کمکی خوبی برای مداوای تب ولرز و جلوگیری از زیادی خون قاعدگی می‌باشد. غرغره جوشانده برگ من برای معالجه آنژین، ورم لوزه تجویز می‌شود و همچنین تنقیه با جوشانده آن جهت معالجه اسهال خونی و اولس‌های روده به کار می‌رود. هنگامی که شیر در پستان جمع می‌شود و همچنین برای پانسمان زخم و اولس‌پستان می‌توان از جوشانده برگ من استفاده کرد، مقدار خوراک برگ تازه من بیست گرم و برگ خشک من پانزده گرم است. برای استعمال خارجی معمولا جوشانده پنجاه در هزار برگ من به کار می‌رود و چکاندن چند قطره از آن در گوش برای از بین بردن چرک آن کافی است. نمک مستخرجه از خاکستر گیاه من به جای زاج در رنگرزی از طرف داروسازان سنتی ایران توصیه شده است، از پروانش و گل تلفونی نیز جهت مصارف فوق می‌توان استفاده کرد. یک نوع من در شهسوار می‌روید و به زبان محلی به آن خاک تره گویند، جوشانده خاک تره اسهال خونی را بند می‌آورد و پادزهر سموم می‌باشد. ضماد برگ آن

جهت از بین بردن جراحات تازه بادسرخ و آبله و همچنین زخمهای آبدار
و چرکین و رفع التهابات نافع می باشد. ضماد گرم برگ آن جهت سربازکردن
دمل سودمند می باشد.



اسم من «غافت» است!

فارسی من غافت بروزن آفت است، و معرب آن غافت می باشد. به من علف گلودرد، تیغ بدبو، شوکه منته، دوی جگر، قیزل پپراق، قزل پپراق، قاصیق اوتی، اکر سومنه، اوباطریوس، اوفاطریون و مشکانیه هم می گویند. من در گیلان، مازندران، رودبار- زیر درختهای زیتون دره عمارلو، باغ محسن، هرزیل - بین زرد چین و دارماش - جنوب و غرب ایران، کرمانشاهان، تفرش اشترانکوه، خراسان، دره ترک- بین بجنورد و شیروان، اطراف تهران و کرج می رویم. بهترین نوع من غافت فارسی است که از کوههای اطراف شیراز می آورند. برگهای من دارای هفت تا نه برگچه بزرگ دنداندار است و در فواصل آنها، برگچه های کوچک نامنظم می روید. گلهای من به رنگ نارنجی و زرد است و به صورت سنبله می باشد. میوه من به علت دارا بودن قلابهای کوچک به پوست

و پشم حیوانات می چسبد. نوعی از من که در سایه می روید ارتفاعش زیادتر و گلپایش درشت تر بوده. روی برگها غده های اسانسی دیده می شود. طعم من تلخ و زنبور عسل از گیاه من گریزان است. تمام قسمت های گیاه من مخصوصاً برگ خشک آن در داروسازی مصرف می شود. ترکیبات شیمیایی و عوامل مؤثر دارویی من هنوز مشخص نشده است. برگ من قابض، قاعده آور، مدر، ضد کرم و التیام دهنده زخمهاست. برای مصارف دارویی انواع من که در سایه روییده باشند، چون اسانس بیشتری دارند مفیدتر می باشند. برگ من برای جلوگیری از خونریزی و خونروی، پیدایش خون در ادرار، بی اختیاری دفع ادرار اطفال تجویز شده و نتایج عالی داشته است و بعلاوه برای از بین بردن ترشحات زنانه، ضعف معده، نفخ شکم، سنگ کلیه و رماتیسم توصیه شده است، و برای بیماریهای کبدی مزمن، نارسایی ترشح صفرا، یرقان، قولنج کبدی سودمند می باشد. جوشانده برگ من به صورت غرغره، برای از بین بردن عوارض آنژین، ورم لوزتین، ورم مخاط گلو و باز شدن صدا مفید می باشد. کمپرس و شستشوی جوشانده غلیظ من برای بهبود زخمها و جراحات و اولسرها مفید می باشد. دمکرده برگ و سرشاخه های من به نسبت بیست تاسی در هزار برای ضد عفونی کردن دستگاه هاضمه، باز کردن گرفتگی کبد و طحال، و امراض کهنه و باز شدن ادرار و حیض، و زیاد شدن عرق به کار می رود و بعلاوه برای رفع استسقا و زخم روده مفید می باشد. حمول آن پیشاب آور قوی بوده، و برای باز شدن عادت ماهانه زنان بعد از مایوس شدن اثر مفید دارد. برای غرغره و استعمال خارجی بهتر آن است که صد گرم گیاه خشک مرا در یک لیتر آب جوشانده و آن قدر بجوشانند تا مقدار آن به یک گرم برسد. عده ای برای این کار دستور داده اند که پنجاه گرم برگ غافت و پنجاه گرم زیرفون به کار برند. ضماد گیاه من با پیه خوک کهنه و یا پیه حیوانات دیگر جهت باز شدن دملهای سخت نافع است. عصاره گیاه من جهت معالجه جرب و خارش مفید است. عصاره من با عصاره افسنتین جهت معالجه داء الثعلب و داء الحیه به کار می رود. برای گرفتن عصاره من کافی است که آب گیاه تازه را گرفته با حرارت ملایم یا حرارت آفتاب خشک نمایند.



من «اسپیره» هستم!

اسم من اسپیره است. در نوبه من "شیرگا" گویند. عربی من "ملک المروج" یعنی سلطان مرتعها می باشد، عده ای هم عربی مرا "لحیة التیس" یعنی ریش بز گفته اند، ولی این نام در زبان عرب به چند گیاه دیگر از جمله شنگت هم اطلاق می شود. در زبان فرنگی نیز به انواع من اسپره می گویند. من از تیره گل سرخ بوده و چند نوع دارم که یک نوع آن در آذربایجان ارسباران، قره داغ، جنگلهای حسن بگلو و مازندران می روید. گیاه من علفی به ارتفاع ده تا پنجاه سانتی متر و دارای ساقه زیرزمینی من است، که رنگ آن قهوه ای و دارای طعمی کس و بی بو است و دارای چندین نوع عامل مؤثر دارویی است. ساقه زیرزمینی

من قابض، ضداسهال، مخصوصاً ضداسهال خونی است و بهترین داروی ضد شکم‌روش برای اشخاص سالمند است. برای ورم‌روده و جلوگیری از پیدایش خون در ادرار تجویز می‌شود و برای رفع استفراغ‌های خونی، بواسیر، نتیجه خوب داده است. جوشانده آن برای معالجه گلودرد به صورت غرغره و شستشوی دهان با آن برای محکم شدن لثه و دندان مفید می‌باشد. کمپرس با جوشانده آن برای برطرف کردن خون‌مردگی و دردهای نقرسی نافع می‌باشد. مقدار خوراک آن به صورت جوشانده ۲۵ در هزار یک قاشق سوپخوری به فاصله بیست دقیقه برای رفع استفراغ خونی داده می‌شود و در موارد دیگر، از دم‌کرده ۲۵ در هزار سه فنجان در شبانه روز نوشیده می‌شود. گرد کوبیده ساقه زیرزمینی من برای ساختن خمیر دندان‌های طبی که جهت جلوگیری از خونریزی لثه‌ها ساخته می‌شود به کار می‌رود. برای استعمال خارجی به صورت غرغره و مضمضه و کمپرس، معمولاً از جوشانده غلیظ من صدگرم در هزار استفاده می‌نمایند. یک نوع دیگر من در مرز فوقانی جنگل‌های شمال و جنگل‌های ارسباران و بیلاقات نور و همچنین در همدان، قم، تفرش و دماوند، بطور خودرو می‌روید و خواص آن شبیه نوع قبلی است.



اسم من «درخت مسواك» است!

فارسی من درخت مسواک است، در بندرعباس و چاه‌بهار به من چوج گویند، عربی من شجرالمسواک است ولی در کتب سنتی به من اراک لقب داده‌اند. من یک درختچه ایرانی هستم، برگهای متقابل من گوشتی است و دارای گل‌های سفیدرنگ خوشه‌ای هستم. میوه من هسته‌ای زردرنگ بوده و آن را کبکث نامند که در موقع نارسایی سبزرنگ بوده، و به آن خمط و جهاض می‌گویند. از ریشه من که چوبی است سابقاً به جای مسواک استفاده می‌کردند.

کبات

من میوه رسیده و سیاه شده درخت مسواک هستم، چون هشت گرم مرا کوبیده و نرم کرده، با هم وزن آن شکر قاووت نمایند، و پس از خوردن روی آن آب سرد یا شربت بنوشند، تولید اسهال کرده، معده را پاک و درد پشت را تسکین می‌دهم و بعلاوه معده را از بلغم تهی می‌سازم. نوشیده جوشانده من ادرار را زیاد و مثانه و کلیه را لارویی می‌کند. من انواع کوهی و صحرائی دارم، صحرائی من خزان نمی‌کند و همیشه سبزاست و شباهت زیاد به درخت انار دارم. با این فرق که خاردار است و من بی‌خار می‌باشم. مسواک کردن با ریشه من دندان را سفید و لثه را تقویت می‌کند. صاحب کتاب دستورالاطبا و دیگران عقیده دارند که برگ درخت من جهت جذام، گال، بواسیر و فساد خون نافع است. میوه من نیز برای جذام و استسقا مفید بوده، کرم کدو را ساقط می‌کند. مقدار خوراک بذر من، هشت گرم می‌باشد و برای انداختن سایر کرمهای معده و روده نیز مؤثر است.



اسمها «تاجریزی» است!

ما برادران گوجه‌فرنگی و از تیرهٔ بادمجان هستیم که در زبان فارسی به ما تاجریزی، انگور روباه، انگورتورک، روباه‌تریک، سگانگور و به ترکی قوش اوزمی و به عربی عنب‌الثعلب گویند و این اسامی به انواع ما تعلق می‌گیرند. اکنون اجازه فرمایید انواع ما یکایک خود را معرفی نمایند.

کاکنج

فارسی من عروسک پشت پرده است، به من آلبالوی زمستانی، عروسک پس پرده، عروس‌در پرده، کچومن، جوزالمرج، صباللهو، کریسالیمود، حب

التوم و اسفوند و لیون گویند. در کتب داروسازی سنتی مرا کاکنج خوانده‌اند، در زبان فرانسوی به من الکنج می‌گویند. داروسازان سنتی ایران مرا نوع نر تاجریزی دانسته، بستانی مرا کاکنج بستانی و کوهی مرا کاکنج منوم می‌دانستند. من در اطراف تهران، قصر قجر، تجریش، در نواحی مرکزی ایران مخصوصاً اطراف اصفهان در شمال ایران آذربایجان، رودبار، کوشک، جنگلهای حسن بگلو می‌رویم. چند نوع از گیاه من در امریکای شمالی و یک نوع در نواحی گرمسیر امریکا به عمل می‌آید که اهالی محل آنها را خام خورده، و با آنها سس‌تهیه می‌نمایند.

ساقه گیاه من راست و زاویه‌دار مایل به رنگ قرمز با برگهای بیضی شکل نوک‌تیز به رنگ سبز می‌باشد. گل‌های من در فاصله مرداد تا شهریور ظاهر می‌شود و غالباً بطور منفرد در روی ساقه قرار دارند. میوه من آبدار به رنگ قرمز و به بزرگی یک گیللاس بوده و پوشیده از پرده است که از به هم پیوستن کاسبرگها حاصل شده است، و به همین جهت مانند عروسی است که در پس پرده قرار گرفته، و به آن عروسک پشت پرده هم می‌گویند.

در داخل میوه من دانه‌های کوچک مسطح به رنگ سفید دیده می‌شود، دارای نوش فراوان بوده و زنبور عسل به نوش و دانه‌های من علاقه و توجه فراوان دارد. قسمت مورد استفاده من میوه من است، ولی از برگها و دانه‌های من هم استفاده می‌شود. میوه من سرشار از ویتامین "ث" می‌باشد و تقریباً دوبرابر لیموترش ویتامین "ث" دارد، و علاوه بر ویتامین دارای جوهر لیمو و قندهای گوناگون است. در برگهای من ماده تلخی وجود دارد و از میوه و کاسبرگهای من یک ماده رنگین استخراج می‌نمایند. میوه من ملین، برگ و ساقه و کاسبرگهای گل من مقوی و تصفیه‌کننده خون، و بهترین دارو برای دفع خیز حاصله از پیدایش آلبومین در ادرار است. امراض سخت کلیه و مثانه، استسقا، نقرس و بیرقان را معالجه می‌نماید.

ضماد برگ من پوست را نرم می‌کند، و ناراحتیهای جلدی را برطرف می‌سازد، چکاندن عصاره من درمان خوبی برای زخم‌گوش می‌باشد، دود و بخور دانه‌های من نیز برای گوش درد مفید بوده و چرک آن را خشک می‌کند، و نیز

برای تنگ نفس مفید بوده، کرم معده، مخصوصاً کرم کدو را ساقط می نماید. مالیدن عصاره من بواسیر را برطرف می کند، و زخمهای مزمن را درمان کرده، و از فساد و چرک کردن آنها جلوگیری می نماید.

نوع کوهی من پیشاب آور بوده، و یک مثقال آن خواب آور می باشد. ولی زیاده روی در خوردن آن باعث جنون می شود، مقدار خوراک میوه رسیده من ده تا بیست عدد میوه در روز است. با میوه من شربت مربا و ترشی درست می کنند، و برای این کار لازم است میوه را از پرده بیرون آورند تا تلخ نشود، از میوه من بطور دم کرده و جوشانده به عنوان پیشاب آور می توان استفاده نمود.

سگ انگور



من نوعی تاجریزی هستم، که در خراسان و شبه قاره هند می رویم، در داروسازی جدید مرا تاجریزی سیاه می نامند و این ترجمه نام فرنگی من است. ولی داروسازان سنتی مرا عنب الثعلب خواب آور می دانستند. گیاه من علفی یک ساله به ارتفاع ده تا پنجاه سانتی متر است، و بیشتر در کنار گودالهای روید. ریشه من راست و سفید رنگ است، و در فاصله خرداد تا شهریور ماه ظاهر می شوند، میوه من آبدار، مدور، اول سبز و بعد از رسیدن قرمز می شود، طعم میوه من تلخ و ناپسند بوده، و در آن دانه های کوچک گرد زیاد دیده می شود. من خواب آور و مسکن می باشم. ضماد برگهای تازه و له شده من بر روی زخمهای جلدی و سرطان و تومورهای بدخیم مفید است، برای معالجه زخم نوک پستان می توان از جوشانده من به صورت حمام موضعی استفاده کرد، و این کار برای رفع

سوختگی و کوفتگی و التهاب پوست نیز نافع است، برای رفع ورم‌های پوست از جوشانده من کمپرس کنید، و زخم‌های چرکی را با جوشانده من شستشو نمایید، ضماد برگ و سرشاخه‌های گلدار من دردهای رماتیسمی و مفصلی را تسکین می‌دهد. از جوشانده برگ‌های گیاه من بطور تنقیه می‌توان برای تسکین دردهای لگن خاصره رحم و اعضای تناسلی استفاده کرد. یک مثقال من مسکن بوده، و بیشتر از آن تا چهار مثقال کشنده است، ضماد برگ میوه و دانه‌های من برای تسکین التهابات و درمان زخم‌های جلدی و سرطان مفید است، از دود و بخور دانه من برای تسکین درد گوش و زخم‌های جلدی استفاده نمایید.

تاجریزی پیچ

"کاکنج" و "سگانگور" که خود را معرفی کردند برادران من می‌باشند، ولی تاجریزی اصل و واقعی من هستم. عربی من "حلوهره" بوده و فرنگیها به من دوس‌آمر می‌گویند، این روزها در محافل داروسازی برای اینکه فرقی بین من و سایر انواع گذاشته شود به من تاجریزی پیچ گویند، زیرا گیاه من علفی و بالا رونده است. من در اطراف تبریز، اصفهان، رشت - حوالی رودبار بالاده برزوئیل، لاهیجان و همچنین جنوب شرقی ایران مثل بلوچستان می‌رویم. برگ‌های گیاه من متناوب بوده، و شکل ظاهری آنها در قاعده ساقه شبیه قلب است، ولی در قسمت فوقانی سه تایی است. گل‌های من بنفش کوچک و چتری بوده، و در فاصله خرداد تا شهریور ظاهر می‌شود. میوه من آبدار، بیضی شکل و آویخته است، پس از رسیدن سرخ رنگ می‌شود و دارای دانه‌های مسطح است، در صورتی که دانه‌های سگانگور کروی است. قسمت مورد استفاده من علاوه بر دانه ساقه‌های من و برگ گیاه من می‌باشد که همگی آنها پیشاب‌آور مقوی و تصفیه‌کننده خون بوده و کمی مخدر می‌باشند، و برای بیماری‌های جلدی و سرطان نافع هستند. برای تسکین درد استخوان، ترشحات زنانه، استسقا، برونشیت مزمن، نزله مزمن، سیاه‌سرفه، تنگ‌نفس، نقرس، یرقان و پیدا شدن

آلبومین در ادرار تجویز می‌شوند. ضماد برگ من برای امراض جلدی مزمن، اگزما، خارش، داءالصدف، سودا و تبخال سودفراوان دارد، و از آن می‌توان برای درمان زخمهای سرطانی استفاده کرد. دود و بخور دانه من چرک‌گوش را خشک و از فساد چرکهای دیگر جلوگیری می‌نماید.

از جوشانده صدگرم جوانه و برگهای من در یک لیتر آب دو لیوان در روز تجویز می‌شود.



اسم من «پنبه» است!

فارسی من پنبه و ترکی آن پنبوق است. اعراب به من قطن گویند. من دارای گونه‌های مختلف هستم و چندین هزار سال است که بشر مرا شناخته و به کشت من اقدام کرده است. گیاه من به ارتفاع ۵/۵ تا ۱/۵ متر است، برگهای گیاه من پنجه‌ای و دارای سه تا پنج بریدگی نوک‌تیز است. سطح برگهای من پوشیده از کرک است. گل‌های من دارای رنگ زرد روشن، ولکه‌های ارغوانی است. میوه من غوزه نامیده می‌شود، و دارای جدار خشک و سه تا پنج خانه است. در این خانه‌ها پس از شکفتن غوزه، الیاف پنبه نمایان می‌شود، و دارای دانه‌های فراوان است. بهترین زمین برای کشت من، زمینهای پوک است که کمی شوره

داشته باشد، الیاف پنبه من سفید مایل به زرد است، ولی اخیراً دانشمندان کوشیده‌اند که انواعی از من را در اثر تربیت به دست آورند که به رنگهای مختلف مخصوصاً قرمز و بنفش باشد. سعی دیگر دانشمندان بر این است که بتوانند انواعی از من پرورش دهند که الیاف آنها بلند باشد. در سنوات اخیر محصول ایران دچار آفتی به نام کرم خاردار شده بود که خوشبختانه مبارزه با آن ثمربخش بوده، و تا اندازه‌ای از بین رفته است.

دانه‌های من که به پنبه دانه معروف شده‌اند، دارای بیست تا سی درصد روغن قابل استخراج می‌باشند. من زرد رنگ بوده، و در زمستان در حرارت دو تا چهار درجه بالای صفر منجمد می‌شود، و دارای ویتامین "ای" می‌باشد. روغن من خوراکی است، مشروط بر اینکه کاملاً تصفیه شده و بوی آن گرفته شده باشد. در غده‌های ترشحی واقع در ضخامت لپه دانه من، دو ماده رنگی و سمی وجود دارد و دانه‌های من موقعی به مصرف خوراکی و دارویی می‌رسند بایستی عاری از این غده‌های ترشح کننده باشند. مغز دانه‌های من مصارف متعدد و فواید بسیار دارد، ولی بزرگترین این خواص زیاد کردن نطفه است و کسانی که به علت کمی نطفه بچه دار نمی‌شوند، بایستی سه ماه مرتباً روزی ۵ مثقال مغز مقرر دانه‌های مرا میل نمایند.

خوردن مغز مقرر دانه‌های من سینه و شکم را نرم می‌کند، و درمان سرفه است. بادارچین و شکر برای سرد مزاجان و با سکنجبین برای آنهایی که مزاجی گرم دارند برای تقویت غرایز جنسی به کار می‌رود. مغز دانه‌های من برای زنان بچه شیرده نیز نافع است، چون شیر را زیاد می‌کند و مقدار چربی و مواد سفیده آن را بالا می‌برد. شکوفه گیاه من نشاط آور است، و شربت‌هایی که با آن بسازند برای رفع خفقان و اختناق سود فراوان دارد و برای درمان سواس و ابتدای جنون مفید است و داروسازان سنتی ایران را عقیده بر آن بود که عقل و هوش را زیاد می‌کند. ضماد شکوفه و برگ من همراه با پنبه سوخته و رومها را فرو می‌برد و خارش بدن را برطرف می‌کند، و از تاول زدن پس از سوختن جلوگیری می‌نماید، آب برگ من اسهال را بند می‌آورد مشروط بر اینکه با آب سیب مخلوط شده و خورده شود. پوست ریشه گیاه من قاعده آور است، و خون رحم را بند می‌آورد،

پنبه مخصوصاً وقتی چربی آن گرفته شده و هیدروفیل، یعنی جاذب آب شود، دارای مصارف و فواید پزشکی زیاد است، و بسیاری از باوان هنگام عادت ماهانه از آن و فراورده‌های آن استفاده می‌نمایند.

درصنعت ازپنبه و روغن من زیاداستفاده می‌شود وپزشکان سنتی ایران، پوشیدن لباس پنبه‌ای رامفیدمی‌دانستند. من‌دارای انواعی‌به‌صورت‌درختچه‌نیزمی‌باشم‌که‌درمشرق‌بنگال، نواحی‌مصرعلیا، ایران، چین، و ژاپن‌می‌روید وانواع‌وحشی‌آن‌نیز‌به‌طور‌خودرو‌در‌ایران‌دیده‌شده‌است.

چنانچه زخمهای گودشده را ازپنبه سوخته پرکنید، چرک‌آنهارا‌کشیده وآنهارا خشک می‌کند. اگرما‌گرم‌کرده و برروی ورمهای دردناک ببندید، درد‌آنهارا تسکین خواه‌م‌داد، وبرای‌اینکه‌نتیجه‌بهتریدهد بهترآن‌است که‌قبلا‌روی‌آن‌زنجبیل و زرنباد نرم کرده بمالید، و بعد روی آن پنبه‌گرم کرده گذاشته و ببندید و همینکه پنبه سردشد، دوباره آن را گرم‌کنند و مدتی بگذارند. برای فروکش ورم بیضه و تسکین‌درد آن دستور داده‌اند که دانه پنبه را ازغوزه جدا کرده، و بکوبند و پس ازگرم کردن بر روی برگ بیدانجیر پهن کنند و بر روی ورم بیضه بگذارند و همچنین دستور داده‌اند که اگر تخم پنبه را کوبیده، با کمی زنجبیل مخلوط کرده و پنبه را با آن آغشته کرده، فتیله سازند و بعد یک سر آن را برزگیل میخی بسته و سردیگر آن را آتش بزنند به طوری که گرمی و حرارتش به زگیل برسد، ولی نسوزاند، و این عمل را سه‌روز متوالی روزی یک بار تکرار کنند، زگیل افتاده و از بین می‌رود.

کنف که درگیلان و مازندران می‌روید و با آن گونی می‌بافند، از خانواده پنبه بوده و گیاه آن خواصی نظیر پنبه دارد، و همچنین نوع دیگری از آن در بلوچستان می‌روید که تا کنون در اطراف آن مطالعه و تحقیق نشده است. ممکن است این گیاه سینبل باشد که داروسازان سنتی به آن اشاره کرده و آن را چنین تعریف کرده‌اند: درختی است هندی بسیار بزرگ، چوب آن شبیه انجیر سفید و سبک برگ آن شبیه برگ گردو و از آن درازتر و گل آن سرخ تیره و بزرگ شبیه لاله و ریشه درخت کوچک و آن شبیه کوبک و شفاقل و مغز آن سفید و پوست آن نباتی‌رنگ و میوه آن شبیه غوزه پنبه و در چوب آن پنبه بسیار نرمی وجود

دارد و درخت آن دو نوع است. خاردار و بی خار، خاردار آن بهتراز بی خار است، و قسمت مورد استعمال این گیاه بیخ آن است که قبل از آنکه گیاه گل کند، باید آن را درآورده و با کارد چوبی ورق ورق کرده، و در سایه خشک نمایند و بعد کوبیده با هم وزن آن نبات سفید دوباره کوبیده و به صورت قاووت درآورند. خوردن این قاووت روزی یک تا سه گرم به مدت چهل روز برای تقویت جسمانی و غریزی نتیجه بسیار عالی دارد، و همچنین اسهال خونی و بلغمی را بند می آورد و برای معالجه دمل و زخمهای جلدی، جذام، فساد خون و صفرا سودمند است، و چنین شهرت دارد که اگر پنبه این گیاه را در گوش نمایند آن را کر می کند.

پنبه نسوز

فارسی من پنبه نسوز است، به من پنبه کوهی و آذرشت هم می گویند. عربی من حجر الفتیله است. من نوعی سنگ آتشفشانی هستم که از ترکیب سیلیکات کلسیم و سیلیکات منیزی به صورت الیاف درآمده ام، الیاف من مانند پنبه نرم و قابل انعطاف و تابیدن است و از این رو در نساجی می توان از من استفاده کرد و پارچه های نسوز بافت، در گذشته از من برای خانه های اعیان و اماکن مذهبی فتیله درست می کردند و در چراغهای روغن سوز می گذاشتند، امروزه در صنایع برای تهیه الیاف نسوز بیشتر از من استفاده می شود. داروسازان سنتی ایران عقیده داشتند که پنبه نسوز برای التیام جراحات مخصوصاً جراحات حیوانی نظیر ندارد. معادن پنبه نسوز در کرمان فراوان است، و خارج از ایران در چین و چند کشور معدود دیگر دیده می شود. در طب جدید هیچگونه مصرف دارویی برای آن قایل نیستند.

۱-۸۰۰۴۳-۱



بهای دوره ۳ جلدی : ۳۰۰۰۰ ریال

شابک ۸ - ۰۲۲۰ - ۰۰ - ۹۶۴ (دوره ۳ جلدی)
ISBN: 964 -00-0220-8 (3 Vol.Set)

شابک ۱ - ۰۳۲۷ - ۰۰ - ۹۶۴ (جلد سوم)
ISBN: 964 -00-0327-1 (Vol.3)